



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

سال پنجم بهمن ۶۴ (توریه ۸۶) شماره ۳۹



بهمن سرخ‌ترین ماه آرمان و انقلاب خلق

# اطلاعیه



کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

درباره حمله مسلحانه به

مرکز فرستنده رادیویی سازمان



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پیرامون اخراجهای دسته جمعی کارگران  
و ضرورت مبارزه متحد و متشکل کارگران  
برای مقابله با آن

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

روز جمعه ۴ بهمن ماه گروهی مسلح به مرکز رادیویی سازمان حمله کردند. در راس این توطئه دو تن به نامهای مصطفی مدنی و فرید از افراد سابق اکثریت که بعداً با اظهار ندامت نسبت به گذشته ننگین خود به سازمان پیوسته بودند و نیز محمود اخوان بیطرف (حماد شیانی) یکی از طرفداران شورای ملی مقاومت و مجاهدین که در تاریخ ۲۸/۱۱/۳ از سازمان اخراج شده بود، قرار داشتند. این توطئه مسلحانه در هم شکست و در جریان دفاع قهرمانانه از مرکز رادیویی سازمان سه تن از رفقای که در بخش رادیو کار می‌کردند، رفقا کاوه، اسکندر و حسن به شهادت رسیدند، و دو رفیق دیگر به نامهای بهزاد و مصطفی زخمی شدند و چند تن از فریب خوردگان مسلح نیز کشته و زخمی شدند. مرکز رادیویی سازمان هم اکنون در دست رفقای سازمان قرار دارد. مصطفی مدنی و فرید نیز جزو اخراج شدگان می‌باشند. اقدام توطئه‌گران این باند ضد تشکیلاتی خیانت به طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران محسوب می‌گردد.

کارگران مبارز ایران!

موج اخراجهای دسته جمعی کارگران به همراه تعطیل بسیاری از موسسات و کارخانه‌ها و پروژه‌های دولتی، سراسر ایران را فرا گرفته است. مایه نیست که سزاران تن از کارگران ایران بصورت گروهی اخراج نشوند و در نهایت فقر و تنگدستی به بیرون از کارخانه‌ها پرتاب نگردند. اخراج دهها هزار تن دیگر از کارگران که طی چند ماه اخیر به ارتش میلیونی بیکاران افزوده شده‌اند، در شرایطی صورت می‌گیرد که در نتیجه سیاستهای ارتجاعی و جنک‌طلبانه رژیم جمهوری اسلامی، فقر و تباهی و بدبختی سراسر جامعه را فرا گرفته است، میلیونها تن بیکار و آواره، در نهایت بدبختی و مسکنت، با گرسنگی، روز را به شب می‌رسانند. دستمزد کارگران آنقدر ناچیز است که بهیچوجه کفاف زندگی روزمره آنها را نمیدهد. گرانی و کمیابی کالاهای مورد نیاز مردم، بیداد می‌کنند. این همه بدبختی و مصیبتی که کارگران و زحمتکشان ایران با آن روبرو هستند، محصول نظام استثمارگرانه و ستمگرانه سرمایه‌داری و سیاستهای رژیم یاسدار این نظام، یعنی رژیم جمهوری اسلامی است.

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن نمی‌توانند "صدای فدایی" بانک رسای کارگران و زحمتکشان را تحمل کنند. آنها دست به یک عمل توطئه‌گرانه و خیانتکارانه علیه طبقه کارگر زدند. اما غافل از اینکه تا یک فدایی زنده باشد اجازه نخواهد داد رادیوی سازمان در دست عوامل بورژوازی قرار گیرد. جزئیات این توطئه بعداً به اطلاع عموم مردم ایران خواهد رسید.

درحالیکه بحران اقتصادی، زندگی را برعموم کارگران ایران تباہ کرده است، این رژیم همچنان در جهت منافع و مقاصد جاه‌طلبانه و سوداگرانه خود به جنک ادامه میدهد و بر فقر و بدبختی و فلاکت مردم، بیشتر می‌افزاید. تعطیل تعدادی از موسسات و کارخانه‌ها و اخراجهای دسته جمعی اخیر نیز نتیجه همین سیاستهای ارتجاعی رژیم است. رژیم جمهوری اسلامی که با ورشکستگی اقتصادی و مالی روبروست و تمام امکانات را در خدمت جنک قرار داده است، بازم بار طاقت فرسای بحران و جنک را بر دوش کارگران انداخته است و با تعطیل کارخانه‌ها و موسسات و توقف پروژه‌های دولتی، دست به اخراج دسته‌جمعی کارگران زده است. این رسم همه سرمایه‌داران است که تا وقتی منافعشان ایجاب میکند، کارگران را استثمار و غارت میکنند، خون آنها را می‌مکند و سر زمان که دیگر نیازی به آنان نداشتند، آنها

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۶۴/۱۱/۵

۵۰

## شانزدهمین سالروز رستاخیز سیاهکل و تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران گرامی باد

سیاسی و مبلین بی‌عملی، مصمانه مبارزه و تبلیغ مسلحانه را ادامه داده، ضربه پذیری، ضعف و زبونی حکومت قدر قدرت را بر عمگان آشکار ساختند. چریکهای فدایی خلق، با ارائه‌ی درک دقیقی از موقعیت دغنی توده‌ها، برخلاف پیش‌بینی‌های پیشگو مابانه‌ی رویزونیستها، موفق شدند با حماسه آفرینی‌های خود جو ارباب و ترور را درغم شکنند و طیف وسیعی از اقشار آگاه و مترقی را به مبارزه و رویارویی مستقیم با حکومت تشویق کنند. شکل‌گیری دغها کانون بزرگ و کوچک مسلح در سراسر کشور و تثبیت شکل

آموزشان نبودند که با صفیر گلوله‌های فداییان، خراسان، از خواب سالیان می‌پریدند، بلکه حامیان و مبلین ترمای بقای پاسیفیستی، طرفداران مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز قانونی نیز، که از تندرخشم انقلابی و فراخوان مبارزه‌ی عملی سخت به وحشت افتاده بودند، فغان برآوردند که این نوع مبارزه‌ی چپ‌رون است، ماجراجویی است، و نا‌عنگام پدید آمدن شرایط انقلابی و خیزش توده‌ها فعالیت یرانیک و تبلیغ قهرآمیز باید به تعویق افتد. اما پیشاعنک انقلابی، بی‌نوجه به نکفیرغا و بهانه‌تراستیهای وازدگان

در تاریخ مبارزات خلقهای میهنمان، ۱۹ بهمن، سالروز رستاخیز سیاهکل و تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران چون نقطه‌ی آغازین جنبش نوین کمونیستی ثبت شده است. مقطعی که در آن پیشاعنک انقلابی، با نفی عملی نظریه‌های اپورنونیستی و بورژوا رفرمیستی، بار دیگر پرچم مستقل یرولتاریا را به احتزاز در آورد و در یرتو رغنمودهای مارکسیسم - لنینیسم، مبارزه‌ی قاطع و یرغیرانه‌ای را علیه حکومت شبه فاشیستی شاه و حامیان آن از سر گرفت. این تنها کاخ نشینان خون‌آشام و سگهای دست

### در این شماره

- مبارزه فاطمائه با دین یک وظیفه اساسی
- برای مارکسیستهای ایرانی در مقطع کنونی
- شانزدهمین سالروز رستاخیز سیاهکل و تولد سجعفا گرامی باد
- اختیار ایران
- اخبار جهان
- اخبار جنبش دانشجویی
- نکاهی به اعتمادبهای کارگری در آستانه قیام بهمن
- بادی از رقص جهان
- خطابه‌ای در شانزدهمین سالروز رستاخیز سیاهکل
- مبارزه فاطمائه با دین چگونه باید مبارزه کرد؟ ... ۲۶
- جنگ آمد کشگاه من ... ۲۸
- یادها: مارکس بزوهسکر و رزمنده ... ۳۱
- انقلاب در آفریقای جنوبی ... ۳۲
- کربنده‌هایی از تشریبات و اطلاعاتها ... ۳۷
- آموزش واردها: جنبش کارگری ... ۳۸
- داستان: سله‌ی آسی ... ۴۰
- سفر: اموجین از مرگ، بار ... ۴۵
- از خوانندگان ... ۴۷
- کد کمکهای مالی ... ۴۹

## شانزدهمین سالروز رستاخیز سیاهکل و تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران گرامی باد

مسلحانه‌ی تبلیغ چون شیوه‌ی غالب مبارزات در این دوره، خود، شاعد این مدعا بود. در طول دهه‌ی پنجاه، علی‌رغم اشتباهات و ادامه‌ی تاکید بر امر محوری بودن تاکتیک مسلحانه، سازمان موفق شد نقش مهمی در فراغ آوردن موقعیت ذهنی انقلاب و تشدید مبارزه‌ی طبقاتی ایفا کند. اما شدت گیری مبارزه و سختی راه، عمچنان که تاریخ نشانگر آن است، عموماً آن دسته را که هنوز پیوندی تنگاتنگ با اهداف پرولتاریا نیافته‌اند و راه مبارزه را با عدفی جز پیروزی غایی زحمتکشان دنبال می‌کنند، از پا خواهد انداخت. جالب اینجاست که ازپا افتادگان و ورشکستگان سیاسی نه خود را، که راه و روش را و مبارزه و پیگیری انقلابی را مورد سرزنش قرار می‌دهند و خوانمان تعطیل یا تخفیف مبارزه‌اند؛ مبارزه و مخاطره را ماجراجویی خرد بورژوازی نام می‌نهند، اما بی‌عملی، دنباله‌روی، سفسطه جویی و اپورتونیسم را حرکت اصولی مبتنی بر درک علمی و پرولتری جا می‌زنند.

سازمان، چه در دوران قبل از قیام و چه در سالهای متعاقب آن، با عناصری از این قبیل در درون خود مواجه بود. انشعاب دسته‌های موسوم به " گروه منشعب " در سال ۵۴ و " اکثریت " در سال ۵۹ و عناصری از بقایای فکری آنان در سالهای اخیر، نمونه‌هایی از نفوذ خط و مسی غیر پرولتری در درون سازمان بود. منشعبین، که بدون استثنا، به دنبال طی پیروسی کوتامعی به حزب ضدانقلابی توده - این مبلغ اصلی رویزیونیسم و نافی پیگیری استقلال طبقاتی کارگران -

می‌پیوستند، عمقی، و عریک به نحوی، مدعی بودند که سازمان " منحرف از مارکسیسم - لنینیسم " و آلوده به " گرایشهای غیرپرولتری " است. آنان که عموماً منافع طبقه‌ی کارگر را، برای خوش خدمتی و کسب اعتماد بورژوازی، مورد مصالحه قرار داده‌اند عموماً، در کردار و اندیشه‌ی خود، اعدافی به جز بسط مبارزه‌ی طبقاتی و رادیکالیزه شدن جنبش را دنبال کرده‌اند و مبلغ صلح و سازش با اردوی سرمایه و ارتجاع بوده‌اند باید سم به مذمت نیرویی که سعی در تعمیق مبارزه‌ی طبقاتی دارد بپردازند و او را به افراط در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری متهم کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، امروز، پس از گذشت پانزده سال از تولد افنخار آمیزش، با کسب تجارب مبارزاتی، پادیش ایدئولوژیک و رشد کمی و کیفی، به قدرتمندترین و متشکل ترین بازوی پرولتاریای ایران بدل شده است. اتخاذ مواضع و تاکتیکهای انقلابی و کاربرد عملی آنها و مبارزه‌ی پیگیر علیه سرکونه انحراف در جنبش کمونیستی ایران از سازمان عمانا دشمنی سرسخت علیه بورژوازی و نیروهای غیرپرولتری ساخته است. دقیقاً به علت کسب چنین موقعیتی است که عمده‌ی جریانهایی که صف مستقل طبقه‌ی کارگر و مبارزه‌ی بنیادین علیه سرمایه‌داری را نافی اهداف خود می‌یابند سچفا را " سکتاریست " و مانع ایجاد " ائتلاف " علیه رژیم ارزیابی می‌کنند. این جریانها، به بهانه‌های گوناگونی همچون " شکست

انقلاب " ، " ضعف و تشتت در صفوف چپ " و " فقدان شرایط بورژوا دموکراتیک " عمده‌ی توان خود را صرف ترویج خواسته‌های رفرمیستی، مماشات با آلترناتیوهای بورژوازی و ایجاد اتحادها و ائتلافهای عموم خلقی می‌کنند. برخی از این جریانها، با درک نادرست از شرایط تاریخی و دامنه‌ی رشد آگاهی و درجه‌ی سازمان یافتگی طبقه‌ی کارگر ایران، سعی در تحمیل الگوهای پیش ساخته و تخیلی بر روند مبارزاتی آن دارند. آنچه مسلم است، طبقه‌ی کارگر، به دلیل وجود شرایط سرکوب و حفقان شدید، از درجه‌ی سازمان یافتگی و تشکل صنفی-سیاسی باذیی برخوردار نیست. اما، در عین حال، به یمن تجارب گرانمایی که در روند قیام و ضمن مبارزات یراکنده در چند سال گذشته اندوخته است، دچار هیچ گونه توعمی نسبت به ماهیت ضدکارگری و سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی نیست. امروز، عر کارگر آگاهی به ما خواهد گفت که طرح شعارهایی همچون تشکیل اتحادیه، صلح با عراق، ائتلافها و اتحادهای فاقد مضمون طبقاتی و یا بر پایه‌ی پلانفرمهای بورژوا - رفرمیستی، مفهومی به جز خرده‌کاری، رفرمیسم و به انحراف کشاندن روند مبارزات ندارد. اکنون دیگر دوران سرنگونی رژیم به شیوه‌ی تضعیف بخشهای تشکیل دهنده‌ی آن و جذب گروههای حامی و وابسته به صف اپوزیسیون گذشته است. امروز دوران مبارزه‌ی مستقیم و رو در رو با کلیت رژیم و حامیان خرد و کلان آنست. پیشرو تنها با قرار دادن اعتصاب عمومی سراسری، قیام مسلحانه‌ی عمومی و تبدیل جنک ارتجاعی به جنک داخلی در دستور کار می‌تواند تشکل انقلابی دزم برای تحقق این خواست طبقه‌ی کارگر را تبارک ببیند. رویای دست یابی به یک تشکیلات توانمند پرولتری از طریق محور قرار دادن ساختمان



آمار واردات ۷ ماهه امسال ایران از طرف رژیم اعلام شد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ادامه‌ی سیاستهای خود مبنی بر بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته و سرکوب کارگران و زحمتکشان، روابط اقتصادی - سیاسی منطبق با آنرا در سطح جهانی نیز دنبال می‌کنند. آمار واردات ۷ ماهه امسال ایران که از سوی خود رژیم انتشار یافته است، مخدین و حامیان اصلی این حاکمیت ارتجاعی را به خوبی آشکار می‌سازد:

" ۰۰۰ واردات ایران طی سال

جاری از کشوری اسلامی ۱۶/۲ درصد، غرب ۶۲ درصد، شرق ۱۱/۴ درصد و از کشورهای دیگر ۱۰ درصد بوده است. سهم واردات دولت ۸۱/۷۳ درصد و سهم بخش خصوصی ۱۶/۷۶ و تعاونی ۱/۵۱ درصد از واردات ۷ ماهه امسال بوده است."

در این آمار همچنین آمده است که: "۰۰۰ بیشترین واردات امسال کشور از ژاپن، ترکیه، آلمان، سوئیس، اتریش و انگلستان می‌باشد."

پزشکان اصفهان

یکپارچه دست به اعتصاب زدند

طبق گزارشهای رسیده از ایران کلیه‌ی پزشکان شهر اصفهان در اواسط دی‌ماه جاری به مدت یک روز به‌طور یکپارچه دست به اعتصاب زدند و از حضور در محل کار خود ( بیمارستانها و مطبها ) خودداری کردند. علت اعتراض پزشکان این بود که رژیم قصد داشته است در آستانه‌ی انتخابات نظام پزشکی چند تن از پزشکان حزب‌اللهی را به‌عنوان اعضای اصلی عیادت مدیره‌ی نظام پزشکی انتصاب کند که با مخالفت و اعتراض یکپارچه‌ی پزشکان روبرو می‌شود. تنها تعداد بسیار معدودی از پزشکان وابسته به رژیم که عضو انجمن اسلامی پزشکان بوده‌اند از شرکت در اعتصاب خودداری کردند و سر کارهای خود حضور یافتند. در بسیاری خیابانها مردم در صف منتظر باز شدن مطب پزشکان بوده‌اند. به‌طور مثال در یکی از خیابانهای اصلی شهر به‌نام شاه‌عباس که حداقل ۱۰۰ مطب پزشکی وجود دارد، تعداد زیادی از بیماران در صفوف مختلف در کنار

انفجار بمب‌های متعدد در تهران

اخیرا چندین بمب در فاصله‌ی زمانی کوتاه در مجامع عمومی شهر تهران منفجر شده است. بعد از بمبی که روز ۱۶ آبان در خیابان ناصرخسرو منفجر گشت و گزارش آن در جهان شماره‌ی ۳۸ آمد، دو بمب دیگر در تهران منفجر شده است.

اسلامی منفجر شد. انفجار این بمب ۳ مجروح به‌جای گذاشت و تا شعاع ۴۰ متری شیشه‌های اطراف را شکست. موج انفجارهای اخیر نشان می‌دهد که رژیم برای افزودن اندک زمانی به حیات ننگین خود از عیج اقدامی فروگذار نمی‌کند.

در روز شنبه ۱۶ آذر، بمب ساعتی به وزن ۳۵ پوند (تی.ان.تی) در میدان تجریش مقابل بیمارستان شهدای تجریش منفجر گشت که دو کشته و ۱۸ مجروح به‌جای گذاشت. شدت انفجار این بمب به حدی بود که به ۱۲ اتومبیل پارک شده در خیابان خسارت وارد آورد و تا شعاع ۱۰۰ متری شیشه‌های اطراف را شکست. این انفجار چند ساعتی بعد از تصویب قطعنامه‌ی "نقض حقوق بشر در ایران" در مجمع عمومی سازمان ملل به‌وقوع پیوست.

در روز بعد، یکشنبه ۱۷ آذر، نیز بمبی به وزن ۱۰ پوند (تی.ان.تی) در یک فروشگاه ورزشی واقع در دوراهی یوسف آباد جنب خبرگزاری جمهوری

رژیم در مورد مهاجرت

یهودیان به اسرائیل قرارداد می‌بندد

خبرگزاری فرانسه گزارش می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی با امضای قراردادی با اسرائیل موافقت کرده است که محدود بیست‌هزار نفر از یهودیان ایرانی تدریجا به اسرائیل مهاجرت کنند. طبق عمین گزارش رژیم در مقابل از اسرائیل اسلحه دریافت خواهد کرد. قرار است بین دو کشور یک پل هوایی برقرار شود. پاکستان نیز در این طرح نقش مهمی ایفا می‌کند.

اسلام و مالکیت

محمدی نماینده‌ی مجلس برای میزان احترامی که به مالکیت خصوصی قایل است در جلسه‌ی مجلس گفت:

"اول بلوغ از مزه‌ای عبور کردم، دانه‌ای گندم باخود برداشتم. بعد از چند قدمی گندم را به جای خود در داخل خوشه گندم گذاشتم. گرچه دانه گندم مالیت ندارد، اما مالکیت دارد. چنانچه به‌عنوان سلب مالکیت دانه گندم را سر جایش نمی‌گذاشتم، مرتکب حرام شده بودم."

## شکست طرح جداسازی زن و مرد در اتوبوس های شرکت واحد



با شکست روبرو شده و تحریم گشته است. رانندگان این خطوط، که نام خود را به خبرنگار کیهان نداده اند، در مورد این طرح چنین می گویند: "۱۰۰۰ از زمان اجرای طرح یا مشکلات و درگیری های زیادی روبرو شدیم به طوری که چندین بار منجر به برخورد لفظی شد و مسافران اعتراض می کردند و بعضی می خواستند میله جداکننده را بردارند و با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق مسافران این خط را آقایان تشکیل می دهند در بعضی ساعات روز مورد اعتراض شدید مسافران واقع می شویم."

"از زمان اجرای این طرح اعصاب برای ما نمانده است زیرا به علت عدم آشنایی مردم با طرح، مسافران سروصدا راه می اندازند و خانواده خود را صدا می زنند و با اعتراض سایرین روبرو می شوند و کار ما شده یا دعوا کردن یا جدا کردن و به طور کلی مردم استقبال خوبی نکردند به طوری که بسیاری از مسافران دیگر سوار اتوبوس نمی شدند." □

رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی اخیرا دوباره به فکر جداسازی زن و مرد در اتوبوس های شرکت واحد افتاده است و به دنبال طرح هایی برای به اجرا درآوردن آن است.

ولی الله چهپور، مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی در مورد نحوه اجرای طرح (آزمایشی) جدید جداسازی و نتیجه ی طرح های گذشته می گوید: "۱۰۰۰ طرح هایی که در گذشته به اجرا گذاشته شد مورد استقبال مردم قرار نگرفت و با شکست مواجه شد، اینبار نیز طرحی را در نظر گرفتیم بدین ترتیب که رابطی مابین صندلیها گذاشته شود که به صورت کشویی قابل تغییر باشد که بر اساس تعداد مسافران زن و مرد راننده آنرا تنظیم نماید، همچنین صندوقهایی در انتهای اتوبوس برای انداختن بلیط خواعرا تعبیه شده است..."

اما این طرح مرتجعین حاکم نیز چون دیگر طرحها و راه حل سایشان در عمل

مطب پزشکان اجتماع کرده بودند. بیماران پس از مطلع شدن از خواست پزشکان نه تنها از این عمل پزشکان ناراحت نبوده بلکه از خواسته ی آنها به طور ضمنی حمایت می کردند. سرانجام رژیم در مقابل اعتراض یکپارچه ی پزشکان عقب نشینی کرد و به پزشکان اختیار داد تا خودشان عیات مدیره ی نظام پزشکی را انتخاب کنند. □

## رژیم از پرداخت

### حقوق کارگران عاجز است

آهنگری که برای دریافت حقوق خود به شرکت گندم، وابسته به وزارت بازرگانی مراجعه کرده بود می گفت: "ما از صبح تا شب چکش می زنیم و آنوقت دلمان خوش است که ماشینیهای یک شرکت دولتی را تعمیر کرده ایم و پولمان را سر موقع می دهند. امروز رفته ام ترمینال بار، سر جاده ی ساوه برای دریافت چهار هزار تومان طلب. دیدم تمام کارگران نشسته اند و کار نمی کنند. پرسیدم چه اتفاقی افتاده، یکی گفت: دوماه است حقوق دریافت نکرده ایم و تا حقوق ندهند، کار نمی کنیم و از اینجا سم تکان نمی خوریم. بعد رفتم پیش شخصی که باید از او پول می گرفتم. آن شخص یکی از کارگران را صدا زد و گفت: حقوقی شما چقدر است. کارگر گفت: دوهزار و پانصد تومان. پرسید: چند ماه است حقوق نگرفته اید؟ او گفت: دوماه. روکرد به من و گفت: ما نمی توانیم دوهزار و پانصد تومان اینها را بدسیم، شما می گوئید چهار هزار تومان ما را بدسید؟ بروید دو ماه دیگر بیاید..."

این شرکت دارای چند سزار نیلی است و در حال حاضر مدیریت کارخانه دست سپاه و حزب جمهوری اسلامی است.

## چند گزارش از ایران

به گفته‌ی کارگران شرکت حمل و نقل و ماشین‌آلات ( که متعلق به بانمانفلیج بود) از ایرج اقبال یکی دیگر از شرکای این شرکت، دعوت شده است به ایران بازگردد و ماشین‌آلات خود را پس بگیرد. کارگران این شرکت معتقدند از آنجا که "بنیاد مستضعفین" قادر نیست شرکت را اداره کند، دولت از اقبال خواسته است برگردد ولی او قبول نکرده است. چراکه گفته عمه‌ی ماشین‌آلات فرسوده شده‌اند و لوازم یدکی در کشور نیست و کار در این زمینه تضمینی ندارد. "بنیاد مستضعفین" حاضر شده ده میلیون خسارت بپردازد ولی هنوز قبول نکرده است. در رژیم گذشته ایرج اقبال صاحب مجتمع فولاد احواز و نورد سنگین کاویان نیز بوده است.



۲۲ آبان ماه. تعدادی از قاچاق‌چیان بلوچستان، در منطقه‌ای نزدیک بم باماموران ژاندارمری درگیر می‌شوند و قاچاقچیان به طرف منطقه رودمائی که تنها گذرگاه آن منطقه است می‌روند. ماموران گنستی با بی‌سیم به پاسگاههای شوره‌گز، چشمه زیارت و شرور اطلاع داده و از آنها کمک می‌طلبند. ماموران بالاخره قاچاقچیان را در منطقه رودمائی محاصره می‌کنند. یکی از قاچاقچی‌ها، پیامی به مردم محل می‌رساند که ما در محاصره‌ایم و به ما کمک کنید که مردم محل به کمک آنها شتافته و محاصره را می‌شکنند و تقریباً ۱۶ نفر از ماموران دولتی کشته می‌شوند.

از ۲۳ آبان تا اوایل آذرماه، تعداد زیادی از ماموران ژاندارمری و سپاه به منطقه هجوم آورده از حدود ایرانشهر تا زاهدان حکومت نظامی برقرار می‌کنند و تعداد بیشماری از

چویانان، کشاورزان و دامداران منطقه را دستگیر می‌کنند. رویهم رفته حدود ۳۵۰ - ۴۰۰ نفر از اعالی بی‌گناه منطقه‌ی اطراف رودمائی به شعاعی از شوره‌گز تا نصرت‌آباد دستگیر شده به زندان صحرایی در این منطقه منتقل شدند. طی این مدت عبور و مرور در منطقه قطع شد و به کسی اجازه‌ی ورود داده نمی‌شد.

حنی هنگامی که عده‌ای از اعالی یکی از روستاهای منطقه مشغول قبرکندن بودند، پاسداران با هلی‌کوپتر به جمعشان آمده، تعداد زیادی رادستگیر می‌کنند و ۴ نفر از زنان روستا را نیز با خود می‌برند.

از اول تا سوم آذرماه، ۷۰ نفر از دستگیرشدگان به زندان شهربانی منتقل می‌شوند. این دستگیرشدگان اجازه‌ی ملاقات با اقوام خود را ندارند. در روز ۹ آذر، ۱۵ نفر دیگر از منطقه را به دادگاه می‌آورند. این افراد را آنچنان شکنجه داده بودند که نمی‌توانستند روی پایشان بایستند. اقوام زندانیان و افراد حاضر در مقابل دادگاه به این رفتار وحشیانه با زندانیان اعتراض کردند ولی ماموران دولتی به زور اسلحه جمعیت را متفرق کردند. در طی این مدت، پاسداران حکومت ارتجاعی اموال زحمتکشان منطقه را غارت کرده‌اند و برخی از مناطق مسکونی را با خمپاره درهم کوبیده‌اند.

عوامل رژیم کوشیدند وقایع منطقه را مبارزه با قاچاق جلوه دهند، در حالیکه برعمگان آشکار است که رژیم جمهوری اسلامی خودحامی قاچاقچی‌های عمده است و عوامل رژیم در زدوبند با آنها، ثروتهای کلان به دست آورده‌اند. مسالهی قاچاق تنها بهانه‌ای بود برای حمله به مردم مبارز این منطقه و آزار و اذیت زحمتکشان بلوچ.

در ۲۶ آذر چندی پس از کشته شدن ۱۶ نفر ژاندارم که طی درگیری بین

قاچاقچیان و ماموران دولتی کشته شدند، خلخال، جلاد معروف جمهوری اسلامی به زاهدان سفر کرد. او در سخنرانی خود به پاسداران و کمیته‌ها انتقاد کرد که "چرا به یغیان ایست می‌دسید، باید به ممز و قلب آنها شلیک کنید." پس از سفر خلخال منطقه دوباره متشنج شده است. تعداد زیادی از افرادی که از مرز پاکستان مسافر می‌بردند دستگیر شده‌اند و مرزها کاملاً کنترل می‌شوند. مثلاً در گفته‌ی اول دی ماه، ۴۸ خروار پسته در منطقه‌ای به نام گزو به دست پلیس اقتاد. در عمین منطقه ۱۹ ماشین سیمرغ و تیوتا می‌گیرند که بارشان بنزین و گازوئیل بوده است. پاسداران این بنزین‌ها را در یک جا جمع کرده آتش می‌زنند.



شرکت مهندسان مشاور سازه که از بزرگترین شرکتهای مشاور ایران است چند طرح عمده از جمله طرح تکمیل یالایشگاه گاز کنگان در ۱۱۰ کیلومتری بوشهر را به عهده گرفته است. گفته می‌شود رفسنجانی از جمله سهامداران عمده‌ی این شرکت است. اگرچه در اسناد قانونی و پرونده‌های حقوقی از او اسمی برده نشده است، ولی قراردادی بین صاحبان شرکت و عاشمی وجود دارد.



در سرویس تهران - کرج یکی از مسافران می‌گفت: "خواهر عویدا آمده تهران و کارخانه‌ای را که در کرج داشتند، تحویل گرفته است." یکی دیگر از مسافران گفت: "بابا همه برگشتن روشن نمی‌شود به اشرف و رضا بگن شمام بیان." دیگری جواب داد: "آقا از رونگو که آخوند جماعت هر کدام برابر خلیج فارس و دریای مازندران رو دارند ولی از مردم یابه قول خودشان مستضعفان می‌ترسند." زنی گفت: "بله آقا چه دیدی شاید

فردا از رضا و امثالهم که پول و ویلایی دارند بگن بفرمایید ولی شرطش اینه که اول ده میلیون خمس و سهم امام را بدسید\*



روزنامه‌های رژیم، روز شنبه ۲۱ دی خبری مبنی بر دستگیری و محاکمه ۴ تن از صاحبان و اعضای عیات مدیره کارخانجات مقدم به جرم سوءاستفاده درج کردند. برادران مقدم که ظاعرا به اختلاس ۲۷۸ میلیون تومان از دارایی شرکت اقرار کرده‌اند، تنها به بازپرداخت این مقدار و ممنوعیت عضویتشان در عیات مدیره محکوم شده‌اند. این محاکمه، مورد دیگری از محاکماتی است که از زمان تصدی مقام دادستانی کل کشور توسط موسوی خوئینی‌ها، با سرو صدای زیاد در روزنامه‌ها منعکس می‌شوند. رژیم چنین وانمود می‌کند که با انتصاب خوئینی‌ها به این مقام، حرکت تازه‌ای را علیه سرمایه‌داران آغاز کرده است. اما حقیقت امر به گونه‌ای دیگر است. بحران شدید اقتصادی و سیاسی که مدت‌هاست ارکان حکومت اسلامی را به لرزه انداخته، سران رژیم را بر آن داشته تا دست به کار اجرای نمایش جدیدی شوند. با این نمایش رژیم اولاً می‌خواهد به "امت حزب‌الله" بقبولاند که همچنان حامی "مستضعفان" بوده، و ضمناً با اخاذی از جناحی از بورژوازی به نفع جناح‌های دیگر، برخی از معضلات مالی و اضطراری خود را حل کند.

محاکمه برادران مقدم و جریمه نقدی آنان نیز نه نشانه دشمنی دستگاه با این سرمایه‌داران و نه به معنای ساقط ساختن آنان از اموال و سرمایه‌شان است، بلکه تنها یک نمونه از "حق‌العملی" است که رژیم برای ایجاد فضای مساعد برای سرمایه‌داران از آنان اخذ می‌کند. درحقیقت سابقه روابط رژیم با این خانواده

خود بهترین بیانگر رابطه‌ی مستقیم دولت با سرمایه‌داران بزرگ است.

مجموعه‌ی صنعتی مقدم، واقع در "نظرآباد" نزدیک قزوین، از واحدهای بزرگ صنعتی کشور است. در ماسه‌های پس از قیام تعدادی از کارگران آگاه و فعال این مجموعه، ضمن تماس با سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، از فدایی‌به‌خون تشیده، سعید سلطانی‌پور دعوت کردند که نمایشنامه‌ی "عباس آقا، کارگر ایران ناسیونال" را در محل تجمع کارگران در این مجموعه اجرا کند. اجرای این نمایش در نظرآباد با استقبال وسیع کارگران روبرو شد. پاسداران سرمایه و دیگرعمال کارفرمایان در آن شب به محل نمایش حمله کرده اما با اعتراض شدید و دفاع کارگران روبرو شدند و عاقبت از آنجا گریختند. مبارزات کارگران کارخانجات مقدم تا مدت‌ها پس از قیام با سازماندهی روز افزونی ادامه داشت. کارگران بارها خواستار دستگیری و محاکمه‌ی مدیران و صاحبان کارخانه شدند. اما از آنجا که عبدالله مقدم، عمده سهامدار شرکت، از سال‌ها پیش با آخوند‌ها روابط صمیمی داشت و آنان همیشه مشمول "موهبات نقدی" او

می‌شدند، شکایات کارگران نه تنها به جایی نرسید بلکه باعث دستگیری بسیاری از آنان و شدت گرفتن سرکوب مبارزانشان شد.

با مرگ عبدالله مقدم در سال ۶۳، روزنامه‌های رژیم در صفحات اول خود این خبر را انعکاس دادند. عبدالله مقدم بارها از رجایی به نام فرزندان و از اعضای کابینه به نام پسرانش یاد می‌کرد و ضمناً با مهندس بازرگان، حاج طرخانی، مطهری، آیت‌الله خاتمی (امام جمعه‌ی یزد)، آیت‌الله شهیدین محلاتی (از سردمداران سپاه پاسداران) علی‌نقی خاموشی (از اعضای حزب جمهوری اسلامی و رئیس بنیاد مستضعفان) و بسیاری دیگر از سران رژیم روابط حسنه‌ای داشته و باجهان کلانی از طرف کارخانجات مقدم و شرکت‌های وابسته به حساب‌های آنان منظور می‌شد.

البته روابط صمیمانه‌ی این سرمایه‌داران تنها با رژیم فعلی نبود. شاه نیز بارها از این کارخانجات بازدید کرده و عرساله مراسم جشن چهارم آنان با حضور و سخنرانی افراد "سرشناسی" چون آیت‌الله خاتمی در این مجتمع برگزار می‌شد. □

## مجلس ارتجاع جزئیات طرح 'مجازات مسمولان نظام وظیفه'

### را تصویب کرد

چندین میلیون آواره و نابودی بخش عظیمی از ثروت اجتماعی ارمنان دیگری برای کارگران و زحمتکشان نداشته است، نیستند.

ارتجاع حاکم برای گسیل این جوانان به جبهه‌ها به زور متوسل شده است. از یک طرف توسط گشت‌های متعددی در خیابان‌های شهر به شکار گوسفندهای دم نوپ برای جبهه‌های جنگ ارتجاعی خود مشغول است و از طرف دیگر با تصویب قوانین و طرح‌های

رژیم جمهوری اسلامی که در باتلاق جنگ ارتجاعی در حال جان‌کندن است، برای بسیج نیرو به جبهه‌ها از دست زدن به هیچ اقدامی فرو گذاری نمی‌کند. رژیم مدت‌هاست با خیل جوانان آگاه و مبارزی روبروست که به نحو ممکن از معرفی خود برای "انجام وظیفه" در ارتش و سپاه سرکوبگر جمهوری اسلامی سر باز می‌زنند و به هیچ وجه حاضر به خدمت در جبهه‌های جنگی که جز صد‌ها هزار کشته و معلول و





در تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۶۴، وزیر مزدور "اطلاعات" رژیم، مصاحبه مطبوعاتی برگزار کرد تا یکبار دیگر فریبکارانه اعلام کند که "تشکیلات فدائیان اقلیت" نابود شده است. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که از مبارزات کارگران و زحمتکش ایران و ستاد رزمنده و پیشانگ آنان، یعنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به نراس افتاده است، غراز چند گاهی به چنین نمایشهای تبلیغاتی متوسل می شود تا بیروزیهای دروغین خود را بر سازمان جشن بگیرد. حال آنکه انکای سازمان به طبقه کارگر و مدافعین سوسیالیسم باعث می شود که بیبوسته از مرز ضربه های دسپوتی را فرا گرفته، و با پر کردن جای رفقای به خون پییده یا به بند کشیده شده با کادربهای جوان تر، همچنان مصمم

و رزمنده تا نابودی سرمایه داری و بیروزی سوسیالیسم به پیش رود. وزیر مزدور رژیم در این مصاحبه مجبور شد که به ارتباط تنگاتنگ سازمان با طبقه کارگر ایران و گستردگی و میزان فعالیت سازمان در میان کارگران اعتراف کند. او در مصاحبه خود می گوید: "عسستهایی که از این گروهک دستگیر شده عبارتند از: عسستهای کمیته های مخفی اعتصاب - برای به اعتصاب کشاندن کارخانه ها و جاهای دیگر... عسستهایی که اسمشان را به نام عسسته های سرخ، جوخه های رزمی و امثال اینها می گذاشتند." ما برای آگاهی خوانندگان جهان از کم و کیف فضیه، بخشی از اطلاعاتی سازمان در این باره را چاپ می کنیم و همچنین از مسئول کمیته خارجی از کشور سازمان نیز طی یک تماس تلفنی

جویای اطلاعات بیشتری شدیم که توضیحات مسئول کمیته را می خوانید:

"ضربه ای که خبر آن در روزنامه های رژیم درج شده است از مدتی پیش آغاز شد و حدود یک ماه و نیم قبل خاتمه یافت. ضربه در رابطه با بخشی از کمیته های کارگری تهران بود. وسایل و تجهیزاتی که در اثر ضربه به دست رژیم افتاد، کمابیش همانهایی است که در روزنامه اعلام شده است."

رفقای که در دام نیروهای رژیم افتاده بودند، با شهادت بی نظیری موفق شدند، قبل از دستگیری بسیاری از جزوات و مدارک را آتش زده، مقداری از امکانات را منهدم ساخته و با حفظ ندابیر امنیتی از سرایت ضربه به سایر بخشهای کمیته های کارگری و تشکیلات جلوگیری کنند."

# کمپان

شماره ۱۱ دی ۱۳۶۴ - شماره ۱۱ - ۱۱ دی ۱۳۶۴ - شماره ۱۱ - ۱۳۶۴ - شماره ۱۱ - ۱۳۶۴



مستقیم‌ترین رهبری و سرور اطلاعات

**مسئول تشکیلات فدائیان اقلیت داخل کشور به همراه بیش از ۴۰ تن از کادربهای آن دستگیر شدند**

چیزی که اخیراً بهتر رسیده قابل توجه برای مردم است. ضربه ای است که به گروهک چریکهای فدایی خلق ایران وارد آمد. و بعد از این رابطه با توجه به کارهایی که انجام شده بود بسیاری از سران این گروهک که در داخل بودند دستگیر شدند.

همتهایی که از این گروهک دستگیر شده هستند کمیته های مخفی اعتصاب - برای به عیان نشان دادن کارخانه ها و جاهای دیگر فعالیت داشتند که با یکلور مخفی کاری کردند. همتهایی که اسمشان را به نام هسته های سرخ، جوخه های رزمی و امثال اینها می گذاشتند در مجموع بیش از ۴۰ نفر از افراد این گروهک دستگیر شدند که بسیاری از آنها از کادربهای این گروهک هستند.

امکاناتی که از این گروهک بدست آمده ۹ قبضه سلاح ۳۰۰ گانه، انواع کلت هفت قبضه فنشکهای مختلف به مقدار زیاد، نارنجک، ۵ دستگاه اتوبیل، خودتنگاه موتورسیکلت، بدستگاه فتواستیل، زیراکی ویلی کیپی، ۷ عدد تاپ، دستگاه کامپیوتری گیرنده بیسیم، یک دستگاه دستگاه کامپیوتری مخصوص مکالمه با خارج از کشور، همچنین تعدادی زیادی وسائل حمل، دارو، قرص سیانور و اسناد درون گروهی به همراه آرشو کامل



## اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

درباره دستگیری تعدادی از اعضا، فعالان و هواداران سازمان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بار دیگر شمدهای از کارگران آگاه، مبارز و انقلابی را در تهران به اتهام دفاع از سالیان کارگران و زحمتکشان ایران بازداشت و دستگیر و حبس کرده است. مدتی پس از این دستگیری ها، طی یک محاصره مطبوعاتی، ضمن اعلام دستگیری ۱۱ تن از اعضا و هواداران سازمان، به منظور سرکشی گشتن بر حسابات رژیم و حسابات رزمیهای که نسبت به دستگیر شدگان اعمال می شود، اعلام نمود که یکی از دستگیر شدگان سا فرانسوی سرکشی کرده است. او بدین طریق تلاش نمود تا ضربه به اینکه رفقای ما به هنگام دستگیری از فرانسوی سرکشی استفاده می کنند این حقیقت مسلم را که رژیم تا کسوف مگر اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را زیر شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه ها سه شادت رسانده است، آشکار کند. اما امروز چه کسی را میتوان پیدا کرد که از اسامی نامشناختی و شکارهای این رژیم بی اطلاع باشد.

سنگین بود سرکشی گفارد و شکنجه و وحشیانه و کشتار سرکشی سرکشی افغانی را آشکار کرد. در ماه بروج بودن این ادعای سران رژیم همین سن که گفته شود رژیم به ما بی پشیمان داشتند حمایت خود تا کسوف از تحویل اسناد اطلاعاتی که اعلام کرده است بی درنگیهای مسلحانه و با ارفیق خوردن فرانسوی سرکشی رسیده است. به خانواده های آنها خودداری نموده اند. وزیر مزدور سازمان حاسوسی رژیم طی مصاحبه خود ضمن اینکه تلاش نمود بر شکنجه های وحشیانه ای که هم اکنون در مورد دستگیر شدگان اعمال می شود سرکشی بگذارد، در همان حال گوشه ای با اعلام شده است که گمانی که از مدتها پیش به اتهام واسنگی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دستگیر شده، سرگرداری تبلیغاتی بنام رژیم را در سازه علیه سازمان بهرود نشان دهد. اما سرکشی چند سال گذشته به رژیم آموخته است که علیه رژیم اینگونه چندین هزار تن از اعضا قرون وسطایی خود بهرید کشیده است همچنان ستانسته است ذره ای در مبارزه سازمان علیه رژیم حاکم ملل ایجاد کند و سرروحه مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ایران تا شوربگذارد. اگر رژیم قادر می بود کارگران و زحمتکشان ایران را نابود کند تهران صورت می توانست طوری سازه و فعالیت سازمان ما را نیز نه کند اما این واقعیت کاملاً روشن است که چنین چیزی امکان پذیر نیست.

مفروض سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می بودند و جای رفتن را که به دست درخشان رژیم جمهوری اسلامی به شهادت میرسد و ما در زندانهای قرون وسطایی بهرید کشیده می شوند، پس می کشد. این است راز دوام و بقا و تدوام فعالیت و مبارزه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران علیه نظام سرکشی و فعالیت و تلاشهای سرکشی رژیم جمهوری اسلامی.

و زحمتکشان ایران! سرکشی خود را در مبارزه بهرود نشان دهد. بهروری ارال کارگران

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

مهای اعتراف نمود که علیه سیدانگوبی رژیم جمهوری اسلامی، شکنجه و کشتار اطلاعاتی سلسله کشید. مبارزه خود را برای سرانداختن این رژیم شکار، ارتجاعی و فاشنشدید کند و آماره دهنده رژیم ما به حسابات خود ادامه دهد.

## پیوند ایران و ترکیه مستحکم تر میشود



تورگوت اوزال و موسوی در حال مذاکره در تهران

محتاج است برای ثابت کردن نقش خود در دفاع از منافع امپریالیستها در منطقه و رعایی از انزوای سیاسی، حاضر است به عر قرارداد و مبادلهی اسارت باری کردن نهد. سران رژیم بدخوبی آگایند که از طریق تقویت پیوند خود با ترکیه می توان نظام پیوسیدهی سرمایه داری وابسته را با رشته سالی عرچه محکم تری به نظام اقتصادی جهانی سرمایه داری پیوند زد. از اینروست که خامنه ای در دیدار با اوزال تمایل جمهوری اسلامی را برای تقویت چنین روابط همه جانبه ای اعلام می کند و آن را تحت نام وحدت مسلمانان قالب می کند: "۰۰۰ مساله وحدت مسلمانان و ملت های اسلامی در زمینه های فرهنگی سیاسی و اقتصادی و سایر زمینه ها یکی از بزرگ ترین آرمان های انقلاب ماست. ۰۰۰ ما برای روابط با شما اعمیت زیادی قائل هستیم. ۰۰۰" موسوی نیز پس از دور دوم مذاکرات خود با اوزال، این مذاکرات را موفقیت آمیز توصیف کرده و نتایج این سفر را مثبت و رضایت بخش خواند. او بخصوص بر طرح اصلی اوزال در جهت ایجاد بازار مشترک اسلامی، تاکید کرده و تحقق آنرا آرزوی دیرینهی جمهوری اسلامی خواند: " ۰۰۰ دو سال پیش از این وقتی بحث از یک بازار مشترک اسلامی می شد این یک آرزوی دور بود ولی الان می بینیم رسیدن

جمهوری اسلامی، جدا از اعداد صرفا اقتصادی، روابط به مراتب وسیع تری را دنبال می کند، رئوس مطالب مورد مذاکره دو دولت ارتجاعی را چنین برمی شمرد: " ۰۰۰ در شرایط امروز تجارت نقش بزرگی را بازی می کند ولی آرزوی من فراتر از شرایط امروز اقدامی جهت حل مسایل زیربنایی بین دو کشور به شکل مستحکم تر می باشد زیرا همکاری گسترده در آینده موقعی که از یک همکاری زیربنایی قوی برخوردار باشد اعتبار بیشتری خواهد داشت به طوری که در ملاقات اخیر خود از سفیر شما پرسیدم آیا امکان احداث یک ماسواری مخابراتی بین ایران و پاکستان و ترکیه و یا بین ایران و ترکیه از نظر شما وجود دارد؟ ۰۰۰ یکی از مسایل در رابطه با ایران خط لولهی نفت و گاز از بندر اسکندرون تا ایران است. ۰۰۰ مساله مهم دیگر همکاری های صنعتی است بین دو کشور امکانات همکاری دوجانبه وجود دارد در چارچوب این امکانات اگر امکان ورود متقابل کالا به کشور بدون اخذ حقوق گمرکی و یا اخذ مبلغ کمی به عنوان گمرک فراسم بیاوریم این مساله باعث تشویق سرمایه گذاری در امر صنعت می گردد. یعنی مثل اقدامات سابق بازار مشترک اروپا البته قبل از چارچوب قرارداد همکاری منطقه ای طرحهایی جهت اجرا بررسی شده ولی هیچکدام به مرحلهی عمل گذاشته نشد. ۰۰۰"

اوزال در طی سفر سه روزهی خود به ایران، ضمن ملاقات با خامنه ای و انجام چند دور مذاکره با موسوی از تمایل همه جانبهی جمهوری اسلامی در جهت تحقق اعداد فوق کسب اطمینان کرد. جمهوری اسلامی که بی شک برای بازسازی نظام ضربه خوردهی سرمایه داری وابسته در ایران به چنین روابطی

" تورگوت اوزال"، نخست وزیر ترکیه، در تاریخ ۱۳ دی ماه به عراقی یک گروه ۴۰ نفری از سرمایه داران و تاجران ترك، به منظور بهره مند شدن سفره ی بربرکتی که جمهوری اسلامی برای کشور های ارتجاعی منطقه گسترده است، وارد تهران شد.

قابل توضیح است که عفتهی قبل از سفر اوزال نیز، یک هیات اقتصادی ترك به ریاست "مصطفی تیناز تیتز"، وزیر مشاور اقتصادی با سران رژیم جمهوری اسلامی ملاقات به عمل آوردند. در نتیجهی این ملاقات در روز ۱۰ دی ماه، پروتکل همکاری اقتصادی ایران و ترکیه توسط "تیناز تیتز" و نبوی وزیر صنایع سنگین و مسئول مذاکرات اقتصادی ایران با ترکیه به امضا رسید. این پروتکل حجم مبادلات اقتصادی دو دولت ارتجاعی ایران و ترکیه در سال آینده را به سه میلیارد دلار رساند، که با بیش از ۳۰ درصد افزایش نسبت به سال گذشته، بالاترین رقم در تاریخ مناسبات تجاری دو کشور محسوب می شود.

اوزال، مدتی قبل از سفرش به ایران، طی مصاحبه ای با خبرنگار کیهان در ترکیه، اعداد این سفر و نظرات دولت ترکیه را آشکارا بیان ساخت و در طول سفرش نیز بدون در نظر گرفتن ظاهرسازی های جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری کرد. او که از پیوند همه جانبه و منافع مشترک عر دور رژیم اطمینان دارد ضمن تاکید بر روابط نزدیک ترکیه با جمهوری اسلامی اظهار داشت که عرسال ملاقاتهایی بین مقامات دو کشور صورت می گیرد.

اوزال در عمین مصاحبه اعداد دوطرف از این روابط و ملاقات های منظم و دنباله دار را بمخوبی شرح می دهد. او که همچون سران رژیم

به نزدیکی اقتصادی میان کشورهای اسلامی خیلی محدود نیست... روابط اقتصادی و توسعه سیاست زیربنایی بین دو کشور اسلامی و ملتهای ما می‌تواند گسترش یابد و اعتقادات اسلامی همه‌ی ملتهای منطقه یک زمینه‌ی طبیعی برای اتحاد و همکاری این کشورها از ترکیه تا کشورهای خلیج فارس را فراغم کرده است..."

"گوش" چاپ ترکیه، در مورد تعبیر نام پیمان همکاری‌های منطقه‌ای می‌گوید: "آر-سی-دی قرارداد همکاری‌های منطقه‌ای که تحت تاثیر سنتو بود در جهت عطف خود خدمتی انجام نمی‌داد. بنابراین آی-بی-او را تشکیل دادیم... در داخل آی-بی-او امکان پیشرفت پروژه‌های سه کشور (ایران، ترکیه، پاکستان) وجود دارد..."

اوزال با اطمینان از نیاز جمهوری اسلامی در برقراری چنین روابطی و با آگاهی از ورشکستگی سیاسی-اقتصادی رژیم، در ازای گرفتن امتیازات فوق‌حرف در حرف عم حاضر به تن دادن به خواسته‌های رژیم نمی‌شود. او در مصاحبه‌ای قبل از ترک ایران، موضع دولت ترکیه در رابطه با جنک را صریحا چنین اعلام می‌کند: "من داور نیستم و نمی‌توانم بگویم حق با کدام یک است... هر دو کشور مسلمانند انسان آرزو می‌کند که مساله جنک در اولین فرصت خاتمه یابد مهم‌ترین مساله این است... مساله اعلام محق بودن یکی از طرفین نیست... من اعتقاد به این دارم و چندین بار نیز این موضوع را گفته‌ام خدا در نهایت به حساب ظالم می‌رسد تا اندازه‌ای عم باید مساله را به روز قیامت محول کرد... این اعلام موضع صریح به علاوه تاکید اوزال بر اینکه: "باقی بودن روابط ترکیه و اسرائیل می‌تواند مفید واقع شود... باعث ابراز نارضایتی از سوی برخی از جناح‌های رژیم شد."

اگرچه عمه‌ی جناح‌ها در برقراری چنین روابطی متفق‌القول هستند اما بعضی جناح‌ها موضع‌گیری‌های اخیر را نشانه‌ی کم‌لطفی دولت ترکیه تلقی کرده‌اند.

اما از سوی دیگر دولت ارتجاعی ترکیه نیز که در سال ۱۹۸۰، به دنبال یک کودتای نظامی به رهبری ژنرال "اورن"، رئیس جمهور کنونی این کشور، روی کار آمد، با بحران سیاسی-اقتصادی گسترده و عمیقی روبروست و از این جهت خود نیز به برقراری چنین روابطی با ایران نیازمند است. اوزال که بعد از کودتا در پست معاونت نخست وزیر قرار داشت در سال ۱۹۸۳، از طریق "انتخاباتی" که در پناه سرنیزه برگزار شد، به نخست‌وزیری رسید. رژیم فاشیستی ترکیه که با بحران عمیقی روبرو بود، تحت رهبری دولت اوزال دست به رفرم‌هایی در جهت گسترش و تقویت بخش خصوصی (یا سرمایه‌داری آزاد) و تقلیل کنترل دولت و محدود کردن سرمایه‌های دولتی زد.

دولت ارتجاعی ترکیه با اضافه شدن سالانه نیم میلیون نیروی کار جدید به بازار کار این کشور و با توری با لاتر از ۴۲٪ در سال، در حالیکه دستمزد واقعی کارگران و زحمتکشان سیر نزولی می‌پیماید، در وضعیت اقتصادی نابسامانی بسر می‌برد. دولت ارتجاعی ترکیه که با ممنوع کردن هرگونه اعتصاب و با سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان این کشور و با شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی سعی در حفظ قدرت دولتی در این جامعه‌ی بحران زده را دارد، در تمامی این زمینه‌ها دست کمی از رژیم مسلمان و برادر خود، جمهوری اسلامی، ندارد. در چنین شرایطی است که دولت اوزال تنها از طریق افزایش صادرات خود به کشورهای نظیر ایران توانسته است، ۳ میلیارد دلار از قرضه‌های خارجی خود را بپردازد، و تلاش در محدود ساختن دامنه‌ی بحران موجود بکند.

باید همچنین متذکر شد، که ترکیه یکی از اعضای پیمان ناتو است، و با ۸۵۰ هزار نیروی مسلح بزرگ‌ترین بخش نیروی انسانی پیمان ناتو را تامین می‌کند، و همچنین پایگاه‌های عوایی بسیار مهم و پیشرفته‌ترین مراکز جاسوسی ناتو در این کشور قرار دارد. دولت ترکیه با برخورداری از این موقعیت در مذاکرات اخیر خود با آمریکا بر سر تجدید موافقت‌نامه‌ی پنج ساله‌ی اقتصادی و دفاعی ترکیه - آمریکا، حتی مبلغ ۷۱۴ میلیون دلار کمک نظامی و ۱۵۰ میلیون دلار کمک اقتصادی آمریکا به این کشور برای سال ۱۹۸۶ را ناکافی دانسته، تقاضای افزایش این کمک‌ها را کرده است. دولت ارتجاعی ترکیه با داشتن چنین نعمتی بی‌شک پیش برنده‌ی سیاست این پیمان در منطقه نیز می‌باشد، اوزال در سفر خود به ایران این مساله را نیز با صراحت بیان کرد: "... ترکیه به‌عنوان عضو ناتو عمل می‌کند و خارج از چارچوب ناتو مسئولیتی ندارد... او به روشنی مشخص می‌سازد که از طریق افزایش مبادلات و روابط اقتصادی با ایران علاوه بر استفاده از بازار این کشور، به‌عنوان پلی برای محکم کردن پیوند جمهوری اسلامی با کشورهای عضو پیمان ناتو عمل می‌کند: "... ترکیه خود را پلی بین غرب و جهان اسلام می‌داند و اساس روابط در سیاست خارجی ترکیه بر ارتباط توأم با غرب و جهان اسلام پایه‌ریزی شده است... ترکیه قصد دارد یک نقش اصلی در اتحاد کشورهای اسلامی ایفا کند..."

پیوند همه‌جانبه‌ی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با دولت ارتجاعی ترکیه و نزدیکی هرچه بیشتر این دو دولت در منطقه امری است که از نیاز هر دو در جهت بازسازی و تقویت نظام سرمایه‌داری وابسته در این کشورها برمی‌خیزد و با تقویت پیمان‌های امپریالیستی در منطقه روزبه‌روز کامل‌تر می‌گردد.

آرژانتین -

حمایت از بانک‌های جهانی در آرای سرکوب نیروهای انقلابی

به دنبال سفر دیوید راکفلر (یکی از سرمایه‌داران سرشناس آمریکا) به بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین در اواسط ماه ژانویه، تظاهرات وسیعی در اعتراض به حضور او در این کشور

مرور را بر نیروهای انتظامی بستند و سپس با شکستن پنجره‌های هتل محل اقامت راکفلر، خشم و نفرت خود را به سرمایه‌داران زالوصفت و حامیان و نوکران آنان ابراز نمودند. این



در تظاهرات علیه سفر راکفلر مردم بوئنوس آیرس به ساختمانهای موسسات مالی آمریکایی حمله کردند و در خیابانها به مقابله با پلیس پرداختند.

در مقابل باشگاه آمریکاییها برگزار گردید. تظاهرکنندگان همچنین سیاستهای مالی دولت، ثابت نگاه داشتن سطح دستمزدها و بازپرداخت قرضهای بین‌المللی را محکوم کردند. مقامات امنیتی که از وسعت گرفتن این تظاهرات به شدت عراسیده بودند، با گاز اشک‌آور به صف تظاهرکنندگان حمله‌ور شدند و چندین نفر را به شدت زخمی کردند. تظاهرکنندگان نیز در مقابل این تهاجم وحشیانه‌ی پلیس، مقاومتی قهرمانانه از خود نشان دادند و منطقه‌ی وسیعی از پایتخت را به صحنه‌ی درگیری با قوای نظامی تبدیل کردند. آنان ضمن آتش کشیدن ماشینهای پلیس، راه عبور و

وضعیت به سرعت به دیگر مناطق شهر کشیده شد و تا چندین ساعت درگیری نیروهای انتظامی با مردم و نیروهای انقلابی ادامه داشت که طبق آخرین گزارشهای موجود بیش از ۵۰ نفر مجروح به جای گذاشته است. در همین رابطه، یکی از بزرگترین اتحادیه‌های کارگری در آرژانتین س - ژ - ت به منظور اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت، روز ۲۴ ژانویه را روز اعتصاب عمومی اعلام کرده است و از کلیه‌ی اتحادیه‌های دیگر و دیگر بخشهای صنعتی و خدماتی خواسته است که به آنان ملحق گردند و همبستگی خود را با کارگران این اتحادیه نشان دهند. □

سری لانکا -

یورش دولت به چریکهایش از ۱۰۰ کشته به جای گذاشت

ارتش سری لانکا برای عقب راندن چریکهای استقلال طلب تمیل از مناطق شرقی کشور، بیش از ۳ ساعت، ۶ روستای منطقه‌ی "جفنا" را با ۱۵ بمب و مین و تانک آتش گرفت، که در نتیجه‌ی آن بیش از ۱۰۰ نفر از اعدای به قتل رسیدند.

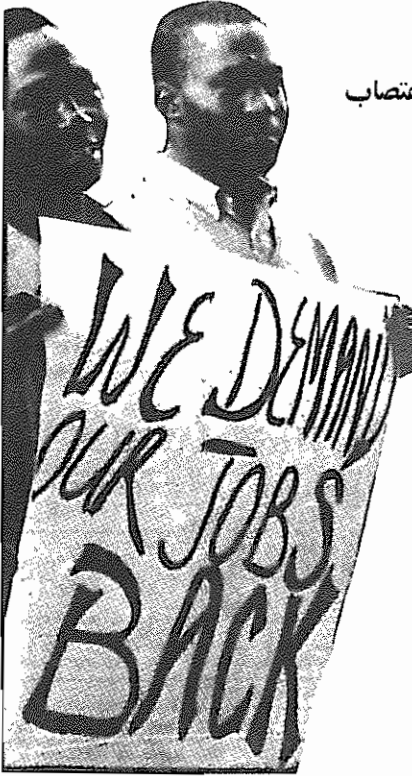
دولت سری لانکا که تا به حال جهت مقابله با چریکهای استقلال طلب تمیل از اسرائیل و انگلیس کمک می‌گرفت، در سال گذشته از امپریالیسم آمریکانیز تقاضای کمک کرده است. اما چریکهای تمیل عملیات خود را در چند سال گذشته افزایش داده و تا به حال صد بار ارتشی را در منطقه‌های شمال و شرق کشور به قتل رسانده‌اند.

این چریکها برای برقراری یک دولت مستقل تمیل مبارزه می‌کنند. □

بنگلادش -

اعتصاب‌های بی‌پایی سراسر کشور را فلج کرده است

از اوایل سال جاری پلیس بنگلادش برای مقابله با موج اعتصابهایی که کماکان ادامه دارد به حالت آماده باش درآمده است. بیش از ۴۰,۰۰۰ تن از پزشکان، مهندسين و متخصصين کشاورزی، به مدت ۱۵ روز برای افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. به دنبال این اعتصاب هزاران تن از کارگران کارخانه‌ی گونی بافی داکا (پایتخت بنگلادش) نیز دست از کار کشیدند و به اعتصاب پیوستند. در درگیریهای مختلف بین پلیس و اعتصابیون، چند نفر از رهبران اعتصابی و حداقل ۶۰۰ نفر دیگر دستگیر شدند. □



دو تن از کارگران اخراجی در حال اعتراض

هزار نفر شرکت کردند. همچنین در تشییع جنازه‌ی ۱۴ تن سیاه‌پوست دیگر که در درگیریهای "ملنگسی" کشته شده بودند، مردم به رقص و خواندن سرودهای انقلابی پرداختند. این یکی از ناکتیکهای موفق تظاهراتی زحمتکشان آفریقای جنوبی بوده است.

از دیگر ناکتیکهای موفق زحمتکشان آفریقای جنوبی، تحریم فروشگاههای سفیدپوستان است. بسیاری از این فروشگاهها، در نتیجه این مبارزات، برای همیشه تعطیل شده‌اند. با استفاده از این شیوه، سیاه‌پوستان در بعضی مناطق موفق شده‌اند دولت را در مقابل خواست‌هایشان مجبور به عقب نشینی کنند. □

موجود، بین سالهای ۸۲ - ۱۹۷۹، کمپانی شل ۴/۵ میلیون تن نفت خام به آفریقای جنوبی تحویل داده است. □

## آفریقای جنوبی - اخراج ۲۰,۰۰۰ کارگر معدن به جرم اعتصاب

بیش از بیست هزار کارگر معدن پلاتین "ایمپال"، در منطقه‌ی "ترانسوال غربی" که به خاطر افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده بودند، پس از گذشت ۵ روز از اعتصابشان به طور جمعی اخراج شدند. این عمل که به دنبال ترس از ندادن کارگران به اولتیماتومهای کارفرما صورت گرفت، بزرگترین اخراج دسته‌جمعی در تاریخ مبارزات کارگری این کشور است. در همین رابطه، "اتحادیه سراسری کارگران معدن آفریقای جنوبی" اعلام داشته است که در ندادن کارفرمایان در صورت تمایل حق دارند، کارگران اعتصابی را اخراج کنند. شد فقر و گسترش بیکاری در میان زحمتکشان سیاه‌پوست این کشور باعث شده است که سرمایه‌داران در اخراج و استخدام مجدد نیروی کار چارسیج مشکلی نباشند. سرمایه‌داران و دولت آپارتاید حمواره از این شرایط برای درسم شکستن مقاومت صنفی - سیاسی کارگران سوءاستفاده کرده‌اند. اما آنچه که امروز مشهود است تداوم انقلابی مبارزات در جهت دستیابی به حقوق سیاسی است. در طی چند هفته‌ی گذشته، با وجود شدت سرکوب، تظاهرات خونین خیابانی وسیعی در اکثر شهرهای سیاه‌پوست نشین صورت گرفته است. برای نمونه، روز ۳ دسامبر، در شهرک "املدی" نزدیک "پرینتوریا" طی تشییع جنازه‌ی ۱۳ سیاه‌پوست، که در تظاهرات ۲۱ نوامبر کشته شده بودند، بیش از ۵۰

پالایشگاهها و مجتمع‌های شیمیایی ولوله‌های نفتی این کشور به کار انداخته است.

لازم به تذکر است که طبق گزارشهای

با تمام شدن اعتصاب پزشتکان، اپوزیسیون این کشور در داکا، علیه حکومت نظامی اعلام اعتصاب سراسری یک‌روزه کرد. در این روز شهر داکا کاملاً فلج شد. کلیه پروازهای داخلی و خارجی لغو شدند و تمامی وسایل نقلیه متوقف شدند. همچنین تمامی مراکز آموزشی و بانکها به اعتصاب پیوسته و دست از کار کشیدند. در زدو خوردهای بین مردم و پلیس، صدها نفر از اعتصابیون و حداقل ۵۰ تن از نیروهای پلیس به شدت زخمی شدند و اعتصابیون ماشین حامل یکی از وزرای دولت را سنگ‌باران کردند. ژنرال ارشاد، رئیس حکومت نظامی بنگلادش، به خاطر ترس از اوج‌گیری بیشتر اعتصاب در ۵ ژانویه قول انتخابات جدیدی داد و از مردم خواست دست از اعتصاب بردارند. □

## اتحادیه‌های کارگری جهان، کمپانی شل را تحریم می‌کنند

در اعتراض به سیاستهای نژاد پرستانه و ضدکارگری رژیم آفریقای جنوبی، جنبش ضدآپارتاید آمریکا به همراه اتحادیه‌های کارگری در آمریکا، اروپای غربی و آفریقای جنوبی درصد تحریم تولیدات کمپانی شل هستند. در این رابطه یکی از رهبران جنبش ضدآپارتاید آمریکا، اعلام داشت که این حرکت وسیع بین‌المللی کمپانی شل را وادار خواهد کرد تا رابطه‌های خود را با رژیم آفریقای جنوبی قطع کند.

به‌گفته‌ی رهبران ضدآپارتاید آمریکا، دلیل تحریم کردن کمپانی شل، نقض تحریم جهانی صدور نفت از سوی این کمپانی بزرگ نفتی، به رژیم آفریقای جنوبی است. افزون بر این، کمپانی شل یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاران خارجی در آفریقای جنوبی است که سرمایه‌ی عظیمی را در ساختمان



انگلیس -

کارگران برای شرایط بهتر  
کار اعتصاب می‌کنند



صحنه‌ای از تظاهرات ایستاده‌ی کارگران اعتصابی صنایع ریخته‌گری شفیلد

تقویت اعتصاب شده است. این کارگران به شرایط خطرناک کار در این کارخانه اشاره می‌کنند و می‌گویند از سه سال پیش که کارخانه بدراه افتاده تا کنون ۹ کارگر کشته شده‌اند. □

کارخانه مانع ورود کارکنان به محل کار شده‌اند. همبستگی کارگران معدن با اعتصابیون و کمکهای مالی آنان به صندوق کارگران ریخته‌گر باعث

اعتصاب کارگران صنایع ریخته‌گری شفیلد، سه‌ماه است تولید در این صنایع را مختل کرده است. از آغاز ژانویه امسال کارگران با برپایی تظاهرات ایستاده در برابر درب ورودی

### نیکاراگوئه -

ضدانقلابیون در سرانسیب شکست

قطعی قرار گرفته‌اند

با گذشت ۴ سال از شروع عطیات ضد انقلابی مزدوران آمریکایی در نواحی مرزی نیکاراگوئه، کاهش فعالیت این جریان‌ها نشانه‌ی شکست سیاست نظامی آمریکا در رابطه با این کشور است. طبق اخبار رسمی دولت نیکاراگوئه، تعداد کشته شدگان ضد انقلابیون به بیش از ۴۰۰۰ نفر می‌رسد، که ۴ برابر تلفات ارتش نیکاراگوئه است. کل تعداد نیروهای مسلح ضد انقلابی، که به "کنترا" مشهوراند، در حدود ۱۵۰۰۰ نفر است و تا به حال بیش از ۷۰ میلیون دلار از طرف دولت آمریکا به آنان کمک شده است.

بنابه گفته‌ی وزیر دفاع نیکاراگوئه خطر "کنترا" هر روز کمتر می‌شود. ولی با این وجود بودجه‌ی نظامی این کشور در حال افزایش بی‌وقفه است. به طوری که در حال حاضر ۴۰ درصد کل بودجه‌ی نیکاراگوئه صرف بخش

### پاکستان - ژنرال ضیاء الحق چهره عوض می‌کند

ممچنین رژیم پاکستان در طی محاکمه‌های سری در این مدت هزاران نفر از مخالفان سیاسی را به جرمهای مختلف روانه‌ی سیاهچالهای حکومت نظامی کرد و یا مخفیانه به جوخه‌ی اعدام سپرد.

لغو حکومت نظامی، بی‌گمان، برای به انحراف کشاندن مبارزات مردم پاکستان صورت گرفته است. در حقیقت امر ساخت دولت عیج تغییر اساسی نکرده است. ضمناً امپریالیسم آمریکا نیز مایل است که مزدورانش در کشورهای وابسته ظاهر دموکراتیک داشته باشند تا آنان را از کمکهای اقتصادی و نظامی بهره‌مند کند. □

دیکتاتور نظامی پاکستان، ژنرال ضیاء الحق، که پس از کسب قدرت در سال ۱۹۷۷، قول داده بود پس از ۳ ماه حکومت نظامی را برخواهد چید، سرانجام در ۳۰ دسامبر ۱۹۸۵، بعد از هشت سال و نیم حکومت نظامی را در پاکستان لغو کرد.

کارنامه‌ی ژنرال ضیاء در این چند سال مشحون از قساوت و بیرحمی است. او در این دوره قوانین کاملاً ارتجاعی - اسلامی و قرون وسطایی، چون شلاق زدن ناراضیان سیاسی در ملاء عام، سنگسار کردن زنان تا حد مرگ، تقلیل موقعیت اجتماعی زنان و جزاینها را به تصویب رساند.

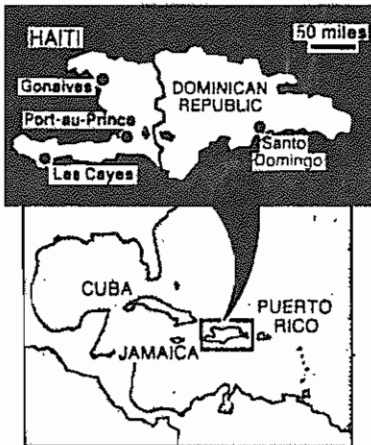
**آهنگر**  
در تبعید

برای دریافت ماهنامه‌ی طنزآمیز "آهنگر" با نشانی‌های زیر تماس بگیرید.

انگلیستان AHANGAR, c/o BOOKMARKS, 265 SEVEN SISTERS RD, LONDON N4, UK

آمریکا AHANGAR, 2265 WESTWOOD BLVD. #256, L.A. C.A. 90064, USA

مبارزات ضد دیکتاتوری گسترش می یابد



خونین تنی چند از افراد نظامی و نیز پلیس امنیتی را کشتند. چند روز پس از این واقعه دانش آموزان و مدارس و دانشگاهها و برپایی تظاهرات از جمله در پایتخت سائیتی پورتو پرنس به درگیری با قوای نظامی پرداختند.

در یکی از شهرهای جنوبی به نام میراگوان عده ای از دانشجویان مبارز یکی از فرماندهان عالی رتبه ای ارتش را ربودند و او را در تظاهراتی ضد دولتی مجبور کردند که شعار "مرک بر دو والیر" را تکرار کند. مردم فقیر و زحمتکش این شهر بلافاصله به بسیاری از ساختمانها و موسسات دولتی حمله کردند، و تمام یلاکهای خیابانهایی را که به نحوی در ارتباط با خاندان دو والیر نام گذاری شده بودند، کردند و نام آنها را عوض کردند.

بنابر گزارش یکی از روزنامه های اپوزیسیون، در یکی از تظاهرات که در پورتو پرنس صورت گرفت، عده ای افراد مشکوک شعار "مرک بر دو والیر، زنده باد ارتش" را سر دادند و پرچم آمریکا را در میان تظاهر کنندگان برافراشتند، اما مردم بلافاصله شعار را به "مرک بر دو والیر، زنده باد آزادی" تغییر دادند و نفرت خود را از رژیم و ارگانهای سرکوبگر آن ابراز کردند.

عمیق شدن مبارزات مردم در دو ماعه ای اخیر باعث گردید که مقامات کاخ سفید، علنا تگرانی خود را از اوضاع موجود در سائیتی، اعلام کنند و ارسال کمکهای مالی به رژیم فاشیستی دو والیر را حداقل در مقطع کنونی قطع کنند. دو والیر هم برای این که نظر اربابان خود را دوباره جلب کند، ۴ تن از وزرای کابینه و رئیس پلیس امنیتی را که به خاطر دست

در جهان شماره ۳۸، اخبار تظاهرات وسیع دانش آموزان در شمال سائیتی در اواخر سال ۱۹۸۵ را به اطلاعاتان رساندیم. در چندین هفته گذشته دامنه و وسعت این تظاهرات به سرعت به دیگر شهرهای سائیتی کشیده شد، و طی درگیریهای خونین بین قوای نظامی و توده های مبارز، صدها نفر کشته و زخمی گردیدند. این درگیریها و اعتراضات وسیع توده ای، که در طول ۲۸ سال دیکتاتوری خاندان "دو والیر" بی سابقه است، هر روز شکل جدیدتری به خود می گیرد و مردم مبارز سائیتی، حتی در غیاب یک سازمان سراسری تاکتیکی جدیدی را در مبارزه خود علیه حکومت دو والیر و ارگانهای سرکوبگر آن اتخاذ می کنند. به طور مثال، در اواسط ماه ژانویه ارتباطات تلفنی پایتخت با دیگر شهرهای سائیتی، طی یک نقشه ی قبلی، قطع گردید و به دنبال آن گروههای تظاهر کننده متشکل از دانش آموزان و دانشجویان و مردم مناطق فقیر نشین و بیگار در شهر گونایوز به مقر پلیس مخفی حمله کردند و ساختمان آن را به آتش کشیدند. مقارن با این حرکت، توده های مبارز در دیگر شهرهای سائیتی به دفاتر و موسسات وابسته به خاندان دو والیر حمله کردند و طی درگیریهایی

نظامی می گرد و هر روزه بر تعداد نیروی ارتشی دولت ساندنیستها افزوده می شود تا با هر گونه احتمال اشغال نظامی آمریکا و یا سیاستهای جدید نیروهای "کنترا" در متزلزل کردن دولت ساندنیستها، مقابله شود. لازم به تذکر است دولت نیکاراگوئه، رادیویی رسمی کلیسای کاتولیک را به علت عدم پخش پیام سال نو رئیس جمهور، تعطیل کرد.

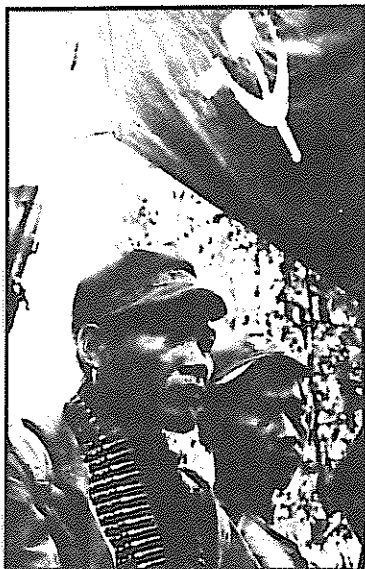
داشتن در جنایات بی شمار و نیز رشوه خواری و فساد مورد تنفر شدید مردم بودند، برکنار کرد. از سوی دیگر برخی از افسران ارتشی برای منحرف کردن مبارزات مردم، با پخش اعلامیه های دو والیر و خانواده ای او را مقصر معرفی کردند و با وعده های عوام فریبانه ای از جمله این که "اگر ارتش قدرت حکومتی را در دست گیرد به تمام ناپسامانیها خاتمه خواهد داد" دست به تبلیغات وسیعی زدند. بی شک دامنه مبارزات مردم زحمتکش سائیتی آن چنان وحشتی در طبقه ی حاکمه ای این کشور ایجاد کرده است که هر کدام از جناحهای بورژوازی با حیل های متفاوت سعی می کنند که با تسلط و کنترل بر اعتراضات ضد رژیم و با انجام یک رشته رفرمهای سطحی از وقوع یک تغییر و تحول اجتماعی به عر قیمتی جلوگیری کنند.

ژاین -

زحمتکشان یکی از محلات توکیو

شورش کردند

در اواسط ژانویه زحمتکشان "سانایا"، یکی از محروم ترین محلات توکیو، برای چندمین بار نسبت به وضعیت اسفبار زندگی در این محله



است که در صورت پیروزی این پایگاهها  
را حداقل تا سال ۱۹۹۱ حفظ کند. □

### فیلیپین -

#### انتخابات ۷ فوریه، یک نمایش مسخره است

بنا به گزارش روزنامه‌ی لوموند، "ساتور نینو اوکایو"، یکی از رهبران حزب کمونیست فیلیپین، در مصاحبه‌ای با یک هفته‌نامه‌ی عنکبوتی اظهار داشت که پیروزی مخالفان مارکوس در انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در ۷ ژانویه برگزار شود، سیج تنبیر اساسی برای این کشور ایجاد نخواهد کرد. او این انتخابات را نمایش مسخره توصیف کرد.

حزب کمونیست فیلیپین خواسان آن است که پایگاههای نظامی آمریکا در فیلیپین برچیده شود. در حالیکه خانم آکینو، کاندیدای ریاست جمهوری از سوی مخالفان مارکوس، متعهد شده

دست به اعتراضی وسیع زدند. اکثر ساکنان این محله را کارگران روزمزد تشکیل می‌دند، که نیروی کارشان به وسیله‌ی باندعای سیاه مزدور سرمایه خرید و فروش شده و بخش عمده‌ی دستمزدشان به آنان تعلق می‌گیرد. بسیاری از نیروهای مترقی که از اواخر دهه‌ی ۷۰ تا کنون علیه اینگونه زورگویی‌ها، مبارزه‌ی سرسختی را آغاز کرده‌اند، در اکثر مواقع مورد تهاجم پلیس و باندعای سیاه قرار گرفته‌اند. شورش اخیر، عکس‌العمل زحمتگشان این محله نسبت به قتل یکی از این فعالین بود. آنان با پرتاب کوکتل مولوتف به سمت پلیس و آتش زدن ماشینها خشم خود را ابراز داشتند. □

### اتیوپی -

#### دولت به شرکتهای آمریکایی خسارت می‌پردازد

طی ملاقاتی که بین مسئولین دولتی کشور اتیوپی و نماینده‌ی سیاسی دولت آمریکا در آدیس آبابا در ماه گذشته صورت گرفت، اتیوپی آمادگی خود را برای پرداخت غرامت به شرکتهای آمریکایی که در پی انقلاب ملی شده بودند، اعلام کرد. مبلغ درخواستی این شرکتهای بالغ بر ۷ میلیارد دلار است که، طی مدت معینی به اقساط باید پرداخت شود.

بازپرداخت این خسارتهای اتیوپی را که در زمره‌ی فقیرترین کشورهای جهان است، و در حال حاضر درگیر جنگ داخلی در مناطق شمالی و قحطی بی‌سابقه‌ای است، دچار ضیق مالی و اقتصادی گسترده‌تری خواهد کرد.

قابل توضیح است که دولت فعلی اتیوپی در سال ۱۹۷۴ به دنبال سرنگونی دولت دست نشانده‌ی سایلاسلای به قدرت رسید.

این دولت در حال حاضر درگیر جنگ داخلی علیه نیروهای استقلال طلب اریتره، بهرعبوری جبهه‌ی خلق برای آزادی اریتره است. □

### اسپانیا -

#### ۵۰،۰۰۰ معدنچی اعتصاب کردند

عمومی کارگران "و" کمیسوینهای کارگری سازماندهی شده بود. اما تحت فشار حزب سوسیالیست حاکم در اسپانیا بعضی از شاخه‌های محلی " اتحادیه‌ی عمومی کارگران" (که وابسته به حزب سوسیالیست است) از شرکت در اعتصاب امتناع کرده‌اند. این سیاست حزب سوسیالیست باعث شد که رهبران " اتحادیه‌ی عمومی کارگران" حزب سوسیالیست را شدیداً مورد حمله قرار دهند.

۵۰،۰۰۰ نفر از کارگران معادن ذغال سنگ اسپانیا از تاریخ ۱۷ دسامبر اعتصاب ۴۸ ساعته‌ای را آغاز کردند. این اعتصاب در مناطق "گاتالون" و "آراگون" تقریباً عمومی بوده است و در مناطق "آستوری" و "گاستیل" نیز از گسترش قابل توجهی برخوردار بوده است.

اعتصاب به وسیله‌ی دو سندیکای بزرگ کارگری اسپانیا یعنی "اتحادیه‌ی

### فرانسه -

#### اعتصاب کارکنان مترو، پاریس را فلج کرد

جرم فرد مذکور این بود که به علت بی‌احتیاطی‌اش یکی از مسافران قطار جان خود را از دست داده بود.

مدیران شرکت مترو برای پایان دادن به اعتصاب قول دادند که برای راننده‌ی محکوم شده از دادگاه تقاضای عفو کنند. □

هزاران نفر از کارکنان متروی پاریس در روز جمعه ۲۰ دسامبر دست از کار کشیدند. این حرکت اعتراضی باعث شد که به مدت ۲۴ ساعت رفت و آمد در پاریس فلج شود.

این اعتصاب کارمندان مترو، در اعتراض به محکومیت یکی از همکارانشان در دادگاه انجام گرفت.

## هند



یکی از رفقای هوادا رسا زمان در هند در حال سخنرانی در کنفرانس مشاهده می‌شود

دهلی - مقدمین کنفرانس "کنکری متحد اتحادیه‌های کارگری هند" (UTUC) با شرکت بیش از ۳ هزار نماینده، به نمایندگی از ۷۰۰ اتحادیه‌ی کارگری از واحدهای صنعتی و کشاورزی هند از تاریخ ۲۱ تا ۲۳ نوامبر در دهلی برگزار گردید. نمایندگان از سایر اتحادیه‌ها نیز در این کنفرانس شرکت داشتند. بنا به دعوت (UTUC) سازمان دانشجویان ایرانی در هند - عوادار سچفا در این کنفرانس شرکت کرد و با خواندن پیام همبستگی به همین مناسبت، توجه شرکت کنندگان در این گردهمایی را به کشتار و شکنجه‌ی ده‌هزار زندانی سیاسی، جنک ارتجاعی ایران و عراق و ویرانی کشور، بحران اقتصادی جامعه و ابعاد جنایت و وحشیگری رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی جلب کرد و خواستار همبستگی فعال با مبارزات اوج گیرنده‌ی کارگران و زحمتکشان به رهبری پیشاهنگ واقعی آنان، سازمان چریکهای فدایی خلق

رژیم منفور اسلامی حاکم بر ایران ابراز نمود.  
در این برنامه همچنین جزواتی در رابطه با خیانت‌های تاریخی حزب توده، برنامه‌ی عمل سازمان، نشریات زن و مبارزه و بولتن خبری بین علاقمندان توزیع گردید. □

ایران در راه سرنگونی رژیم و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان گردید.  
برتیش چاندا یکی از رهبران (UTUC) در آغاز سخنرانی خود با محکوم کردن جنایات رژیم جمهوری اسلامی همبستگی خود را با مبارزات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بر علیه

## دانمارک

کپنهاگ - پس از ارائه‌ی پیشنهادی از طرف تشکل عواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در دانمارک، مبنی بر تداوم حرکت‌های اعتراضی علیه رژیم خونخوار جمهوری اسلامی و پاسخ مثبت از طرف نیروهای سیاسی دیگر (چریکهای فدایی خلق - اتحادیه کمونیستها) یک آکسیون خیابانی همراه با نمایشگاه عکس از جنایات رژیم جمهوری اسلامی، به منظور دفاع از حقوق پناهندگان سیاسی، از طرف تشکل عواداران سازمان و نیز شرکت نیروهای سیاسی فوق‌الذکر و با شرکت تعدادی از پناهندگان، به مدت شش روز در خیابان مرکزی شهر

کپنهاگ به نام "واکینگ استریت" برگزار شد.  
در این آکسیون که روزانه به مدت ۴ ساعت از ساعت ۱۲ تا ۴ بعد از ظهر به طول می‌انجامید، عواداران سازمان فعالانه شرکت کردند و با پخش ۲۵۰۰ برگ اعلامیه و تراکت به زبانهای انگلیسی و دانمارکی، و نیز دادن توضیحات شفاهی لازم به بازدیدکنندگان، جنایات رژیم خونخوار جمهوری اسلامی ایران را وسیعاً افشا کردند. این حرکت اعتراضی با استقبال قابل توجه شهروندان دانمارکی روبرو گردید. به طوری که در بیشتر موارد بازدید

## کانادا

مونترال - انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران روز جمعه ۲۹ نوامبر جلسه‌ی فرسنگی در سطح عموم تحت عنوان "راه کارگر یا راه ارتداد؟" با حضور بیش از ۱۲۰ نفر برگزار کرد. در ابتدا با اعلام یک دقیقه سکوت یاد بهخون تنیدگان خلق گرمی داشته شد سپس مقاله‌ای از طرف انجمن تحت عنوان یاد شده در بررسی مواضع "راه کارگر" از ابتدای تولد تا کنون برای نشان دادن پروسه‌ی ارتداد و فرمیسیم "راه کارگر" قرائت گردید که به دنبال آن بحث آزادپیرامون مقاله صورت گرفت. □

## نروز

اسلو - در پی سفر یکی از اعضای مرکزیت حزب آ.ک.ب. ( معتقد به تز ارتجاعی سه جهان ) به ایران و حمایت بیشرمانه‌ی این حزب از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی انجمن دموکراتیک ایرانیان نروز جلسه‌ای به منظور افشای سیاستهای رژیم و مدافعان نروزی‌اش در ۱۳ نوامبر برپا کرد. سخنران اصلی این جلسه یکی از عوادران سازمان بود. همچنین نشریه‌ی دانشجویی Under Dusken طی مقاله‌ای با برشمردن اعدای، شکنجه‌ها و توضیح موقعیت زندانیان سیاسی، به افشای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و حزب آ.ک.ب. پرداخته است. در این مقاله که توسط یکی از عوادران سازمان نوشته شده است، به‌نوعی به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، سرکوب آنان گسیخته‌ی خلق کرد، به‌خون کشیدن تظاهرات کارگران، بستن دانشگاهها و اثرات خانمان برانداز جنگ ارتجاعی اشاره شده است. بخش دیگری از مقاله به سیاستهای توسعه‌طلبانه‌ی جمهوری اسلامی تحت عنوان " صدور انقلاب اسلامی " و ایجاد کشمکش در منطقه پرداخته است. همچنین سیاستهای حزب آ.ک.ب. و احزابی نظیر آن که با پذیرش تزهای ارتجاعی چون تز سمجهان، به‌دفاع از پینوشه در شیلی، نومیری در سودان و شاه در ایران پرداخته‌اند، افشا شده است. □

" زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه، زندان نابود باید گردد" به زبان فارسی و انگلیسی توجه خیل جمعیت ایرانی و خارجی در محل را به ابعاد نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسانی توسط رژیم ارتجاعی سرمایه در ایران معطوف کردند. عوادران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که فعالانه در تدارک و برگزاری این آکسیون شرکت داشتند، با برخی مسافران ایرانی که جهت مراجعه به کنسولگری ایران و بانک ملی آمده بودند، به صحبت پرداخته و مواضع سازمان را برای آنان توضیح دادند.

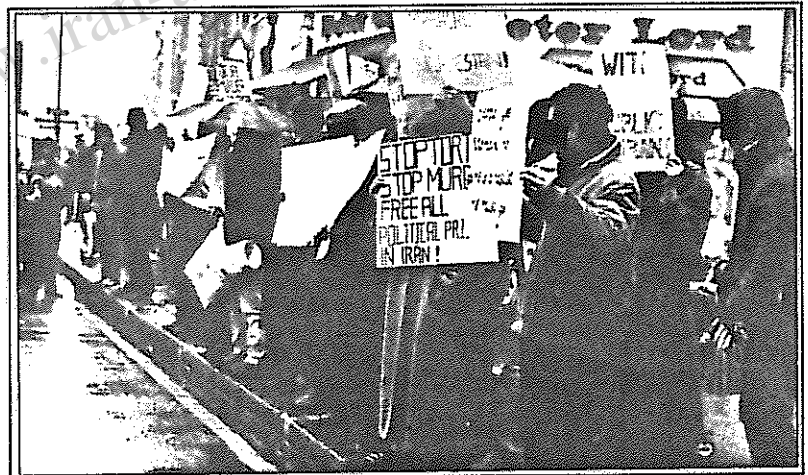
قابل توجه اینکه، عوادران مجامعین در نزدیکی محل حضور داشتند ولی پس از مدتی، زمانی که روح مبارزه جویی و شعارهای انقلابی شرکت‌کنندگان در تظاهرات، روش جلب حمایت مفلوگانه آنان را تحت‌الشعاع قرار داده بود، محل تظاهرات راترک کردند. □

کنندگان در نهایت حیرت از این عمه جنایات رژیم، عمیقاً نفرت خود را از رژیم جمهوری اسلامی ابراز می‌داشتند.

این آکسیون که از روز جمعه ۸۵/۱۲/۶ شروع شده بود، روز چهارشنبه ۸۵/۱۲/۱۱ خاتمه یافت. □

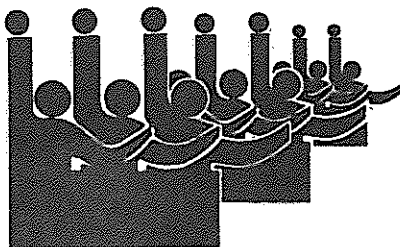
## انگستان

لندن - روز چهارشنبه ۸ ژانویه " کمیته‌ی موقت دفاع از زندانیان سیاسی " تظاهرات ایستاده‌ای در مقابل بانک ملی ایران در این شهر برگزار کرد و طی آن به افشاگری سیاستهای سرکوبگرانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی به‌ویژه در مورد زندانیان سیاسی و اعدام و شکنجه‌ی آنان پرداخت. شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی با فریاد شعارهایی چون



# داد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را بخوانید





ودکان از مسدود کردن سواست اعصاب گرانگاه نواسته اعصاب کارگاه

**اعتصاب در جیت تهران**  
 ۱۶۵۸ کارگر شرکت بافتکار (جیت تهران) از صبح روز شنبه (دیروز) با اعلام خواستههایشان دست از کار کشیدند.  
 حق مسکن، افزایش دستمزد - اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و بازنشستی از خواستههای کارگران اعتصابی است.  
 کارگران کارخانه جیت ری نیز از صبح روز ۵ شنبه دست از کار کشیدند.  
**اعتصاب در ویرگاه اتمی آبادان**  
 آبادان - خبرگزاری

۲ هزار تن از کارکنان خرمگ دست زدند

**اعتصاب کردند**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**دومین اعتصاب در پالایشگاه آبادان**

آبادان - خبرنگار گجهان - بدنبال اعتصاب کارمندان و کارکنان پالایشگاه آبادان، روز گذشته کارمندان اداره مرکزی ملی نفت نیز به پشتیبانی از کارکنان پالایشگاه دست از کار بردند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر پالایشگاه و سایر

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

**اعتصاب در دو کارخانه**  
 اصفهان - دوهزار تن از کارکنان شرکت خرمگ دست زدند. اعتصاب کنندگان ۲ هزار نفر از کارکنان شرکت خرمگ در اصفهان هستند. اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت اعتصاب در خانیاخت است.

سازن تبریز، جیت بهشهر، کارخانهی ترانسفورماتور، کاغذسازن پارس، صنایع البوز، ماشین سازی اراک، سیمان دورود و شرکت فاستر ویلر نام برد. خواستههای کارگران اعتصابی در این دوره بیشتر صنفی بود؛ افزایش دستمزد، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت حق مسکن، افزایش مدت مرخصی سالانه و مانند اینها.

در پی این اعتراضات، حکومت، با سیاست چماق و نان شیرینی، کوشید تا از یک سو با عقب نشینی در برابر برخی خواستههای صنفی و از سوی دیگر با اعلام تدابیر انضباطی شدید در کارگاهها - رعایت حضور و غیاب و توجه به اصول اخلاقی - مانع گسترش اعتصابهای کارگری شود. البته، تدابیر رژیم نه تنها کوچک ترین تاثیری در کند کردن اعتصابها نداشت، بلکه وعدههای حکومت باعث گسترش مطالبات کارگری و اعتصابها نیز شد. در مهر ماه سال ۵۷، روزنامههای رژیم،

کارگر ایران در برپایی قیام بهمین بپردازیم. اگرچه از اوایل سال ۵۷، خرده بورژوازی شهری، در اعتراض به حکومت، چندین بار دست از کار کشیده و بازارها را تعطیل کرده بود، اما اعتصابهای کارگر، که در آغاز کوتاه مدت و پراکنده بودند، ابعاد جدیدی به جنبش شده ان بخشیدند.

تاخیر شروع مبارزات کارگری ناشی از فقدان تشکیلات مستقل و ضعف نیروهای سیاسی این طبقه بود. در حالی که خرده بورژوازی، با سابقه مبارزاتی طولانی تر، با رهبری و تشکیلی فعال به مبارزه روی آورد، طبقه کارگر در نبود شکل و رهبری تنها پس از اوج گیری مبارزات خیابانی بود که، با شرکت در اعتصابهای سیاسی - صنفی، به تدریج درگیر قیام شد. در میان اعتصابهای موفقیت آمیز این دوره، می توان از اعتصاب سازمان آب و برق خوزستان و کارخانهی ماشین

بیگمان یکی از مهم ترین عوامل سرنگونی رژیم شاه عمانا، اعتصاب کارگران و کارمندان صنایع و ادارات دولتی و بخش خصوصی بود. کمتر اعتصابی مانند اعتصاب کارکنان صنایع نفت، به صورت سراسری و عمومی، ثبات دولت ارتجاعی را مستقیماً به خطر انداخت؛ با این همه، اعتصابهای بسیاری، اکثر، با مطرح کردن خواستههای صنفی آغاز شدند و به اعتصابهای سیاسی تکامل یافتند. در آستانه قیام بهمین، طبقه کارگر ایران، با شرکت فعال در مبارزات توده ای و اعتصابهای پیروزمند خود، به اندازهی دهمها سال تجربهی مبارزاتی آموخت و آگاهی کسب کرد: تجارب و آگاهی ای که در روند آماده شدن برای قیام آینده نقش تعیین کننده ای ایفا خواهد کرد. در این شماره نشریه جهان، خواهیم کوشید تا، با بررسی مختصر از اعتصابهای کارگر سال ۵۷، به روشنگری نقش تاریخی طبقه جوان

اخبار اعتصاب‌های بسیاری را درج کردند. اعتصاب به دانشگاه، آموزش و پرورش، پست و تلگراف، راه‌آهن، دخانیات، کشت و صنعتها، بانکها و وزارتخانه‌ها نیز سرایت کرد. در چنین شرایطی، اعتصاب تاریخی کارکنان صنایع نفت ضربه‌ی مهلکی به رژیم شاه وارد کرد. قطع صدور نفت به خارج و کاهش تولید، از یک سو، در اقتصاد بحران زده‌ی کشور سخت اثر کرد و، از سوی دیگر، در سطح بین‌المللی لطمه‌ی جبران ناپذیری به اعتبار سیاسی رژیم زد. برنامه‌ریزی این اعتصاب، که از اواخر نیمه‌ی اول سال ۵۷ آغاز شده بود و در آبان ۵۷ وارد مرحله‌ی عملی خود شد، از مهم‌ترین وقایع سال ۵۷ به شمار می‌رود. در این صنعت نیز، بسیج نیروها از طریق شعارهای سیاسی امکان پذیر نبود؛ و اولین اعتراضات در پی طرح خواسته‌های صنفی آغاز شد. کارکنان صنعت نفت، با سابقه‌ی طولانی مبارزه در این عمده‌ترین رشته‌ی صنعتی کشور، موفق شدند توانایی سازماندهی و قدرت لایزال پرولتاریای صنعتی در به زانو درآوردن حکومت سرمایه را به بهترین وجهی به نمایش بگذارند. اگرچه کارکنان صنعت نفت، در نتیجه‌ی مبارزات سالیان گذشته، در مقایسه با کارگران دیگر صنایع از مزایا، حقوق و شرایط کاری بهتری برخوردار بودند، اما، عناصر آگاه در این صنعت به درستی تشخیص دادند که با در نظر گرفتن روحیات کارکنان و به منظور به میدان کشاندن وسیع‌ترین نیروها، لازم است اعتصاب با طرح خواسته‌های اقتصادی آغاز شود؛ و بر عمین مبنای بود که فهرست چند صفحه‌ای خواسته‌های کارکنان پالایشگاه تهران در مرداد ماه سال ۵۷ به مسئولان شرکت نفت تسلیم شد. اما، از آنجا که طرح خواسته‌های صنفی با انگیزه‌ی

سیاسی صورت گرفته بود، در فاصله‌ی کوتاهی، با حاد شدن مبارزات توده‌ای، محور مبارزات کارگران و کارکنان نفت در سه خواسته‌ی زیر خلاصه شد:

- ۱- لغو حکومت نظامی.
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی.
- ۳- اخراج کارشناسان خارجی.

یکی دیگر از اعتصاب‌هایی که تاثیر به‌سزایی بر جنبش توده‌ای گذاشت اعتصاب معلمان و دانش‌آموزان بود که، به علت کثرت اعتصاب‌کنندگان و تحرك دانش‌آموزان، چهره‌ی شهرها را تغییر داد. در این مرحله، خواسته‌های مشترک اعتصاب‌کنندگان، صرف نظر از مطالبات صنفی - مانند افزایش حقوق، کاهش ساعات کار، بهبود شرایط کار، تامین شغلی و مسایل رفاهی و بهداشتی - درخواستهای سیاسی همچون ایجاد شوراهای دآوری مشکل از نمایندگان کارگران، انتخابات غیر تحمیلی، عدم دخالت قوای نظامی و ساواک در امور صنفی و مانند اینها عنوان می‌شد. در این مرحله، اعتصاب‌های متعددی از طرف کارگران، کارمندان و معلمان برای آزادی عمکاران دستگیر شده‌شان برپا شد. انحلال سازمانهای فرمایشی و ایجاد تشکیلات مستقل یکی از خواسته‌های مشترک کلیه‌ی اعتصاب‌های این دوره بود. برخی اعتصاب‌ها نیز در حمایت از دیگر اعتصاب‌ها و مبارزات صورت می‌گرفت، که نشانه‌ی همبستگی گسترده‌ی طبقه‌ی بود. برای نمونه، کارگران کارخانه‌ی چیت تهران، در اعلام پشتیبانی از خواسته‌های کارگران چیت ری، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب‌های این دوره در فلج کردن بخش وسیعی از سیستم دولتی موفق بودند و قدرت عمل رژیم شاه را در سرکوب مبارزات توده‌ای کاملاً تضعیف کردند. در آخرین مراحل جنبش پیش از قیام بهمن، جنبش کارگری باز هم رشد و گسترش بیشتری پیدا کرد و در اکثر اعتصاب‌ها خواسته‌های مستقیمی

سیاسی در راس خواسته‌های کارگران قرار گرفت. قطعنامه‌ی کارگران پالایشگاه آبادان نمونه‌ی بارزی از آگاهی طبقه‌ی در این مرحله حساس از مبارزات توده‌ای کشورمان است: "ما کارگران پالایشگاه آبادان، به خاطر همبستگی با خواهران و برادران کارمند شرکت نفت و سایر طبقات ملت ایران، خواسته‌های ملی خود را اعلام می‌داریم: ۱- حمایت و پشتیبانی کامل از خواسته‌های کارمندان صنعت نفت. ۲- لغو حکومت نظامی. ۳- آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی و بازگشت تبعیدشدگان. ۴- انحلال سازمان امنیت و اطلاعات کشور. ۵- تعقیب و مجازات عاملان کشتار اخیر ایران. ۶- تعقیب و مجازات متجاوزین به بیت المال. ۷- برگرداندن روز صنعت نفت از ۹ مرداد به ۲۹ اسفند. ۸- رسیدگی به خواسته‌های فرمندیان کشور. ۹- رسیدگی و اجرای خواسته‌های قبلی کارگران صنایع نفت."

دردی ماه سال ۵۷، موج اعتصاب‌ها، که کلیه‌ی ارگانهای غیر نظامی رژیم را در بر گرفته بود، می‌رفت تا، با اعتصاب غذای سماران، به بخشهایی از نیروهای نظامی نیز سرایت کند. در اوایل بهمن ماه، روزنامه‌ها اعلام کردند که سه و نیم میلیون کارگر ایرانی سه ماه است حقوق نگرفته‌اند. علاوه بر این تعداد، کارگران بیشماری اخراج شده بودند، اما اعتصاب همچنان ادامه داشت. تولید کارخانه‌ها متوقف شده بود، حمل و نقل و توزیع مختل شده بود، اداره‌ها و موسسه‌ها تعطیل بودند، اعتصاب حتی بیمارستانها را در بر گرفته بود. اتحاد اعلام نشده‌ی روشنفکران انقلابی با کارگران در پیشبرد و ادامه‌ی اعتصاب‌ها نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کرد.



صحنه‌ای از اعتصاب و تحصن کارگران شرکت نفت آبا دان در بهمن ۵۷

در این میان، "رعبران" جنبش نیز بی‌کار ننشسته بودند و برای این که کارگران را "ممه با هم" تحت رهبری خود نگه دارند، با ایجاد کمیته‌ی عماعنگی اعتصابات "به قصد رهبری این اعتصابات، در جهت و بر مبنای خواسته‌های خود، دست به کار شدند. در بهمن سال ۵۷، اگرچه تعداد بیشماری از کارگران، کارمندان در اعتصاب بودند، اما این توان عظیم، در غیاب تشکیلات حزبی و خط پرولتری، تا حد زیادی به عذر می‌رفت. یکی از ویژگی‌های بارز اعتصاب‌های سال ۵۷، شروع خود به خودی آنها بود. نقش نیروهای سیاسی در برپایی و ادامه‌ی این اعتصابات عمدتاً به شکل غیر مستقیم و در سطح محدودی بود. از سوی دیگر، همان طور که قبلاً نیز اشاره کردیم، ضعف پیش‌ساز و عدم سازمان یافتگی طبقه‌ی کارگر، خود، باعث تاخیر شروع اعتصابات و اعتراضات کارگری شد. در این مقطع، جنبش طبقه‌ی کارگر فاقد هویت مستقل طبقاتی بود و به زاینده‌ی جنبش خرده بورژوازی بدل شده بود. تنها به ندرت و در شرایط استثنایی بود که نافرمانی از "رعبران" مذهبی به چشم می‌خورد. پاسخ منفی کارگران صنعت نفت به بازگان در مورد افزایش استخراج و تصفیه‌ی نفت، یا راه‌یابی کارگران کارخانه‌ی تراکتورسازی با مواضع و شعارهای طبقاتی بیشتر، استثناسای این دوره از مبارزات طبقه‌ی کارگر بودند. تنها در آخرین ماه‌های پیش از قیام بهمن بود که آگاهی طبقاتی و کوشش برای شکل‌گیری صف مستقل کارگری، اینجا و آنجا، به چشم می‌خورد. در این زمینه، می‌توان شرکت جسند کارگران پیشرو بسیاری از واحدها در مبارزات دیگر واحدها یا حتی مسافرنهای طولانی آنان برای شرکت

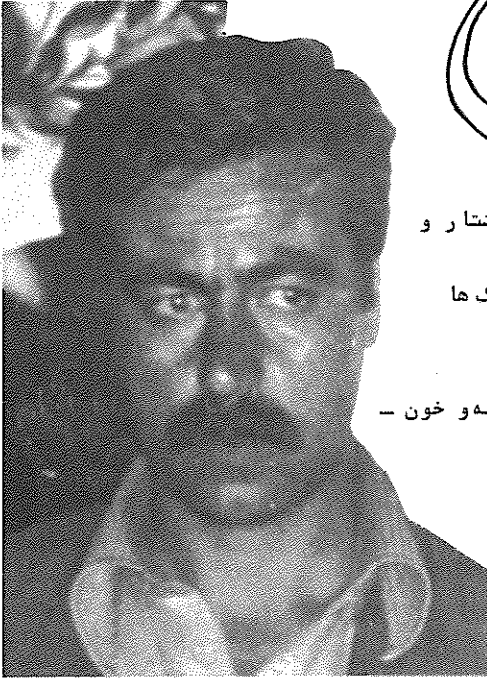
کردن در و حمایت نمودن از اعتصاب‌های دیگر واحدها را یادآوری کرد. با حاد شدن مبارزه در این دوره، کارگران برخی صنایع کمیته‌هایی متناسب با شرایط انقلابی تشکیل دادند که، در واقع، نطفه‌ی شوراهایی بودند که پس از قیام تشکیل شدند. این کمیته‌ها، که برآیند اعتصاب عمومی و تکامل مبارزات توده‌ای بودند، علاوه بر وظیفه‌ی سازماندهی و عماعنگ کردن اعتصاب، چون ارگانه‌های خودمختار قدرت کارگری با مقامات بلندیایی دولتی به مذاکره می‌نشستند، به اخراج روسا و مدیران دست می‌زدند، در مورد میزان تولید و صدور نفت تصمیم‌گیری می‌کردند، و با حقوقدانان و مقامات خارجی به مذاکره می‌پرداختند. در همین فاصله‌ی کوتاه، در صنایع عمده‌ای همچون صنعت نفت، راه‌آهن و مانند آنها، کمیته‌های کارگری تجارب تاریخی فراوانی آموختند و به قدرت لایزال طبقه‌ی کارگر واقف شدند. در این مرحله‌ی تاریخی، طبقه‌ی کارگر ایران، به رغم ضعف تشکیلاتی و کمی آگاهی، با شور مبارزاتی بی‌نظیری

در مبارزه شرکت جست و قاطعانه‌تر و پیگیرتر از همه‌ی افشار و طبقات علیه رژیم شاه مبارزه کرد و ابعاد جدیدی بدان افزود. در شرایط تزلزل و تردید نمایندگان خرده‌بورژوازی، طبقه‌ی کارگر ایران نشان داد که از درم شکستن نظام کهن و دستگاه دولتی آن سراسی ندارد. اگرچه این قدرت و قاطعیت بدون هویت طبقاتی و سیاست مستقل نتوانست مهر خود را بر قیام بزند، اما حداقل مانع از انتقال مسالمت آمیز قدرت شد.

قیام بهمن، خود، آغاز مرحله‌ی جدیدی از مبارزات کارگری بود. کمیته‌های اعتصاب پیش از قیام، پس از شکل‌گیری ارگان سازش و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، به اولین و پیگیرترین مخالفان رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شدند.

در طی چند سال اخیر، توده‌های کارگر در مبارزات آبدیده‌تر شده‌اند و با آگاهی‌ای برابر آگاهی به دست آمده در طی دهه‌ها سال مبارزه‌ی آرام، پیشاپیش سایر اقشار جامعه با نظام جهل و سرمایه مبارزه کرده‌اند. ■

# پدر از قیوم جهان



تا میدان انقلاب  
جهنده از فراز خودروهای کشتار و  
سرنیزه‌های زخم  
جهنده از فراز کمانه شلیک‌ها  
جهنده از بن بست‌ها و بام‌ها  
تا خیابان پرچم  
- خیابان گشتی و گلوله و خون -  
"جهان" جهنده کمونیسست  
"جهان" انقلاب  
در هوای خفه جمهوری  
با پلک‌هایی از چخماق  
لب‌هایی از چخماق  
آذرخی دردهان  
آذرخی در چشم

"جهان" کمونیسست  
"جهان" امروز  
"جهان" آینده  
"جهان" کارگران  
"جهان" جهان  
"جهان" پتک  
"جهان" داس  
"جهان" پرچم سرخ  
"جهان" کمونیسست  
"جهان" جهنده میتینگ  
جهنده از میدان "شوش"  
تا میدان قرق  
- میدان آزادی -  
جهنده از قرق آزادی

پدر جهان مصمم بود که او را در زادگاهش بمخاک بسپارد. معدودی عناصر اکثریتی تلاش کردند که پدر او را متقاعدسازند تا اجازه را به تهران برگرداند. استدلال آنان این بود که میاندوآب به آشوب کشیده خواهد شد و حفظ اعتبار رژیم جمهوری اسلامی در میان مردم ناممکن می‌شود. اما جسد آغشته بمخون او که ساعتها در معرض دید مردم شهر زادگاهش قرار گرفت در روشنگری از مامعیت جنایتکارانه و ضدانسانی رژیم نقش ارزنده‌ای ایفا کرد.

جمعیتی عظیم، با اندوه و خشمی فراوان، جنازه‌ی جهان را با احترامی در خور یک انسان زحمتکش و انقلابی تا گورستان شهر بدرقه کرد. دستگاه سرکوب رژیم احساس کرد که اگر جلوی مراسم خاکسپاری گرفته شود کار به تظاهرات و درگیریهای خونین کشیده خواهد شد. با این حال حکومت نظامی اعلام نشده‌ای را در شهر حاکم کرد. در تمام مسیر رفت و آمد به گورستان پاسداران سرمایه‌رادرحالت آماده‌باش

پای فشرده است. چند ماه قبل از این جنایت، اقدامی مشابه برای ربودن او انجام گرفته بود. این زمانی بود که پاسداران رژیم، پس از آگاهی از توان و نقش او در سازمان‌دهی و رهبری حرکات و اعتراضات کارگری در یک فرصت مناسب به او حمله‌ور شدند. اما او از این دام با مهارت گریخت.

به محض آن‌که خبر قتل غم‌انگیز "جهان" از طریق سازمانهای انقلابی پخش شد، اندوهی جانکداز عمده کارگرانی که او را به خاطر مبارزات و روشنگریهایش از طریق خانه‌ی کارگر می‌شناختند و عمده‌ی عمرزمان او در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و همچنین دوسنان و آشنایان و شهر زادگاهش را فراگرفت. آنانی که او را از نزدیک می‌شناختند و با او در تماس بودند بسی بیشتر اندوهگین شدند. در واقع جنیش کارگری ایران یکی از پیگیرترین مبارزان علیه نظام مبتنی بر استثمار انسان از انسان را از دست داده بود.

جهانگیر قلعه میاندوآب (جهان)، در ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۹ در تظاهراتی به مناسبت گرمی‌داشت حماسی سیاهل و قیام بهمن، پس از مقاومت طولانی در مقابل هجوم مسلحانه‌ی باندعای سیاه‌رژیم، سرانجام در میدان توحید تهران در دام پاسداران سرمایه گرفتار شد. یک هفته بعد تن بی‌جان او در پزشکی قانونی پیدا شد. لخته‌سای خون روی تمام پیکر تنومندش دلمه بسته بود. یک قسمت از پیشانی‌اش بر اثر ضربات مهلك قنطاق تفنگ کاملاً گود رفته و ستون فقراتش را به خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین شکلی در عیم شکسته، دستها و پاهایش را با آتش سیگار سوزانده بودند. از قراین چنین برمی‌آمد که مجموعه‌ی این شکنجه‌ها نتوانسته بود به زندگی سرشار از امید و مبارزه‌ی او خاتمه دهد. آثار شلیک گلوله بر سقف دمان و چشم او نشان می‌داد که او تا آخرین لحظات زندگی خود استوار و خلل ناپذیر، با حفظ اسرار سازمانی، در دفاع از آرمان زحمتکشان

نگه داشت.

پدر جهان با آن عمه محبت و علاقه‌ای که به او داشت مرکز نتوانست در حسرت از دست دادن فرزندش گریه کند. و همین امر سبب شد در میان بهت و ناباوری اطرافیانش به سان شمعی بسوزد و عمرش در شب صفت جهان به سر آید.

جهانگیر که نزدیکشان او را جهان صدا می‌کردند، در سال ۱۳۳۰ در میاندوآب، یکی از شهرهای آذربایجان، به دنیا آمد. در پی یک رشته حوادث ناگوار که برای خانواده‌اش اتفاق افتاد، برای امرار معاش و کمک به خانواده از عمان کودکی مجبور به کار کردن شد. از خصوصیات برجسته‌ی او در آن دوره کمک به ستمدیدگان بود. بدین لحاظ در میان مردم شهر از محبوبیت فراوانی برخوردار بود. یکبار در سالن ورزشی میاندوآب فرد چاقوکشی به قصد باج‌گیری و ایجاد رعب و سراس با چاقو به چند نفر از زخم‌تگشان که در حال ورزش بودند حمله کرد. اتفاقاً جهان نیز در آنجا حضور داشت. او در حالی که دستش به علت خارج ساختن چاقو از دست فرد مذکور زخم عمیقی برداشته بود، او را حتی در اتاقهای شهربانی نیز، که بدانجا پناه برده بود، راحت نگذاشت. چنین وقایعی در زندگانی او بسیار اتفاق افتاد، که نشانه‌ی ایمان او به محرومان جامعه بود. دل او همچون روح او بزرگ بود. خونگرم، بذلگو و با محبت بود. این را همه‌ی آنانی که از نزدیک با او آشنا بودند، می‌دانند. محبوبیت او در بین زخم‌تگشان شهر نیز به همین دلیل بود. یکی از آشنایان او تعریف می‌کرد که در کوچه و خیابانهای شهر میاندوآب مردم برایش احترام قایل می‌شدند و همه به او سلام می‌گفتند. بی‌آنکه با او آشنایی داشته باشند. بعداً معلوم شد که این عمه به خاطر جهان است.

این خصوصیات جهان باعث شد که مورد توجه معلمی که به تازگی از تبریز وارد میاندوآب شده بود، قرار گیرد. افقهای جدیدی در برابر جهان گشوده شد. جهان از آن پس دنیایی دیگر داشت، هر چه پول داشت صرف خرید کتاب می‌کرد. او در سایه‌ی آموزشهای همین معلم به آگاهی سیاسی دست یافت و با شور فراوان و عزمی راسخ، که در کمتر کسی می‌توان سراغ داشت، مبارزه‌ی خود را برای سرنگونی "نظم سرمایه" و دستگاه سرکوب دولتی آن آغاز کرد.

جهان شیخ‌گاه خاطره و نقش مهم آن معلم متعهد را فراموش نکرد. او تا آخرین لحظات زندگی‌اش درک ضرورت سازمان‌یابی در صفوف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و استحکام اراده‌ی مبارزه جویانه‌ی خود علیه خشونت وحشیانه‌ی نظام سرمایه‌داری را نتیجه‌ی آموزشهای آن معلم می‌دانست و از این جهت سیاستگذار او بود. او این محبت خالصانه را بعدها در مورد سعید سلطانپور هم حس می‌کرد و از این‌که روشنفکر مبارزی چون سعید به صفوف جنبش کارگری ایران پیوسته است غرق شادی بود و در سازماندهی برنامه‌های او سر از پا نمی‌شناخت. در حقیقت شعر زیبا و با عظمت سعید در سوک جهان و سرنوشت خود سعید، در بیان رابطه و پیوند ناگسستنی دنیای رنج و کار و دانش و آگاهی از هر چیزی گویاتر است.

بدین گونه مبارزه‌ی آگاهانه در راه خواسته‌های نوده‌های مردم و بیکار علیه تمامی مظالم خودکامگی، زور و ستم و تجاوزات بی‌وقفه‌ی سرمایه به عنصری از وجود او درآمد. از آن پس زندگی او به کوشش در راه سازمان دمی و ارتقای مبارزات و اعتصابات کارگری و پیوند سازمان پیشاهنگ با طبقه‌ی کارگر در راستای نابودی سرمایه خلاصه می‌شد. او با درک عملی از مناسبات موجود بین اردوی کار

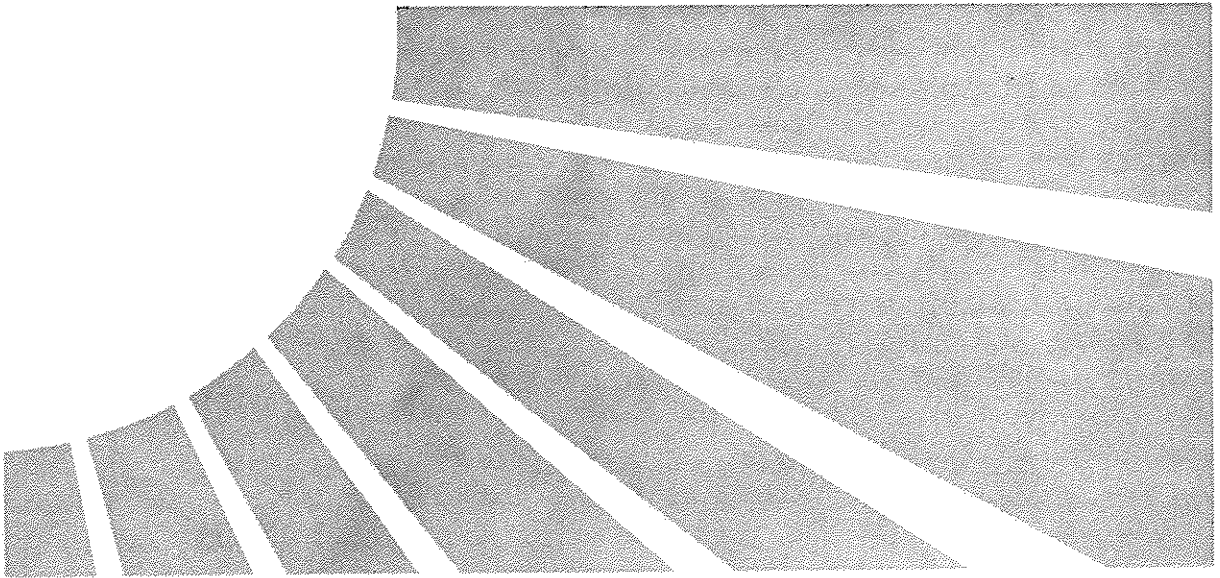
و سرمایه در جنبش کارگری ایران از جمله آن پیشروانی بود که مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر را از محدوده‌ی تنگ منافع صنفی، خارج ساخته و افکار کارگران را به مورد سؤال قرار دادن کل جامعه سوق می‌داد. به همین علت در آن شرایط اختناق و ستمگری رژیم شامعشامی که هرگونه محفل کارگری و مبارزه‌ای جنایت محسوب می‌شد، به اتفاق تنی چند از کارگران پیشرو یک گروه مخفی کارگری و هوادار سازمان را به نام "گروه روزیه" بنا نهاد. همین گروه بود که بر زمینه‌های تدارکاتی دزم، با سازمان دمی و هدایت اکثر اعتراضات و حرکات خودبخودی کارگران در مقطع قیام، نقش بسزایی در پیوند سازمان با طبقه‌ی کارگر ایفا کرد.

البته بعد از اینجای اراهنی یک گزارش کامل از فعالیتهای جهان نیست، بلکه ذکر آن خصوصیتی مد نظر است که او را در زمره‌ی کسانی قرار داد که رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدای پیدایش خود برای حفظ و بقای نظم سرمایه و مهار کردن کار، لزوم نابودی‌شان را در سر می‌پروراند. هنگامی که رژیم خون او را بر زمین ریخت، دهها هزار کارگر از تهران تا آذربایجان از قتل او اندوخته‌ی شدند. می‌توان به جرات گفت که جهان در صفوف جنبش کارگری ایران و در میان دوستان و آشنایان و همچنین در شهر زادگاهش یکی از محبوب‌ترین و آگاه‌ترین چهره‌های کارگری بود.

قتل جهان چیزی را به نفع سرمایه تخمیر نداد، بلکه همان گونه که خود او در ترور توماج و یارانش بر زبان می‌آورد خونش سدی را درهم شکست و تلاشهای آزادی طلبانه‌ی طبقه‌ی کارگر را سرعت بخشید. ضربات بزرگ دیگری که بعدها بر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وارد آمد، دقیقاً همین نتیجه راه‌دنبال داشت.

او جانش را در فدای ضربات خائنین اکثریت، در روز تاریخی بزرگداشت





خطابه ای در شانزدهمین سالروز

## رکعت‌های خیزش سیه‌ها هگل

در اوج حاکمیت سرمایه  
 در اوج اختناق سیه‌ها ستم‌شاهی  
 آنگاه که  
 خنجر خیانت حزب توده بر پشت جنبش  
 توده‌ها  
 خلق را  
 به اوج بدبینی از مارکسیسم  
 کشانده بود؛  
 آنگاه که  
 در پرتو سلسل حافظان نظم کهن  
 در زیر سایه تانک و توپ سرمایه  
 وابسته به امپریالیسم  
 در پرتو خیانت عاقبت‌اندیشان  
 خود فروش  
 در زیر سایه شوم وحشت از ساواک  
 آسمان مبارزات توده‌ها را  
 سربسر  
 ابر سیه‌ها یاس فرا گرفته بود؛  
 آنگاه که  
 در پرتو آن سرکوب و آن خیانت  
 در پرتو فرم سیه‌ها رشد سرمایه  
 در پهنه میهن فقر گرفته  
 در اوج خاموشی و یاس توده‌ها  
 جهان‌خواهان و بیساران می‌پنداشتند  
 که

مطلق است قدرت رژیم ستم‌شاهی  
 که  
 ایران "جزیره ثبات" سرمایه  
 است  
 در اقیانوس توفانی خلق‌های  
 ستمزده جهان؛  
 آنگاه، به ناگاه،  
 در سپیده‌دمان نوزدهم بهمن چهل و نه،  
 خروشید، درخشید  
 چونان "شیری رهاگشته از بند"  
 چونان خورشید امید  
 از پس ابرسایه شب‌ظلمانی سرمایه  
 "فدایی" خلق  
 از دل جنگل سیه‌ها هگل  
 استوار و "سرفراز چون دماوند"  
 و با مسلسل غرنده‌اش  
 نشانه گرفت  
 قلب ارتجاع و سرمایه حاکم را  
 مغز خیانت‌کاران خودفروش را؛  
 و به لرزه درآورد  
 پایه‌های پایگاه امپریالیسم را؛  
 کاخ بیداد ستم‌شاهی را؛  
 و درهم ریخت  
 - چونان توفانی سهمگین از دل  
 دریای خلق

آرامش "جزیره ثبات" سرمایه‌ها را؛  
 و در وحشتی عمیق فروبرد  
 نگهبانان حاکمیت بیداد را  
 با همه سازوبرگ و توانشان؛  
 و به زوزه کشیدن واداشت  
 عاقبت‌اندیشان سازشکار  
 فرصت طلب را  
 چونان گرگان تیرخورده در  
 واپسین دم حیات؛  
 و دماند  
 در دل خلق اسیر  
 نور امید رهایی از ظلمت  
 شب حاکم‌ها؛  
 و تنید  
 این صدا را، رعدا  
 در سراسر میهن خاموش؛  
 ای خلق، ای خلق، ای خلق‌های محروم  
 زنده‌اند، رزمنده‌اند  
 سازش‌ناپذیر در مصاف‌اند  
 با حافظان نظم بیدادگر سرمایه  
 فرزندان دلیر شما  
 ای خلق، ای خلق، ای خلق‌های ستم‌دیده!  
 به پا خیزیم.  
 با بیداد بستیزیم؛  
 و حکومت کارگران و زحمتکشان را

پی ریزیم .

شهروروستا چسپا تده بود

و

آنک

در سراسر میهن

سخن از "فدایی" خلق بود

که

پرچم مارکسیسم انقلابی را

با قدرت تمام

بر بالای مسلسل اقتدار خلق و

صداقت خویش

برافراشته بود:

پرچم سرخ کارگران ایران را

که سالهای سال

"حزب" خائن توده دردل خاک

سازش و فرم

مدفونش کرده بود.

آنک در سراسر کشور

سخن از سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران بود

که

از دل خلاقیت مارکسیستی خویش

پیروزی کارگران و زحمتکشان

و مرگ حاکمیت سیاه سرمایه

در جدال طبقاتی تاریخی‌شان را

در عرصه میهن

نوید می‌داد.

سخن از فداییان جان برکفی بود

که

با نثار خون خویش

در راه بهروزی خلق

در صحنه مصاف رویا روی

با دشمنان خلق

با حاکمان نظم به شب نشسته سرمایه

پیشا هنگ شدند

جنبش نوین مارکسیستی کارگران و

زحمتکشان ایران را .

سخن از فداییان رزمنده‌ای بود

که دشمن تابه دندان مسلح اما

زیون

عاجز در نبردشان

عکس‌هاشان را بر در و دیوار

و برای سرهاشان

جایزه‌ها تعیین کرده بود.

سخن از مسعود بود،

سخن از بهروز بود،

سخن از پویان بود،

و سخن از بیژن بود،

که

چونان شیری شرز در بند

دشمن را از خودبه تنگ آورده بود،

بیچاره کرده بود.

سخن از تولد ستاد رزمنده انقلاب

بود

که

— درس آموز مکتب بزرگ مارکس و

انگلس

رهرو راه لنین

و ریشه دار در توده کارگران و

زحمتکشان —

خمس بی‌چون و چرای حاکمیت سرمایه

در صحنه جدال طبقاتی ایران بود.

امروز نیز

سخن از سترگ سنگر کارگران و

زحمتکشان ایران است که

با آنهمه

ضربات رژیم شاه و جمهوری اسلامی

— این حافظان نظم پوسیده سرمایه —

با آنهمه

خیانتت فرمیستهای "اکثریت"

— این‌ضدانقلابهای "دوسرنجس"

که کمر بسته بودند

تا "سازمان" را از راه انقلاب

به راه رفرم

و به دامن سیاه "حزب" خائن

توده بکشانند.

پا بر جای و استوار

شکوفای و سرفراز

با انسجام تمام

در صحنه جدال کار و سرمایه

پوینده و پیگیر مانده است

و با زدودن تمام انحرافهای چپ‌وراست

از دامن خونین خویش

و با افشا کردن تمام چهره‌های

خیانت و سازش در هر پوششی که

باشند،

آهنین عزم و تسلیم ناپذیر،

در راه آگاهی و شکل توده

کارگرو زحمتکش

در راه براندازی سلطه امپریالیسم

و حاکمیت سرمایه،

در راه کسب استقلال و کار و مسکن

و آزادی برای توده‌ها،

در راه حاکمیت کارگران و زحمتکشان،

در راه ایجاد سوسیالیسم و

رها نندن میهن خونبار

از یوغ جهل و سرمایه

از رزم انقلابی خویش

لحظه‌ای غافل نمانده است؛

و

در این راه خونبار و پرافتخار

هزاران

مسعود و پویان

بهروز و بیژن

مرضیه و مهرنوش

مفتاحی و حمید

سعید و اسکندر

هادی و نظام

کاظم و خشار

تقدیم انقلاب کارگران و زحمتکشان

کرده است .

رستاخیز سیاهکل ،

آری،

آغازی دیگر است .

یاد به خون تپیدگانش جاودان باد و

راهشان پر رهرو

و برافراشته باد

پرچم سرخ سازمان‌شان

بر دوش پیشتا زان فدایی

در راه رهایی کارگران و زحمتکشان

و میهن خونبار

از یوغ دین و سرمایه .

الف . ن . دی ماه ۱۳۶۴

## مبارزه‌ی قاطعانه با دین يك وظيفه‌ی اساسی برای مارکسیست‌های ایرانی در مقطع کنونی است

مبارزات ضد شاه - ضد امپریالیستی دهنی پنجاه و برخی درک‌های نادرست از رابطه‌ی زیرینا و روبنا، برخورد قاطعانه‌ای با دین انجام نگرفته است. در ادامه‌ی بحث خود در این شماره‌ی جهان سعی خواهیم کرد مفهوم و چارچوب مبارزه با دین را بیشتر بازکنیم.

باید از این فرصت تاریخی کمیاب و دیرپاب برای مبارزه با دین اسلام و مذهب تشیع استفاده کنند. همچنین توضیح دادیم که به دلیل سنت اپورتونیستی و سازشکارانه‌ی حزب ضدانقلابی توده در برخورد با دین و حضور سازمان مجاهدین در عرصه‌ی

در بخش اول مقاله بحث ما به اینجا کشیده شد که به دلیل یکی شدن رسمی دین و دولت در ایران پس از به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه با دین برای مارکسیست‌های ایرانی اهمیت ویژه‌ای یافته است. در آنجا تاکید کردیم که مارکسیست‌ها



### (بخش دوم)

و آنارشیستی دست می‌زنند. چنین حرکت‌هایی نه تنها مبارزه‌ی اصولی با دین نیست، بلکه باعث تقویت تعصبات دینی نیز می‌شود. از چنین حرکت‌هایی باید اکیدا پرهیز شود. ما باید آگاه باشیم که تعصبات دینی سخت‌ترین تعصبات است.

ما نمی‌توانیم و نباید، برای نمونه، در کارگری را که مذهبی است، مترجع بنامیم. ما باید در برخورد به افراد مذهبی، آنان را آگاه کنیم. مذهبی بودن بسیاری از توده‌های کارگر و زحمتکش بدان علت است که طبقات استثمارگر چنین تفکراتی را در جامعه تحکیم و تقویت می‌کنند. نباید به فرد مذهبی، به اعتبار مذهبی بودن حمله کرد. به جای مبارزه با باورهای مذهبی، باید پایه‌های مادی این باورها را نابود کرد.

عز دینی دارای ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی است. برای نابودی دین باید این ریشه‌ها را از بین برد. تصور این که صرف مبارزه با دین، باعث نابودی آن می‌شود، تصوری غیر علمی و ایده‌آلیستی است. دشمن اصلی

می‌دانیم و لذا مبارزه با آن را در رأس همه‌ی مبارزات قرار می‌دهیم. این نظریه که در بعضی محافل بورژوازی رایج است و دین اسلام را علت عقب ماندگی جامعه‌ی ایران و جامعه‌هایی شبیه آن می‌دانند، نظریه‌ای نادرست و سطحی است. ما اعتقاد داریم که علت العلل عمده‌ی گرفتاری‌های جامعه‌ی ایران نظام سرمایه‌داری وابسته است. مبارزه‌ی اصلی ما، البته، با این نظام است. ولی بر این نکته عم تاکید داریم که در ایران دین سیر سرمایه شده است. از این رو، برای مبارزه با سرمایه باید با سیر آن نیز به مبارزه پرداخت.

ممکن است تصور شود که مبارزه با دین، به معنای آن است که افراد مذهبی باید از بین بروند. یا ممکن است برخی گمان کنند که مبارزه با دین معنایش آن است که در حضور افراد مذهبی به خدا و پیغمبر و امامان دشنام دهیم و یا این که کتاب "مقدس" قرآن را در پیش روی معتقدان به آن پاره پاره کنیم. شاید کم نباشند کسانی که به چنین حرکت‌های چپ روانه

با دین چگونه باید مبارزه کرد؟

پیش از هر چیز تذکر این نکته ضروری است که منظور ما از اساسی دانستن وظیفه‌ی مبارزه با دین در مقطع کنونی به هیچ وجه به معنای مطلق کردن یا محور قرار دادن این گونه مبارزه نیست. یا به سخن دیگر، منظور ما این نیست که مبارزه در عرصه‌های دیگر فرعی‌اند. ما صرفا بر این عقیده‌ایم که مبارزه با دین اسلام در وضعیت کنونی جامعه‌ی ایران اهمیت ویژه‌ای یافته است و مارکسیست‌ها موظفند به طور جدی و قاطعانه به این مساله برخورد کنند. مفهوم مبارزه با دین به معنای نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به مبارزه با نظام سرمایه‌داری نیست. به سخن دیگر، مبارزه با دین به معنای نفی مبارزه‌ی طبقاتی علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم نیست. ما وقتی که می‌گوییم مبارزه با دین يك وظيفه‌ی اساسی است، نباید این تصور نادرست پیش بیاید که ما دین را در جامعه‌ی کنونی ایران "علت العلل" تمام بدبختی‌ها

ما دستگاه دینی نیست. برای مبارزه‌ی اصولی با دین باید ریشه‌های مادی دین خشکانده شود.

به نظر ما تنها راه مبارزه‌ی علمی و اصولی با دین مبارزه‌ی ایدئولوژیک است. مارکسیست‌های ایرانی در لحظه‌ی کنونی برای مبارزه با دین هیچ سلاح کارسازتری از سلاح تبلیغ و ترویج علیه دین ندارند. ولی ما می‌دانیم که دین تنها با مبارزه‌ی ایدئولوژیک و تبلیغات سیاسی از بین نمی‌رود و عمان طور که گفتیم برای خلاصی کامل از دین باید شرایط مادی‌ای که دین بر آن استوار است، نابود شود. ولی با مبارزه‌ی ایدئولوژیک علیه دین یکی از پایه‌های اساسی نظام سرمایه داری ایران متزلزل می‌شود. کمونیست‌ها در عین حال که می‌دانند که مبارزه با دین اساساً از طریق مبارزه با بنیادسای اقتصادی و اجتماعی آن می‌گذرد، گسترده‌ترین آموزش علمی و تبلیغات ضد دینی را نیز سازماندهی می‌کنند.

مبارزه‌ی ایدئولوژیک با دین در کنار سایر وجوه مبارزه در تمامی عرصه‌های اجتماعی یکی از وظایف مهم کمونیست‌ها در لحظه‌ی کنونی است. بدیهی است که شعار مبارزه‌ی ایدئولوژیک با دین در متن شعار سرگونی رژیم جمهوری اسلامی و اقدام عملی برای آن مطرح می‌شود.

مبارزه با دین باید در دو سطح ترویجی و تبلیغی انجام گیرد. باید طی کارهای تحقیقی علمی گویا حقیقی ادیان و، به ویژه، دین اسلام را افشا کنیم. باید زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی پیدایش دین اسلام را نشان دهیم. با تحلیلهای دقیق و مو شکافانه باید نشان دهیم که نام ادیان به دست بشر ساخته شدند. باید با بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی عربستان نشان دهیم که چه نیازهای مادی و مشخصی پیدایش دین اسلام را ضروری ساخت. باید با روشن ساختن

نقش محمد در ایجاد دین اسلام بر عمگان آشکار کنیم که او یکی از بزرگ‌ترین شیادان تاریخ بوده است. باید بر همه روشن شود که قرآن نه تنها یک کتاب آسمانی و مقدس نیست، بلکه چون یک کتاب زمینی نیز ارزشی ندارد.

در کنار این کوششهای روشنگرانه باید جنایاتی را که در طول تاریخ بر مبنای دین انجام شده است، و به ویژه جنایات دین اسلام در تاریخ ایران را نشان دهیم. مردم باید بدانند که در طول تاریخ جوامع طبقاتی دستگاه دینی همیشه در خدمت استثمارگران بوده است. باید رابطه‌ی دین و نظامهای ممتنی بر ستم و استثمار را با تمام ظرافتهایش افشا کنیم. همچنین باید نگرش علمی را مرچه بیشتر تقویت کنیم. باید ماتریالیسم دیالکتیک را بیشتر و بیشتر بیاموزیم و تا آنجا که می‌توانیم به دیگران نیز آموزش دهیم. مرچه دید علمی در جامعه تقویت شود، جهل مذمبی تضعیف می‌شود.

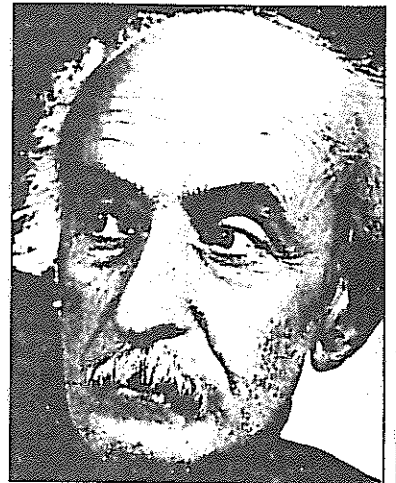
بسیاری از کارهای تحقیقی و روشنگرانه‌ای که برشمردیم، به راحتی در خارج از کشور انجام پذیر است. از جنبه‌های بسیاری نیز انجام دادن چنین کارهایی در خارج از کشور آسان‌تر است. منابع برای تحقیقات علمی در مورد دین در خارج از کشور بسیار بیشتر است و دسترسی به آنها نیز سهل‌تر است. از همه مهم‌تر فراغتی که برای انجام چنین کارهایی در خارج از کشور وجود دارد اصلاً با وضعیت داخل کشور قابل مقایسه نیست. باید از شرایط خارج از کشور نهایت استفاده را به عمل آوریم و بدون هیچ گونه تلف کردن وقت در کنار سایر وظایف مبارزاتی به تحقیقات مستند و روشنگرانه‌ای در مورد ماعت دین دست زنیم. باید به ویژه با آثار کلاسیک مارکسیسم در مورد دین آشنا شویم. مطالعه‌ی تحقیقات علمی بی‌نظیر



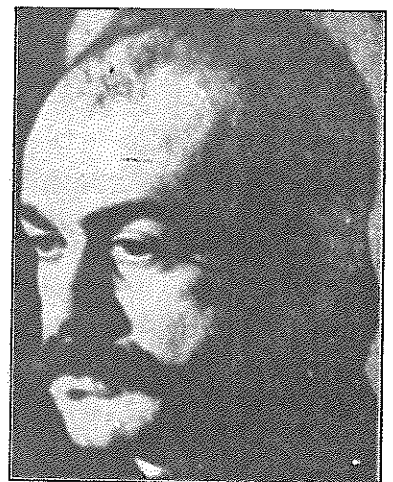
انگلس درباره دین، که پیچی ادیان و شیادی پیامبران را با وضوح تمام به نمایش می‌گذارد، برای همه ضروری است.

در کنار مبارزه‌ی ایدئولوژیک و تبلیغات سیاسی علیه دین اسلام، باید با به اصطلاح اسلام راستین مجاسدین نیز مبارزه شود. اسلام راستین عمین اسلامی است که خمینی پیاده می‌کند و صحبت از نوع اسلام دیگر فریبی بیش نیست. بین اسلام مجاهدین و اسلام خمینی هیچ تفاوت بنیادی وجود ندارد. تنها تفاوت بین این دو نوع اسلام، تفاوت بین دو شیوه‌ی حفظ نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران است. مسعود رجوی تنها یک مارتین لوتر نابهنگام است. لوتر توانست با فرمهایی در دین

# نیمای شعر روشنفکرانه



شانزدهم دی ماه مصادف است با بیست و ششمین سالگرد خاموشی نیما یوشیج، بنیانگذار شعر نو فارسی و یکی از چهره‌های نامدار شعر انقلابی و مترقی ایران ۲۹۰ بهمن ماه نیز مصادف است با سالگرد به خون تبیدن خسرو گل‌سرخ‌ی یکی از روشنفکران پیشتاز و مبارز. برای گرامی‌داشت یاد این دو چهره‌ی بزرگ شعر مترقی و مردمی معاصر ایران، مناسب دیدیم که یکی از مقاله‌های گل‌سرخ‌ی را در مورد شعر نیما درج کنیم. این مقاله اولین بار در نشریه‌ی "جزوه شعر" به چاپ رسیده بود.



نیما وقتی شروع کرد دورانش دوران بی‌چهره‌ای بود که اثر فرض کنیم همه چیز در آن مطرح بود ادبیات مطرح نبود ادبیات به مفهوم ایجاد رابطه با جامعه، به مفهوم آگاهی دهنده و ادبیات به مفهوم راست گفتن به خود و راست گفتن به زندگی.

سریجی از سنت‌های ریشه گرفته در زمانه‌ای که سنتها برای زیریانگداشتن یک نظام مفید تشخیص داده می‌شود کاری آسان نیست. حالا این سنت می‌خواهد سنت ادبی باشد یا نجابت در محراب و یا از دستمال پرچم ساختن. نیما چون "عدایت" تنها به جنگ سنت ادبی نرفت او علیه همه سنت‌هایی برخاست که به عنوان یک میراث لال و الزام آور بر سرنمندی ناچار به قبول آن بود. انقلاب مشروطیت وضع را تا حدودی تغییر داد ما در ادبیات به عنوان عامل توده‌گیر چه داشتیم: شعر در نتیجه‌ی شعر پوست انداخت و شعرهای میهنی و ناسیونالیستی جای شعرهای مجلسی و تفننی و چنگ را تا حدود زیادی گرفت. شعر سلاخی شد به عنوان نجو مستبدان و غارتگران سرودی شد با بردی بسیار گسترده که توده‌های اکثریت مردم آن را زرمه می‌کردند تا خشم و اعتراض خود را علیه نظام حاکم

بر جامعه توجیه کنند. در کوران درگیریهای جنگ مشروطیت و بعد از آن ما با شاعرانی رویرویم که کم و بیش دست به تجربه شعر انگیزه‌ای و نزدیک به مناسبات اجتماعی زده‌اند و شعرشان از قوه‌ی محرکه‌ی خاصی برخوردار است. این تجربیات که ضرورت تاریخی بود نمی‌توان آن را بی‌ارزش دانست. در این دوره شعر از نظر نزدیکی به توده‌های اکثریت نقشی رسا و گسترده به عهده گرفت و به ایفای این نقش نشست می‌بینیم که "نیما یوشیج" زاده‌ی دوران ادبیات انگیزه‌ای است ادبیاتی که در شعر خلاصه می‌شد و این شعر در برانگیختن حس و رفتار توده‌ها اعمیت داشت. نیما دریچه‌ای را که به سوی شعر گشود گذشته از آشنایی او با شعر فرانسه دریچه‌ای است منگی به تجربیاتی که قبل از او در زمینه‌ی اجتماعی کردن شعر و نجات آن از حدود تعارف انجام گرفته بود "نیما" به خاطر آن در خور ارج گذاری است که با عوشمندی به درک این ضرورت نشست: که شعر جوانه زده را به عیات زنده‌تر و وادتری ارائه کند که بعد از مشروطیت بچار سکون شده بود. او دید که سنت‌های شعری پوسیدگی دارد نمی‌توان در آن از سر آزادی بال‌گشود. دیگر ظرفیت و گنجایشی ندارد او که به آزمون‌هایی



در زمینه‌ی شعر سنتی دست زده بود يك باره در خواب پایه‌های شعر ما را کشف نکرد افسانه گشایش راه او بود چه در افسانه سنت وجود داشت اما فکر سنتی نبود حرف و برداشت سنتی نبود نیما که نمی‌توانست افسانه را تکرار کند - به لحاظ شناخت زندگی و ریتم آن و زبان جریان گرفته در زمانه‌اش - از دنباله‌روی افسانه سر باز زد و به رعایی و آزادگی در شعر دست یافت. او سنت را به مثابه‌ی نوعی استثمارِ اندیشیدن دید که نمی‌شود با بهره‌گیری از قواعد و دستور آن از رنج "شب یا" عا سخن گفت زیرا در آن صورت ریتم مصنوع و تکرار شده‌ی شعر با اندازه‌های معین خود سرنوشت شعر را مشخص می‌کرد چیزی می‌شد به مثابه‌ی دیدار خاقانی از ایوان مداین.

نیما استیک زبان را دریافت. زیرا تا آن تاریخ به استیک زبان محاوره بی‌نگاه مانده بودیم و استیک در زنگوله‌های کلام اسیر مانده بود. نیما نخست زبان را شناخت و کم و کیف آن را و روحش را در ابتدایی ترین شکل تکلم دریافت زبان جاری در جامعه را که به لحاظ ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته بود این مساله که خود نوعینی به موازین سنتی بود. مشکل بزرگی نیز به حساب می‌آمد زیرا هر کلمه‌ای اجازه‌ی ورود به شعر را نداشت. هر کلمه با مقیاسها و معیارهای مشخص ادبی آن روزگار استاندارد شده بود این جا مشکل نیما را در ابتدایی ترین ابزار کار یعنی کاربرد واژه در می‌یابیم. شعر نیما را خون حمام فین رنگ کرده بود. نیما یوشیج وارث ستمهای نظام حاکم بر خلق ایران شد نظامی که طی چند قرن با خودکامگی‌های خویش کشنده‌ی هر گونه جنبش ترقیخواه در این خاک بودند فرنگ را در حره‌سرای خود می‌دیدند و رفتار مودبانه‌ی خواجگان دلیل فرهنگ ملی بود نیما شاعری

است که در انحطاط فرهنگ ایران متولد شد و این انحطاط او را متاثر کرد تا مخالف آن حرکت کند.

این سؤال همواره در مورد نیما مطرح هست که اگر او آغاز نمی‌کرد کسی دیگر انقلاب شعر را شروع می‌کرد؟ - بله - این يك نیاز بود. يك ضرورت بود که می‌باید چنین می‌شد شعر به عنوان تنها هنر ملی ما که پشتوانه‌ی سرشاری داشت می‌باید با دگرگونی‌های مناسب اجتماعی تنبیر می‌کرد ولی در يك شرایط مناسب آنکه قوه‌ی حسی و شناختش از جامعه افزون باشد و ادراک و تشخیص او افزون‌تر از دیگران جلوتر راه می‌رود و نقش تعیین کننده‌ای به‌عهده می‌گیرد و نیما نیز که از معاصرانش باعوش‌تر بود نه به آسانی توانست و خواست و نقش تعیین کننده را به‌عهده گرفت.

واقعیات همیشه توسط افراد معینی صورت نمی‌گیرد، بلکه معلول شرایطی خاص است ولی کیفیت این واقعیات بستگی مستقیم به شخصیت افراد دارد و نیما این شخصیت را داشت که در برابر مخالفت‌ها بایستد و همین نیروی مخالفان بود که نقش او را روشن‌تر رنگ زد. پی‌بردن مخالفان به اینکه وقوع يك نمود معین اجتناب نشدنی است و تنزل (روحی و فکری) مخالفان تنها تظاهر نیروی شرایطی است که برای ظهور آن نمود مساعد هستند این تظاهر خود نیز از شرایط مساعد است پس خود عمل پی بردن به ضرورت علت نیست بلکه این معلول شرایط مساعد موجود است. نیما در شرایطی مساعد دست به انقلاب در شعر زد یعنی این شرایط مساعد بود که شاعری مثل نیما در آن پدید آمد و چون شخصیت لازم را داشت در این شرایط مساعد مشخص شد: در نتیجه نیما جدا از شرایط تاریخی و اجتماعی او قابل بررسی نیست.

طلوع نیما در يك نابسامانی عمه‌جانبه فرهنگ و اجتماعی است

در دورانی که استعمارگران از خون ما نشئه می‌شدند و از خاک ما خورجین می‌دوختند این ضربه هولناک در چه غنگامی فرود می‌آمد؟ در زمانی که تعداد مدارس از تعداد انگشتان تجاوز نمی‌کرد و مردم الفتی عمیق با فقر و گرسنگی داشتند. "پیش چشم تر او نقشه نان. نقشه‌ی زندگی این دنیا است" و مستی مردان يك باخته که از نیروی ناسیونالیستی سرشار بودند بدون آن که شمی واقعا عمیق و آگاهانه سیاسی و اجتماعی داشته باشند خود را فدای خاکی می‌کردند که در آن خون بایک ها و مزدک ها تاریخش را رنگین کرده بود. نیما راستی در این زمان چگونه آغاز کرد؟ این مرد یوشی که اهل تفنگ نبود و اهل شعر بود این جبر تاریخی را دریافت که باید همراه موجهای عملی جامعه حرکت کند اگر دیگران با سلاح به جنگ استعمار و استثمار می‌روند او باید به عنوان شاعری وابسته به این قوم و به این ملت و ستم و بی‌عدالتی روا شده به آن بایستد به این ستیز دامن زند و انگیزه‌ی مبارزه را در میان مردم قدرت دهد.

دوران نیما رنج لازم را که به اعتقاد خود او مایه‌ی سروده‌هایش شد در اختیارش گذارد به او زخم کاری و عمیق زد و او را رها از عوامل دست و پا گیر "عمر" کرد تا در گزینش راعی که می‌باید ادبیات در آن نقشی به عهده گیرد تردید نرزد. او که به صداقت انسان در طبیعت ناب و خالص و دست نخورده و با قوانین ابتدایی زندگی آن آشناست مواجهه‌ی او با دنده چرخهایی که برای حکومت اجتماعات به اصطلاح متمدن در شهر خلق شده است تا او را له کند و از سویی انسان درمانده در این شرایط قبل از آن که به اندیشه‌ی کیفیت زندگی خود باشد در بند کمیت آن و نیز ملزم به رعایت چگونگی تراویدن‌هایی است که نظام حاکم بر جامعه برایش

پدید آورده است. جانمایه‌ای برایش فراگرد آورد که در آن اعتراض به قوانین این گونه زیستن آشکار می‌شود و عمین اعتراض است که او را وا می‌دارد چنین نمایشی از گروههای مختلف جامعه به دست دعد. او در شعر "به سوی شهر خاموش" می‌سراید: ( و شکنجه به عناد سیهش\* همچو سیه زندان هاش ) - دمدم می‌فشرد دندانهاش و طمع عرزه در آ - کرده نمه چشمان کور - همچنانیکه حق غیر خوری گوش کسان ساخته‌گر - و عمه روی جهان کرده سیاه - و تبه کاران مقبول ( پی سود خود با پیکر اشباع شده ) صف بیاراسته‌اند و مدد کاران مردود ( پی سود دگران ) با کفی نان به مدد خاسته‌اند - و کج اندازان ( به گواهی خاموش ) - از پی وقت کشی خود و خواب گران - مانده لایبی یک قد شده الفاظ فریب آور را گوش... )

نیما که زاده‌ی یک انحطاط فرنگی است بسیار تنها می‌ماند و فقط از جانب گروههایی خاص از جامعه که لزوم کار او را حس کرده بودند حمایت می‌شود این مهجوری و تنهایی در برقراری رابطه‌ی وسیع با جامعه به او نوعی آینده نگری می‌بخشد و او را می‌دارد که بگوید نتیجه‌ی کارش در آینده معلوم خواهد شد در نتیجه او را از در " کوران قرار گرفتن " تا حدودی باز می‌دارد این بدان مفهوم نیست که او از کوران سود نمی‌گیرد بلکه منظور این است که او به سوی انزوا و فرزانی خاصی می‌آید زیرا دروغزنی راهمجا و در هر گروهی از جامعه شاهد می‌شود. وقتی هنرمندی پیوند خود را با هر گروهی قطع شده می‌بیند به کجا کشانده خواهد شد؟ آیا در نقطه‌ای که نیما ایستاده بهترین نقطه‌ی ایستادن هنرمند در چنان شرایطی نیست؟ نیما به لحاظ خلق و خوی و منش روستایی و مهجوری با زندگی شهر و سر خوردن از جریانهای

جهت دشمنده‌ی آن به نوستالژی بی‌مانندی کشانده شد. او در شعرش شهید شد بدون آن که شهادتی باشد با درنگ بر فرزانی و بدون هیچگونه خشونت در برابر نیروی فزاینده‌ای که به ناپودی و مرگ رابطه‌ی حداقل منطقی انسان با طبیعت و زندگی می‌نشیند آیا می‌تواند امروز پذیرفته شود؟ بدون تردید نه - دیگر نمی‌توان کاندی بود و با درنگ بر فرزانی بدون خشونت بی‌فناوتی سخت گیرانه به عنوان هنرمند موقعیت تاریخی را باز شناخته. نیما ستایشگر دوران خویش نیست او بی‌ورش می‌برد او شهادت انسان را در تاریخ زندگیش تکامل یافته دید و لب به شکوه نکشود بدون شک این می‌تواند این اعتراض خشونت شاعر باشد او دید مساعدتی و حرکتی در رهایی انسان نیست آنچه که هست تکمیل کننده‌ی نیرویی است که پرتاب او را به اعماق آسان تر می‌گرداند.

شعرهای خوبی و رکی نیما شعرهایی که او را به یک باره شاعری می‌شناساند که رسانخیزی در مرحله‌ی شعر پارسی است. شعرهای طبیعت اوست. او طبیعت را همه چیز می‌پنداشت. که انسان در آن می‌تواند به عنوان عاملی برای نیالودن و رستگاری از آن مدد گیرد. ولی آیا رستگاری در شرایطی که همه چیز به عنوان عامل کشنده‌ی حس و رفتار نوده‌ما مطرح می‌گردد، به غایت مفهومی دارد که ما آن را سراسر عمه‌ی آن چیزهایی پنداریم که می‌شود با آن به زندگی خشونت بار و خودسرانه‌ی یک اقلیت را بر یک گروه بزرگ تحمل کرد؟ - خوب - می‌بینیم که نیما رستگاری خود را در طبیعت بدوی - به لحاظ مشی کوبستانی خود می‌جست - ولی مساله‌ای که در این جا باید مطرح شود و در خصوص نیما مرکز نباید از یاد برد نحوه‌ی برداشت او از طبیعت است. او از هر عنصر طبیعت - و

رابطه و پیوند این عناصر با یکدیگر - به عنوان اشاره‌ای به یکی از نمودهای زمانه‌اش که خواه نا خواه در زندگی اجتماعی می‌توانسته مشخص شود - سود می‌گرفته است. ما می‌توانیم هر لحظه‌ای را هر روزه‌ای را هر پژواک نومی‌دی و هر درگیری و فریاد او را که وسیله‌ی عناصر طبیعت بیان شده است نه تنها در دوران او بل در دوران خویش و در نظام اجتماعی خود شاهد باشیم.

نیما چهره‌ی طبیعت را یک چهره‌ی انسانی جست که عظمت آن می‌تواند عظمت خود انسان آزاد باشد. نیما وسیله‌ی عناصر طبیعت به انسان نزدیک می‌شود و این نزدیکی او تا آنجا اوج می‌گیرد که انسان و طبیعت را بر یکدیگر منطبق می‌گرداند و برداشت او از طبیعت نه عکاسی، یک برداشت انسانی می‌شود که طبیعت در آن لال نیست. شاعر از میان طبیعت قالبهای انسانی شعرش را کشف می‌کند. چشم گردانی او در حد یک نگاه مجسم یا یک نگاه وصف کننده پایان نمی‌گیرد، بلکه نگاه او می‌کاود جستجو می‌کند سراسر انسان است، شادمان از جریان روابط عناصر طبیعت است آیا انسان می‌تواند به این جریان شاد نزدیک شود؟ پرندگان وحشی جنگل در شعر نیما جایی خاص دارند پرندگان که همواره نمودار آزادی و رهایی است و بال گشودنی در پهنای بی‌نهایتی در سروده‌های نیما نوید دهنده است دعوت کننده است زندگیشان آوازشان و حرکتهاشان که غربت زده می‌نماید عزلت انسان را از آزادی باز می‌گیرد. آیا خود نیما " تیرنگ " نیست که بر شاخه‌ی " اوجا " نشسته است و تنهاست؟

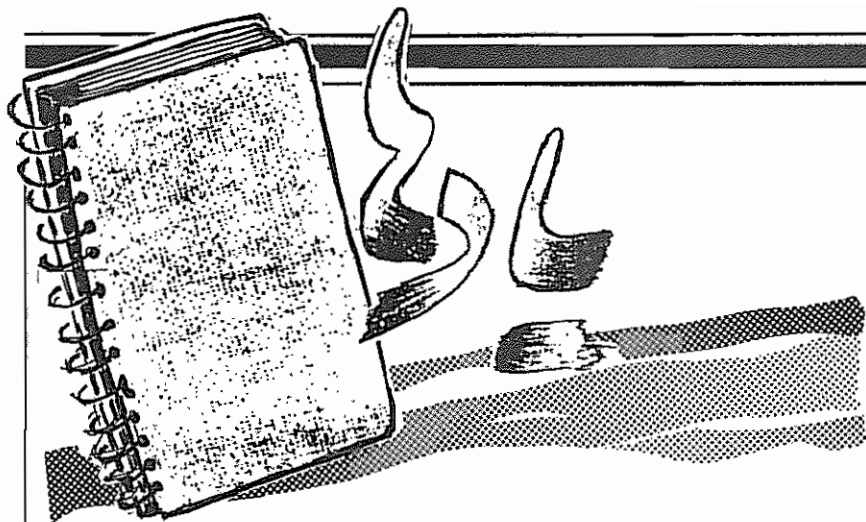
خشک آمد کشتگاه من

در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند می‌گیرند روی ساحل نزدیک

سوگواران در میان سوگواران

قاصد روزان ابری داروک! کی می‌رسد باران



پل لافارگ (۱۹۱۱-۱۸۴۲)، کمونیست فرانسوی، دوست و داماد (همسر لورا) مارکس بود. در نخستین انترناسیونال عضویت داشت و به بنیادگذاری حزب کارگران فرانسه، در سال ۱۸۶۸، کمک کرد. لافارگ یادمان های خود از مارکس را به سال ۱۸۹۵ نوشته است.

من مارکس را نخستین بار در فوریه ی سال ۱۸۶۵ دیدم، نخستین انترناسیونال در روز بیست و هشتم سپتامبر ۱۸۶۴، در نشستی در تالار سنت مارتین، در لندن، تشکیل شده بود؛ و من از پاریس به لندن رفته بودم تا مارکس را در جریان تکامل سازمانی جنبش در فرانسه بگذارم. م. تولن، که هم اکنون در جمهوری بورژوا یک سناتور است، برای من معرفی نامه ای نوشته بود.

بدان زمان، من بیست و چهار ساله بودم. اثری را که مارکس در آن نخستین دیدار بر من گذاشت تا زنده باشم از یاد نخواهم برد. حال مارکس، بدان هنگام، خوب نبود. داشت نخستین جلد کاپیتال را می نوشت، که تا دو سال بعد، یعنی تا سال ۱۸۶۷، منتشر نشد. می ترسید نتواند کار خود را به پایان ببرد؛ و، از همین رو، دیدارهایی که افراد جوان با او داشتند شادش می کرد. می گفت: " باید مردانی پرورش دهم که تبلیغ کمونیسم را پس از من دنبال گیرند."

کارل مارکس یکی از مردان کیمیایی بود که می توانند هم در علم رهبر باشند و هم در زندگانی اجتماعی؛ این دو جنبه از شخصیت او چندان

به هم نزدیک و با هم یگانه بود که هیچ کس نمی تواند او را بشناسد مگر آن که پژوهشگر بودن و رزمنده ی



پل لافارگ، دوست و داماد مارکس

سوسیالیست بودن او را با هم در نظر آورد.

مارکس بر آن بود که علم را باید برای خود آن، یعنی بی نظر داشتن به برآیندهای بعدی و عملی آن، پژوهید. با این همه، به اندیشه ی او، دانشمندی که از شرکت جستن فعالانه در زندگانی اجتماعی کناره می گیرد، یا خود را در اتاق کار یا آزمایشگاه - همچون کرمی در پیله ی ابریشمین خویش - زندانی می کند و از زندگانی و مبارزه ی سیاسی همزمانان خویش دوری می جوید،

به خود کم بها می دهد. می گفت: " علم نباید لذتی خود خواهانه باشد. آتانی کنه از این نیکبختی برخوردارند که می توانند خود را وقف پژوهشهای علمی کنند می باید نخستین کسانی باشند که دانش خویش را در خدمت انسانیت می گذارند." یکی از سخنان دلخواه او این بود: " برای انسانیت کار کن."

مارکس با طبقات زحمتکش، در رنجهایی که می برند، از زرفای دل احساس همدردی می کرد. اما، نه برخورد های احساساتی، بل که بررسی تاریخ و اقتصاد سیاسی بود که او را به نظریات کمونیستی رهنمون شده بود. بر آن بود که هر انسانی که از تعصب بری باشد و از تاثیر منافع خصوصی آزاد باشد و پیشداوری های طبقاتی کورش نکرده باشد، به ناگزیر، به همین نتیجه ها خواهد رسید.

با این همه، گرچه مارکس تکامل سیاسی و اقتصادی جامعه ی انسانی را بی هیچ عقیده ی پیش دریاخته ای بررسی می کرد، اما همیشه تنها با این قصد می نوشت که برآیند های پژوهش خود را انتشار دهد و تبلیغ کند و عزم جزم کرده بود که برای جنبش سوسیالیستی، که تا آن زمان در ودای ناگجا آبدگرایی راه گم کرده بود، بنیادی علمی فراهم آورد. نظریات خود را تنها

# انقلاب در آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی - مهم‌ترین پایگاه امپریالیسم جهانی در قاره‌ی آفریقا - دستخوش بحران شدیدی شده است. مبارزات قهرآمیز زحمتکشان سیاه پوست دولت نژادپرست آفریقای جنوبی را در ورطه‌ی سقوط قرار داده است. بی‌شک، انقلاب در آفریقای جنوبی ضربه‌ی سهمگینی بر امپریالیسم جهانی وارد خواهد کرد. وقایع اخیر در این کشور، برای نیروهای طرفدار سوسیالیسم، اسمیت به سزایی دارد. در این مقاله کوشش خواهد شد، با شرح مبارزات کارگران و زحمتکشان، موقعیت سیاسی در این کشور بررسی و روشن گردد.

☆☆☆

آفریقای جنوبی با جمعیتی برابر ۳۰ میلیون نفر (۲۵ میلیون سیاه‌پوست و ۵ میلیون سفیدپوست) در جنوبی‌ترین منطقه‌ی قاره‌ی آفریقا قرار دارد. این کشور، که دارای غنی‌ترین منابع و معادن دنیاست، ۶۰ درصد نخیره‌ی گروم جهان و ۷۸ درصد نخیره‌ی منکتر جهان را در خود دارد.

بیش از ۷۰ درصد طلا و الماس دنیا از معادن آفریقای جنوبی استخراج می‌شود. علاوه بر این، این کشور دارای معادن اورانیوم، مس، روی و نیکل است. موقعیت جغرافیایی این کشور، خصوصاً دماغه‌ی امید نیک، که محل عبور تعداد بی‌شماری کشتی‌های بازرگانی است، اسمیت نظامی - اقتصادی خاصی دارد.

## تاریخچه‌ی تکامل سیستم آپارتاید

نژادپرستی در آفریقای جنوبی سابقه‌ی بسیار طولانی دارد؛ اما تنها پس از جنگ جهانی دوم بود که سیستم آپارتاید در این کشور مستقر شد. تا سال ۱۹۴۸، "حزب متحد" به نمایندگی از سرمایه‌داری انحصاری حکومت می‌کرد. سیاستهای اقتصادی این حزب بر افزایش استخراج طلا و سنگها و فلزات قیمتی استوار بود.

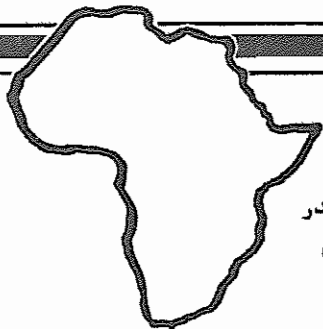
عدم حمایت این حزب از صنایع سنگین و سرمایه‌داری در بخش کشاورزی باعث نارضایتی بورژوازی صنعتی در این کشور شد. پس از جنگ جهانی دوم، این افشار بورژوازی با خرده‌بورژوازی سفید متحد شدند و، با تشکیل حزب "ناسیونالیست"، توانستند در انتخابات اکثریت آرا را به دست آورند. تا سال ۱۹۴۸، سیاه‌پوستان حق داشتند، با انتخاب ۳ سفیدپوست، نمایندگانی برای دفاع از حقوق خود روانه‌ی پارلمان کنند. اما، با به قدرت رسیدن حزب ناسیونالیست، اینان به طور کلی از حق رای محروم شدند. با برقراری سیستم آپارتاید، که درحقیقت وسیله‌ای برای استفاده از نیروی کار ارزان و استثمار کارگران بر اساس تفاوت‌های نژادی است، نیره‌پوستان آفریقای جنوبی از کلیه حقوق سیاسی - اجتماعی محروم شدند.

## قوانین آپارتاید

۱- حق مالکیت زمین - طبق این قانون، سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی تنها در مناطق تعیین شده (که شامل ۱۳ درصد کل مساحت این کشور است) حق مالکیت زمین دارند. این قانون، همچنین، تعداد سیاه‌پوستانی را

که به صورت مستاجر یا کارگر کشاورزی در اراضی سفیدپوستان زندگی می‌کنند، محدود می‌کند.

۲- قوانین کنترل حرکت و اقامت سیاه‌پوستان در مناطق سفیدپوستان - از این قانون در جهت حفظ نیروی کار ارزان استفاده می‌شود. طبق این قانون، کارگران مجبورند، به منظور کسب اجازه‌ی اقامت در مناطقی که کار وجود دارد، با کارفرما قراردادی دراز مدت امضا کنند؛ و زمانی که کارفرما دیگر احتیاجی به کارگر ندارد، کارگر مجبور است سرچه زودتر به مناطق مشخص شده برای سیاه‌پوستان (Bantustan) یا حلبی‌آبادهای حاشیه‌ی شهرهای بزرگ برگردد. بدین



### انقلاب در آفریقای جنوبی

برابر ۵۰ دالر است. بیکاری رو به افزایش است و بیش از ۳ میلیون نفر از ۲۵ میلیون جمعیت آفریقای جنوبی بیکارند. از این رو است که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، برای بهبود اوضاع اقتصادی این کشور، چاره جویی می‌کنند. در طی سالهای ۸۴ - ۱۹۸۱، ۲۸ موسسه آمریکایی با کمک بانکهای اروپایی و آمریکایی، ۶ میلیارد دالر وام در اختیار آفریقای جنوبی قرار داده‌اند.

### مروری بر مبارزات کارگران و زحمتکشان در چند دهه‌ی اخیر

در برابر استثمار عنان گسیخته‌ی سیستم آپارتاید، زحمتکشان سیاه پوست، طی چند دهه‌ی گذشته، بارها

قادر به رقابت در بازارهای جهانی نبوده است. بسیاری بر آنند که آفریقای جنوبی به یک کشور تک محصولی تبدیل شده است. بانکهای بین‌المللی بارکلیز و استاندارد سیسم بانکی آفریقای جنوبی را تحت کنترل خود دارند و بیش از ۳۰۰۰ کمپانی خارجی در این کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. چند انحصار عمده‌ی جهانی اقتصاد آفریقای جنوبی را در دست دارند، که میان آنها نقش گروه Anglo American، که صاحب

کونه، اکثر بیکاران در مناطق سیاه پوست نشین مستقر می‌شوند و کنترل ایشان ساده‌تر خواهد بود.

۳- قانون کار- طبق این قانون، هرگونه نقض قرارداد کار توسط کارگران، یک جرم جنایی محسوب می‌شود.

۴- قانون تبعیض شغلی- طبق این قانون، سیاه‌پوستان تنها با اجازه‌ی کارفرما می‌توانند کارهای فنی را به عهده بگیرند؛ و هیچ سیاه پوستی نمی‌تواند حقوقی بالاتر از حقوق کارگر ساده دریافت کند. البته از اواخر دهه‌ی ۷۰، بورژوازی آفریقای جنوبی، نگران از بحران اقتصادی، کوشیده است تا، با اصلاح این قانون، در راستای شکل‌گیری یک قشر میانی و محافظه‌کار سیاه‌پوست، قدمهایی بردارد.

۵- حق انتخاب شدن و انتخاب کردن- طبق قوانین آپارتاید، سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی حق رای ندارند، اگر چه در چند سال اخیر دولت به دو رگه‌ها و آسیایی‌های آفریقای جنوبی حق رای داده است.

۶- سیستم آموزش جداگانه برای سیاه‌پوستان و سفیدپوستان- در نتیجه‌ی این تبعیض، سیاه‌پوستان تنها از سطح آموزش بسیار نازلی برخوردارند.

در طی چند سال اخیر، به منظور تخفیف مبارزات کارگران و زحمتکشان، دولت تعدادی از قوانین آپارتاید را تعدیل کرده است. مثلاً قانون منع ازدواج بین نژادها لغو شده است.

### مروری کوتاه بر وضعیت اقتصادی

اقتصاد آفریقای جنوبی بر استخراج طلا و سنگهای قیمتی منکی است. نقش طلا در تخفیف بحران اقتصاد سرمایه‌داری در آفریقای جنوبی حیاتی است و ۵۰ درصد درآمد صادراتی این کشور را تشکیل می‌دهد. هیچ یک از تولیدات صنعتی آفریقای جنوبی

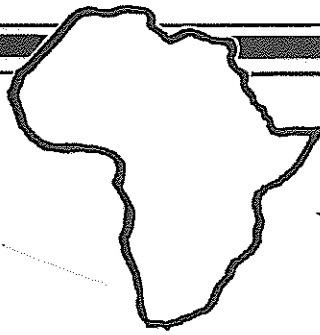


صحنه‌ای از حمله‌ی پلیس آفریقای جنوبی به تظاهرات سیاهان در شهر دُرَبَن در ماه گذشته

دست به اعتراض و مبارزه زده‌اند. در سال ۱۹۶۰، پلیس آفریقای جنوبی به تظاهرات زحمتکشان "شارپ ویل" حمله کرد و ۶۹ نفر را به قتل رسانید. در سال ۱۹۷۶، در پی حمله‌ی پلیس به تظاهرات دانش‌آموزان سیاه‌پوست، بیش از ۵۰۰ نفر کشته و زخمی شدند.

از اوایل سال ۱۹۷۳، به دنبال اعتصاب سراسری کارگران و اعتراضات

۶۹ درصد از کل سرمایه‌گذارهای معادن است، از همه برجسته‌تر است. علی‌رغم موقعیت بی‌نظیر طلا در اقتصاد جهانی، بحران سرمایه‌داری بین‌المللی حتی اقتصاد آفریقای جنوبی را با مسایل ذی‌نحلی روبرو کرده است. در این کشور، نرخ تورم سالانه بیش از ۱۷ درصد است؛ و واحد پول این کشور، "راند"، که در سال ۱۹۷۲ برابر با ۱۴۳۳ دالر بود، در حال حاضر تنها



### انقلاب در آفریقای جنوبی

از اتحادیه‌های کارگری معتقدند این عمل برخلاف اصول مبارزه با رژیم آپارتاید است.

۳- شرکت در مبارزات دیگر اقشار جامعه. برخی اتحادیه‌های کارگری معتقدند فعالیت اتحادیه باید بیشتر در درون کارخانه متمرکز باشد و شرکت در تظاهرات و اعتراضات توده‌ای کارگران را با خطر سرکوب روبرو می‌کند. برخی دیگر از اتحادیه‌های کارگری، همچون اتحادیه کارگران اتومبیل سازی، معتقدند وظیفه طبیفی کارگر است که در مبارزات اقشار دیگر جامعه شرکت کند و آنان را در دفاع از اعتصابات کارگری بسیج کند. در تاریخ مبارزات چند سال اخیر، اعتصابات کارگری در کارخانه‌های فورد (در سال

کارگری آفریقای جنوبی، بحثهای بسیاری پیرامون شرکت یا عدم شرکت در نهادهای دولتی و نحوه دخالت در مبارزات اقشار دیگر جامعه در جریان بوده است. در اینجا، به اختصار، به برخی از موضوعات این بحثها می‌پردازیم.

۱- شرکت در شوراهای صنعتی دولتی متشکل از مدیران کارخانه‌ها، اتحادیه‌های سفیدپوست، نمایندگان دولت و اتحادیه‌های کارگری. برخی

کسترده‌ی طبقه‌ی کارگر، دولت آفریقای جنوبی مجبور شد در برابر تشکیل اتحادیه‌های کارگری عقب نشینی کند. تا سال ۱۹۸۰، بیش از ۴۴۷،۰۰۰ کارگر در اتحادیه‌های مجتمع در فدراسیون و کنفدراسیون اتحادیه‌های آفریقای جنوبی، عضویت داشتند. اما پس از تشکیل اتحادیه‌ی سراسری کارگران معادن آفریقای جنوبی، تعداد کارگران متشکل در اتحادیه‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. این اتحادیه با ۵۲۰،۰۰۰ عضو، شامل ۳۴ اتحادیه‌ی کارگری است. رهبران این اتحادیه، از سم اکنون، اعلام کرده‌اند که مبارزه اتحادیه‌های کارگری محدود به مبارزه برای دستیابی به خواسته‌های صنفی نخواهد بود، بلکه این اتحادیه‌ها در مبارزات سیاسی زحمتکشان سیاه پوست نقش فعالی ایفا خواهند کرد. کلیه‌ی اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی، به استثنای اتحادیه‌های وابسته به "جنبش آکامی سیاه پوستان"، در این اتحادیه‌ی سراسری عضویت دارند. طی چند سال گذشته، کارگران آفریقای جنوبی نشان داده‌اند که پیشاپیش توده‌های سیاه‌پوست، در مبارزه علیه رژیم آپارتاید حاضر به عیج گونه سازشی نیستند. آمار اعتصابات سالهای ۸۲ - ۱۹۷۵ به خوبی نشان دهنده‌ی رزمندگی این طبقه است.



اجتماع اتحادیه‌ی کارگران صنایع فلز در نزدیکی ژوها تسبورگ

۱۹۷۹)، ویلسون رونتری (در سال ۱۹۸۲)، و سارمکول (در سال ۱۹۸۵) آغازگر حرکات اعتراضی و تظاهرات توده‌های مناطق مجاور این کارخانه‌ها بوده است.

۵- وابستگی به نیروهای سیاسی و جبهه‌های دموکراتیک. پس از تشکیل جبهه‌ی متحد دموکراتیک و "کمیته‌ی مشورت ملی" در سال گذشته، مساله‌ی پیوستن به این جبهه‌ها و استقلال اتحادیه‌های

از اتحادیه‌ها مانند "انجمن کارگران معادن فلز در آفریقای جنوبی" معتقدند شرکت در این شوراها به معنی به رسمیت شناختن سیستم موجود و منایر با اصول مبارزاتی کارگران سیاه‌پوست است.

۲- ثبیت اتحادیه با وزارت کار. اتحادیه‌هایی که نام خود را در وزارت کار به ثبت می‌رسانند از آزادیهای بیشتری برخوردار می‌شوند ولی برخی

سال	شمار اعتصابات	تعداد کارگران اعتصابی
۱۹۷۵	۲۷۴	۲۲۰۰۰
۱۹۷۶	۲۴۵	۲۶۰۰۰
۱۹۷۷	۹۰	۱۴۰۰۰
۱۹۷۸	۱۰۶	۱۳۵۷۸
۱۹۷۹	۱۰۴	۱۵۰۰۰
۱۹۸۰	۲۰۷	۴۲۰۰۰
۱۹۸۱	۳۴۲	۸۵۰۰۰
۱۹۸۲	-	۱۴۱۰۰۰

در طی چند سال گذشته، در جنبش



کارگری بحث مهم جنبش کارگری شد. علاوه بر این، مساله‌ی شرکت سفید پوستان در اتحادیه‌های کارگری و استقلال این اتحادیه‌ها یا نبعیت آنان از درخواستهای اقشار دیگر جامعه از مسایل مورد بحث جنبش کارگری آفریقای جنوبی است.

با این همه، روشن است که اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی مبارزات خود را به درخواستهای صنفی محدود نمی‌کنند و به نقش طبقه‌ی کارگر در جنبش رعایای بخش به خوبی واقفند. در این رابطه، جو فاستر، رعیر فدراسیون اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی، می‌گوید: " این اتحادیه برای پیشبرد منافع کارگران و تضمین موقعیت طبقه‌ی کارگر در جنبش توده‌ای ضروری است."

### سازمانهای سیاسی:

در آفریقای جنوبی نیز، مانند سایر کشورهای آفریقای جنوبی که مبارزه‌ی توده‌ها وارد مراحل سرنوشت ساز خود شده است، دو خط مشی، رفوم و انقلاب، تعیین کننده‌ی تفاوت اصلی بین سازمانهای سیاسی است. افزون بر این، مساله‌ی نحوه‌ی شرکت سفیدپوستان در مبارزه با سیستم آپارتاید باعث اختلاف در سازمانهای سیاسی انقلابی آفریقای جنوبی شده است.

جدا از سازمانها و نیروهای لیبرال مدعی، چون اسقف نونو، که در حقیقت چیزی جز آلترناتیو امپریالیسم و دولت بونا نیستند، نیروهای سیاسی - انقلابی آفریقای جنوبی را می‌توان به دو دسته‌ی عمده بخش کرد:

دسته‌ی اول، که شامل "کنگره‌ی ملی آفریقا" (African National Congress) و حزب کمونیست آفریقای جنوبی است، این کشور را " از آن کسانی که در آن زندگی می‌کنند " می‌دانند و، به مبارزات سفیدپوستانی که علیه سیستم



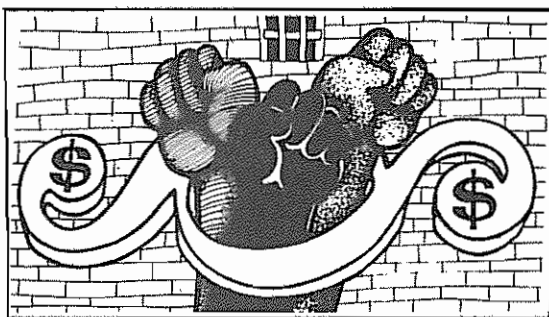
### انقلاب در آفریقای جنوبی

ایفا کند؛ و تنها از طریق کنگره‌ی ملی آفریقا در مبارزات سیاه‌پوستان و تیره‌پوستان آفریقای جنوبی شرکت کرده است.

### کنگره‌ی ملی آفریقا

کنگره‌ی ملی آفریقا در سال ۱۹۱۲

آپارتاید برخاسته‌اند اهمیت خاصی می‌دهند. دسته‌ی دوم، که شامل



تحت عنوان " کنگره‌ی ملی بومیان آفریقای جنوبی"، ( South African Native National Congress) برای مبارزه با تضادهای قبیله‌ای و متحد کردن مبارزات سیاه‌پوستان علیه دولت نژادپرست، تشکیل شد. این سازمان، از منگام تاسیس تا ۵۰ سال بعد، استراتژی " مقاومت مسالمت آمیز " را دنبال می‌کرد. پس از آن که دولت فعالیت سیاسی این سازمان را غیرقانونی اعلام کرد، کنگره‌ی ملی آفریقا مبارزه‌ی مسلحانه را "عمده‌ترین راه مبارزه" با رژیم آپارتاید تعیین کرد. کنگره‌ی ملی آفریقا رسماً ایدئولوژی خاصی ندارد و جبهه‌ای از طبقات و اقشار گوناگون است که علیه سیستم نژاد پرست آفریقای جنوبی مبارزه می‌کنند. "منشور آزادی"، که شامل رئوس عمده‌ی برنامه‌ی این جبهه است، در سال ۱۹۵۵، در "کنگره‌ی خلق"، که با شرکت ۳۰۰۰ نماینده‌ی سازمانها و تشکلهای دموکراتیک برگزار شده بود، به تصویب رسید. مفاد اصلی این برنامه عبارتند از:

- ۱- پذیرش حکومت خلق.
- ۲- کلیه‌ی ملیتهای ساکن آفریقای جنوبی از حقوق برابر برخوردار خواهند

" کنگره‌ی یان آفریکن " و " سازمان توده‌های آزانیآ " است، سفیدپوستان را در تشکیلات خود راه نمی‌دهند.

### حزب کمونیست آفریقای جنوبی

این حزب، که در سال ۱۹۲۱ توسط " جناح انقلابی کارگران سفیدپوست " تشکیل شد، در آغاز فعالیت به مساله‌ی نژادی و مساله‌ی ملی در آفریقای جنوبی اهمیت نمی‌داد. پس از مدتی، این انحراف باعث تشدید اختلافات ایدئولوژیک در درون حزب شد، تا جایی که کنگره‌ی ششم کمینرن مجبور به دخالت در امور حزب کمونیست آفریقای جنوبی شد. تنها پس از این مداخله بود که حزب کمونیست پذیرفت که مساله‌ی ملی نقش تعیین کننده‌ای در انقلاب در آفریقای جنوبی دارد. حزب، همچنین، اعلام کرد که نیروی عمده‌ی انقلاب "دخاتان سیاه‌پوست در اتحاد و به رهبری طبقه‌ی کارگر " است. با این همه، این حزب، با ترکیب عمدتاً سفیدپوست رهبران و کادرهایش، خود موفق نشده است در برخورد با مساله‌ی ملی و بعداً حاد شدن مساله‌ی نژادی نقش حساسی

بود.

۳- زمین از آن کسانی خواهد بود که بر روی آن کار می‌کنند.

۴- عمه در برابر قانون برابر خواهند بود.

۵- کلیه ساکنان آفریقای جنوبی از حق کار، مسکن و آموزش برابر سفید پوستان بهره‌مند خواهند بود.

در طی چند دهه گذشته، حزب کمونیست آفریقای جنوبی متحد اصلی کنگره ملی آفریقا بوده است و چند تن از اعضای این حزب در مرکزیت کنگره ملی آفریقا مسئولیت دارند. کنگره ملی آفریقا، طی چند سال گذشته، یکی از عمده‌ترین نیروهای آفریقای جنوبی بوده است و از پشتیبانی توده‌های سیاه‌پوست



### انقلاب در آفریقای جنوبی

خود را در قبال جریانهای لیبرال و احزاب وابسته به رژیم تعدیل کرده است؛ تا جایی که با نمایندگان "حزب لیبرال مترقی" و نمایندگان انحصارات انگلو آمریکن ملاقات داشته است. نمایندگان این جریانها از متعادل بودن مواضع کنگره ملی آفریقا، خصوصا در قبال سرمایه‌های بین‌المللی، اظهار خشنودی کرده، این ملاقاتها را زمینه‌ی مساعدی برای سازش بین "نمایندگان" سیاه‌پوستان و سرمایه‌داری

این دو سازمان، مرحله‌ی کنونی انقلاب در آفریقای جنوبی دموکراتیک - ملی است و هدف آن کسب دموکراسی توده‌ای در مرحله‌ی اول و برقراری سوسیالیسم در مرحله‌ی دوم است. اگرچه بند سه و چهار منشور آزادی مصادره و ملی کردن سرمایه‌ی انحصاری و زمینهای زمینداران را در دستور کار دولت موقت قرار داده است، در هیچ جایی از این منشور صحبتی از هم‌درکستن ماشین بوروکراتیک - نظامی دولت بورژوازی نیست. از این گذشته، حزب کمونیست و کنگره ملی آفریقا، علی‌رغم موفقیت‌های نسبی در پیشبرد مبارزه‌ی مسلحانه، در سازماندهی پرولتاریای صنعتی فعالیت چندانی نداشته‌اند و اکثر تبلیغات حزب کمونیست به تعریف و تمجید از عملیات مسلحانه‌ی کنگره ملی آفریقا محدود بوده است.

### کنگره‌ی پان آفریکن

پس از تصویب "منشور آزادی" و اتخاذ شعار " آفریقای جنوبی از آن کسانی است که در آن زندگی می‌کنند" توسط کنگره ملی آفریقا عده‌ای از اعضای این سازمان با این شعار به مخالفت پرداختند و، در اعتراض به نفوذ "سفید پوستان چپگرا"، در سال ۱۹۵۹ از کنگره ملی آفریقا انشعاب کردند و کنگره‌ی پان آفریکن را تشکیل دادند. در سال ۱۹۶۰، پس از آنکه دولت آفریقای جنوبی این سازمان را غیرقانونی اعلام کرد، کنگره‌ی پان آفریکن به مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم آپارتاید دست زد.

این سازمان از سال ۱۹۶۳ دچار انشعابهای پی‌درپی شد، تا جایی که در سال ۱۹۷۹ جناحهای مختلف این جریان، در حمله‌ی مسلحانه به یکدیگر باعث کشته شدن یکی از رهبران و تعدادی از اعضای جناحهای متخاصم شدند. در سال ۱۹۸۱، این کنگره، با



صحنه‌ای از تشییع جنازه‌ی یک دانشجوی مبارز در سوتو

بین‌المللی تشخیص داده‌اند. حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنگره ملی آفریقا سیستم حاکم بر آفریقای جنوبی را نوعی کلونیالیسم تشخیص داده، معتقدند این سیستم ترکیبی از بدترین خصوصیات امپریالیسم و کلونیالیسم را برای حفظ منافع سفیدپوستان و انحصاری بین‌المللی به‌کار می‌گیرد. از نظر

برخوردار است. " نلسون مندا "، یکی از رهبران این سازمان، که ۲۵ سال گذشته را در زندان بسر برده است، بیشک از محبوب‌ترین چهره‌های آفریقای جنوبی است. با این همه، کنگره ملی آفریقا، از نظر مواضع سیاسی دچار تزلزلهای و انحرافات آشکاری بوده است. این کنگره، سمنین، طی چند ماه گذشته، مواضع

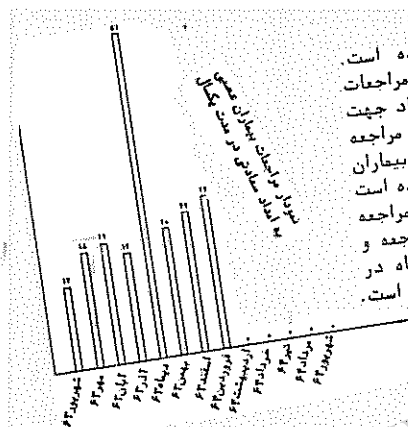
## معجزات امام رجوی!

روزنامه‌ی مجاهد در یک سند تاریخی، که نمونه‌ی بی‌نظیری از عقب افتادگی فکری این جریان است، به قلم "دکتر" ی از امداد سعادت، مدعی شده است ازدواج "مریم و مسعود" باعث "شفای بیماری‌های سایکوسوماتیک" در عواداران مجاهد شده است. این مقاله، که با پیش کشیدن عوامل ماورای

## گزینه‌هایی از نثریات و اطلاعاتی‌ها

سعادت، برای خواننده این سؤال پیش می‌آید که مساله‌ی "بیماری روانی" عواداران مجاهد چیست؟ و چگونه است که مثلاً در دی ماه ۶۳ و فروردین ۶۴ تعداد بیماران روانی این چنین بالا بوده است. از آنجا که درج این سند، گویاترین افشای مطالب آن است، صفحه‌ی گزینه‌های این شماره را به آن اختصاص داده‌ایم.

طبیعی و سوء استفاده از بازمانده‌های افکار خرافاتی در میان عقب افتاده‌ترین اقشار مردم یادآور معجزات امامزاده‌ها و جادوگران و جن گیران دوران ماقبل تاریخ است، اگرچه اعانتی آشکار به علم و پیشرفت جامعه و اعانت به فهم و شعور مردم ایران است، بیش از هر چیز افشاگر موقعیت متزلزل این جریان است. در نمودار بهبود معجزه‌آسای بیماران عصبی امداد



کلی قابل توجه بوده است. نمودار زیر کثرت مراجعات بیمارانی است که به امداد جهت بیماری‌های روانی مراجعه کرده‌اند. تعداد مراجعین ۱۷ نفر بوده است که گاه ماهی ۲ - ۳ بار مراجعه داشته‌اند. مینیمم ۱۳ مراجعه و ماکزیمم ۵۱ مراجعه در ماه در نمودار قابل توجه است.

ولی از اردیبهشت اساساً مراجعه‌ای نیست و نمودار صفر است. از اردیبهشت ۶۴ تا حال تابلوی مراجعه‌ی بیماران عصبی به امداد اساساً تغییر کرده است. نمودار مراجعات بیماران عصبی از شهریور ۶۳ تا فروردین ۶۴ را در نظر می‌گیریم در نمودار مراجعه به امداد بیماری‌های سایکوسوماتیک به لحاظ کتی و

پس از وقوع انفجار رهایی یعنی پس از انقلاب ایدئولوژیک درونی تا حال، از داروهای مربوط به بیماری‌های "روان‌تنی" مصرف نداشتیم. نمودار یکساله‌ی مراجعات بیماران به این مرکز امداد پزشکی بخوبی گویا است. از شهریور ۶۳ تا فروردین ۶۴ مراجعات بیماران روان‌تنی از ۱۳ تا ۵۱ در نوسان بوده

بیماران برای رد بیماری عضوی می‌بایست تحت بررسی پاراکلینیکی زیادی قرار می‌گرفتند بنابراین انرژی زیادی صرف این مسئله می‌شد. از اردیبهشت به بعد هیچ مراجعه‌ای که مربوط به بیماری سایکوسوماتیک باشد نداشتیم و از آن موقع تا بحال حتی یک قرص عصبی مصرف نشد. نمونه‌ی بیمارانی که قبل از انقلاب درونی، جهت ناراحتی اعصاب به این مرکز امداد پزشکی مراجعه می‌کردند و بعد از انقلاب مراجعه‌ای نداشتند گویای تغییر بنیادی (انفجاری) در وضعیتشان می‌باشد. این نمونه‌ها جهت روشن شدن مسئله ذکر می‌گردد:

نمونه‌ی ۱- بیماری که از ۱۶ سال قبل بدنبال زایمان دچار تشنج و علائم اپیلهپسی شده و بدنبال آن به متخصصین زیادی مراجعه کرده است، پس از انجام نوار مغزی با علامت و تشخیص صرع تحت درمان با (ضدصرع) Comitol - I

زیادی مراجعه کرده است و همگی بالاتفاق نظرشان این بود که برای کم یا زیاد کردن نگرینول بیمار باید در بیمارستان بستری و تحت نظر باشد تا بتوان دوز نگرینول را مشخص کرد. اما این بیمار در مقطع ۳۰ خرداد تمام داروهایش را قطع کرد. وی بعد از ملاقات با یکی از پزشکان سازمان قطع دارویش را در میان گذاشت که با قطع نگرینول مخالفت شد. اما بیمار قطع کرد و از آن تاریخ به بعد نه تنها هیچ علائمی از بیماری نداشته بلکه با انرژی چندبرابر کار می‌کند، فعال‌تر از همیشه است و با روحیه‌ای شاد و خندان مسئولیت‌ها را انجام می‌دهد. از زمان بروز این بیماری از ۱۶ سال قبل تا بحال این بیمار سابقه‌ی جنسی وضع خوبی را نداشته است.

و داروهای آرام‌بخش دیگر قرار گرفت بیمار تا بحال به بهترین متخصص نور و سایکولوژی مراجعه کرده است و در نهایت با Rohgpmol - Valium - Tegretol با دوز بالا کنترل می‌شد. تعداد قرص‌های مصرفی روزانه‌ی بیمار از ۱۷ عدد تجاوز می‌کرد با همه‌ی مصرف دارو، هر چند وقت، بیمار دچار تشنج می‌شد. قابل ذکر است که عوارض سایکولوژیک بیماری قابل ملاحظه بود. چون حمله‌ی بیمار با فاصله‌ی کم و دامنه‌ی زیاد بود و بتدریج حال بیمار رو به بدتر شدن می‌رفت به متخصصین

کاهش دارو تدریجی و قطع آن تدریجی نبوده است ناگهان همه‌ی داروها را قطع کرد. (نام بیمار: ر-م) نمونه‌ی ۲- بیمار از ۲ سال پیش تا حال دچار کمردرد شدیدی شده و پس از مراجعه به پزشک متخصص و انجام عکس‌برداری لازم، بعلت سفتی عضلانی شدید، کمربند طبی دریافت داشته است. وی ملزم به احتیاطات سختی جهت درمان کمردردش بود و بعلت این درد و ناراحتی، هرچند وقت، بستری و استراحت مطلق می‌کرد. تا از سفتی عضلانی کاسته شود. با این حال همیشه از درد شدیدی رنج می‌برد. بعد از انقلاب درونی سازمان، کمردرد او برطرف شد و کمربند طبی را باز کرد این فرد با انرژی فوق‌العاده بدون کمترین رعایت پزشکی بکار ادامه می‌دهد و تا حال هیچ علامتی از درد و یا سفتی عضلانی نداشته است. (نام بیمار: الف-گ)

هدف از اختصاص دادن مفه‌های در نشره "جهان" به "آموزش وازدها و مقوله‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی"، دستیابی به نوعی زمان و فرهنگ شورگ مشترکی است که بتواند در خدمت اتحادیویمی‌سالوک برای سبیل ارتباط‌گیری در حصار جبر قرار گیرد. علاوه، این مفه می‌تواند در ارتقاء دانش شورگ و آموزش سیاسی خواندگان سازمان و کلسه علاقه‌مندان مفید واقع شود. در هر شماره "جهان"، ما وازده با مفولدهای را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این مفه حاصل مطالعه و سخم‌رسی با رهنمای تهیه‌کننده آن می‌باشد و تحت‌سطر هشت‌سج‌سج‌سج "جهان" درج می‌شود. از کلسه خوانندگان "جهان" می‌خواهیم با وازدها و مفولبات مورد سئوال خود را برای ما بوسند و مادر فرست‌سند تا آنها را در این مفه خواهیم کتخاند.



سالهای ۱۸۴۰ بود؛ اینجا تجارب شرایط زندگی کارگران و انجمنهای سیاسی منجستر، که بین سالهای ۱۹۴۲-۱۹۴۳ توسط انگلس در شرایط طبقه‌ی کارگر در انگلیس همضم شد و بعدها به مارکس انتقال یافت، نقش مهمی ایفا کرد. تاکید بر تولید در مقابل رقابت، تاکید بر ویژگی‌های سرمایه‌دارانه‌ی صنعت مدرن، تاکید بر نقش دولت چون افزار سرکوب در خدمت مالکیت خصوصی، تاکید بر کمونیسیم نه چون یک ایده‌ی فلسفی بلکه چون یک جنبش طبقاتی واقعی از کانسال یک "جنبش اجتماعی" بود که به تفکر سوسیالیستی نام نهاد. تناقضات طبقاتی "تضاد" را به‌طور واقعی به متفکرین شناساند. برای حدود یک ربع قرن پس از انتشار مانیفست حزب کمونیست، مسایل کلیدی سیاسی برای تحلیل ماتریالیستی - تاریخی از جنبش کارگری اینها بودند:

الف - تا چه حد جنبش‌های کارگری می‌باید از انقلابات بورژوا و دموکراتیک برای تحمیل حقوق اکثریت بهره‌گیری کنند؟ ب - تا چه حد "اقتصاد سیاسی کار" و "تولید اجتماعی تحت کنترل اجتماع" ، سرمایه را به خطر انداخته است؟ پ - تا چه حد اتحادیه‌های کارگری " مراکز سازماندهی طبقه‌ی کارگر" را تشکیل می‌دهند؟ ت - چه

توسط خود مکانیزم پیروسی تولید سرمایه‌داری بر تعداد آن افزوده شده، تربیت، متحد و سازماندهی می‌گردد. انحصار سرمایه، چون انگلی، مانع رشد شیوه‌ی تولید می‌گردد که تحت نفوذ و در کنار آن رشد کرده است. تمرکز وسایل تولید و اجتماعی شدن کار به مقطعی می‌رسد که دیگر با پوسته‌ی سرمایه‌دارانه‌ی آن سازگار نیست. این پوسته شکافته می‌شود. ناقوس مرگ مالکیت خصوصی سرمایه‌داری به صدا درمی‌آید. از سلب مالکیت کنندگان، سلب مالکیت می‌گردد."

نظریه‌های تفسیر جهان از درون جنبش‌های کارگری مانند بافندگان سیسیلی، چارتیست‌ها، انقلابات ۱۸۴۸ و مابعد آن، جنبش فین‌ها، رشد اتحادیه‌های انگلیسی، "گازخانه‌های سمکار متعلق به خود کارگران"، کمون پاریس، تجارب اولین احزاب کارگری، به ویژه حزب سوسیال دموکرات آلمان، به تدریج پله‌های تکامل تفکری را که بعدا "مارکسیسم" نام نهاده شد فراهم کردند. چهارمقطع از رشد رابطه‌ی جنبش کارگری و تفکر مارکسیستی، به ویژه، حائز اهمیت‌اند. اول، مقطع شکل‌گیری ماتریالیسم تاریخی در اواسط

## جنبش کارگری

اثر هزار بار بگویم جنبش‌های کارگری اساس تفکر مارکسیستی را تشکیل می‌دهند، شاید هنوز کم گفته باشیم. مارکسیست‌ها بسیار در مورد زمانبندی و اشکال جنبش‌های کارگری سخن رانده‌اند. ولی مهم درک این حقیقت است که تفکر مارکسیستی خود از درون این جنبش‌ها زاده شد و در روند آنها قوام یافت. آنچه ماتریالیسم تاریخی را از دیگر شیوه‌های تفکر جدا می‌سازد، این است که این شیوه‌ی تفکر خود را نیز زاده‌ی شرایط و جنبش تاریخی‌ان می‌داند که می‌خواهد آنها را توضیح دهد. یکی از کشف‌های کلیدی این شیوه‌ی تفکر، که در کتاب سرمایه فصل ۲۴ منعکس است، این است که جنبش کارگری خود جزء و نتیجه‌ای از قوانین حرکت سرمایه‌داری است؛

"باکم شدن مداوم تعداد انحصارات سرمایه، که عمده امتیازات این پیروسی نحول را غارت کرده و به انحصار خویش درمی‌آورند، انبوه بدبختی، ستم، بردگی، تحقیر و استثمار رشد می‌کند؛ اما با این، همچنین، پیام طبقه‌ی کارگر رشد می‌کند، طبقه‌ای که مداوما

تضادعمایی بیانگر و تبلور آغاز گذار از شیوه تولید سرمایه‌داری به شیوه اجتماعی (سوسیالیستی) اند؟ ث - چگونه می‌توان مبارزات بخشی را به مبارزات عمومی ارتقا داد؟ دومین مقطع حیاتی کمون پاریس سال ۱۸۷۱ بود، "تجربیه عملی که در آن پرولتاریا برای اولین بار برای دو ماه تمام در قدرت سیاسی بود" در جنگ داخلی در فرانسه انعکاس یافت. پراتیک بورژوازیی جداکردن اقتصاد از سیاست مورد نقد قرار گرفت و ضرورت سرنگونی و جایگزینی دولت بورژوازی، و نه فقط تسخیر آن، به ثبت رسید. سومین مقطع حیاتی رابطه جنبش کارگری با تفکر مارکسیستی کمی طولانی‌تر بود و از مقطع شکل گیری احزاب کارگری وسیع آلمان (خصوصاً) آغاز شد. در سالهای ۹۰ - ۱۸۸۰، مارکسیسم برای اولین بار توده‌گیر شد. در انترناسیونال ۲، ضرورت سازمانهای سیاسی به بحث روز بدل شد؛ ماه مه چگونه برگزار گردد؟ نقش اتحادیه‌ها، اعتصابات و اعتصابات عمومی در رعایی کار؟ شرکت در پارلمانها و دول بورژوازی؟ نقش رفرم‌ها، پله‌های انقلاب یا موانع انقلاب؟ امکان حل تضادهای سرمایه توسط خود آن از طریق رفرم؟ ماعت ناسیونالیسم، امپریالیسم، جنگهای داخلی و بین‌المللی؟ نقش پیشرود در ارتقای جنبش‌های خودبخودی کارگران؟ جدایی‌های بین اقتصاد و سیاست در سرمایه‌داران و ضرورت سرسخت کردن اصول سازمانی؟ این مقطع شامل انشعابات گوناگون بود: انقلابیون از رویزیونیستها، سوسیالیستهای علمی از اخلاقی، سوسیال دموکراتها از سندیکالیستها، کمونیستها از ناسیونال‌شونیستها. چهارمین مقطع حیاتی از ارتباط و تاثیر متقابل جنبش‌های کارگری و تفکر مارکسیستی از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ آغاز شد و تا شکست انقلابات اروپا در سال ۱۹۲۱ طول کشید و مسایلی

از قبیل چگونگی تسخیر و کسب قدرت به وسیله پرولتاریا، دیکتاتور پرولتاریا و ساختمان اولین کشور سوسیالیستی را به میان کشید. روند رشد جنبش کارگری را انگلس از عمارت سالهای ۱۸۴۰ طرح کرده بود که بعدها تصحیح شد. جنبش کارگری از اعتراضات فردی آغاز شده، به مبارزات محلی و بخشی کشیده می‌شود. این مبارزات در حلقه اول برای خواسته‌های اقتصادی و بسیار محدود سیاسی است و، به‌طور مستقیم و مشخص، حاکمیت سرمایه را به‌زیر سوال نمی‌برد. همچنین، در این مرحله، این مبارزات نسبتاً بدون سازماندهی است و تنها به تدریج به سسما و سازمانهایی که دارای منتور، اساسنامه و دیپلوما تشکیلاتی و نسیم کار باشند، تکامل می‌یابد. ولی، در این مرحله نیز، اعداد از منافع طبقاتی به منافع خاص قشری، حرفه‌ای، ملی یا درون ملی انحراف می‌یابد. ولی، سرانجام، رشد تضادهای سرمایه‌داران این مبارزات محلی - بخشی را به "یک مبارزه ملی بین طبقات" بدل می‌سازد. این مبارزات شکل سیاسی منجمی می‌یابند و در وعده اول برای کسب قدرت سیاسی در حوزه دولت جهت می‌گیرند. دیر یا زود، با شکستها و پیروزی‌های مداوم، بالاخره شاخه‌های گوناگون جنبش کارگری - سیاسی و صنعتی - به یکدیگر پیوسته، به جنبش طبقاتی به مفهوم اخص آن تبدیل می‌گردند.

رشد ناموزون سرمایه در محدوده‌های ملی، به موازات رشد ناموزون آن در عرصه بین‌المللی، تاثیر خود را در چگونگی رشد (ناموزون) جنبش کارگری جهانی می‌گذارد. اما آن نیز، سرانجام جلودار رشد و یکپارچگی جنبش کارگری نخواهد گشت. پیروزی‌های کارگران در حوزه‌های ملی و آغاز جهت گیری سوسیالیستی، سرانجام، در سطح بین‌المللی تحقق می‌یابد، به گفتنی نویسندگان مانیفست حزب کمونیست:

"به جای جامعه کهنه بورژوازی، با طبقات و مبارزات طبقاتی آن، ما جامعه‌ای خواهیم داشت که رشد آزادانه هر فرد پیش شرط رشد آزادانه عمگانی است."<sup>۱</sup>

جنبش‌های کارگری در دینامیسم طبقاتی جامعه معاصر سرمایه‌داری در عرصه جهانی در اشکال زیرین تبلور می‌یابند: ۱ - در دینامیسم طبقاتی کشورهای امپریالیستی، در "تضاد پرولتاریای کشورهای امپریالیستی با امپریالیسم"؛ ۲ - در دینامیسم طبقاتی کشورهای تحت سلطه، در "تضاد خلقهای تحت ستم جهان با امپریالیسم"؛ ۳ - در مورد کشورهای سوسیالیستی، در "تضاد اردوگاه سوسیالیستی با امپریالیسم"؛ (تضاد درونی امپریالیسم به مثابه چهارمین تضاد اصلی عصر امپریالیسم در مقوله سرمایه می‌گنجد که تا حدودی در شماره‌های پیش جهان بدان اشاره شد.)

#### منابع

- 1- Bottomore, T., et al, A DICTIONARY OF MARXIST THOUGHT. 1983.
- 2- Thompson, E.P. THE MAKING OF THE ENGLISH WORKING CLASS. 1963.
- 3- Marx, Engels, SELECTED WORKS, 3 Vols, Moscow, Progress Publishers.
- 4- Marx, CAPITAL. Vol 1, Penguin Publishers.
- 5- Marx, A CONTRIBUTION TO THE CRITIQUE OF POLITICAL ECONOMY, International Publishers.

#### تصحیح

در جهان ۳۷، صفحه ۴۰، ستون دوم، سطر ۳۸، چند کلمه جا افتاده است. متن درست این سطر چنین است: "وازسوی دیگر به صورت بحران 'از دیا دمزد' ظاهر می‌گردد."

# صدای آتش

در دو صف و به دنبال هم غیه می کشیدند.  
دسته‌ی جلو فریاد می زد:

کیا بودن می گفتن، جنگ مسلحانه؟  
و دسته‌ی دوم که تلاش می کرد  
چیزی از فریاد و خروش کم نیاورد،  
با صدایی بلندتر از دسته‌ی اول نعره  
می زد:

بجنگ تا بچنگیم!

حالا جای انتظارا، در چشمخانه‌ها،  
صفی طولانی از اضطراب پر کرده بود.  
نگاهها فریادها را می قاپید و به دنبال  
ببرق‌های رنگارنگ که با قدسای بلند  
و کوتاه، عریض و طویل، عینهو ببرق‌های  
روز عاشورا، به چپ و راست کشیده  
می شدند و عصبانی‌تر از فریادها با  
سر تکان فضا را می شکافتند، می دوید  
و می گشت و دو دو می زد و دوباره  
روی قیافه‌ها و لبسای کف کرده خشک  
می شد.

هنوز به چهارراه مصدق نرسیده  
بودند و حدود صد متری با یارک دانشجو  
فاصله داشتند. مغازه دارها و عابریانی  
که جلوتر از صف، اما در کناره‌ی پیاده  
روسا، ایستاده بودند و اضطراب توی  
نگاهشان هجوم برده بود و می رفت  
تا تمامی وجودشان را دربر بگیرد، صفها  
را می نگریستند. صداها گوششان را  
پر می کرد و نگاهشان از وحشت آکنده  
می شد. بعضی‌ها زودتر، در فاصله‌ی

یکباره در بریدگی کوچهای نهچندان  
تنک با خیابان، با صدایی مهیب  
شکسته شد. فتیله به انتها رسید و  
صدای انفجار گوشها را کر کرد:

اما اما اما اما! اما اصل کوفه نیستیم.  
نگاهها که صف انتظار را در خود  
شکسته بودند، باهم و در یک دم به سوی  
فریاد برگشتند. هر نگاه به جست  
و جوی چیزی بود که صاحبش آنرا از  
پیش می شناخت. نگاهها دوباره برگشتند  
و در عم گره خوردند. زمزمه‌هایی برخاست  
و پیچید:

اومدن! حزب الهیان! اومدن!

به لشکر عمر می ماندند اما کمتر  
از سپاه او. مثل همانها می غریبند  
و می آمدند که عمه‌چیز را با خون بشویند.  
حرفهاشان با چهارده قرن فاصله‌ی عمارت  
بود. عمجون ستمی این چهارده قرن  
می خروشیدند و بنیان کن و ویرانگر  
می آمدند. می آمدند تا کتاب بسوزانند.  
دفتر از خط بشویند و هر فکری جز فکر  
خود را به گور بسپارند.

فریاد از گلوی مردان و زنانی  
که تک و توك توی مردسا برخورد کرده بودند  
بیرون می ریخت. می خواستند با صورت‌های  
کیود شده از خشم و لبهای کف کرده  
از فریاد همه جا را. از خود پر کنند  
اما کم می آوردند. زیاد نبودند. شاید  
به زحمت پانصد نفری می شدند، که

دیروز و پریروز هم حدود همین  
وقتها بود.

داغی آفتاب بعد از ظهر پاییزی  
برش درخت‌ها رخوت می کاشت، خون  
مردم را به جوش می آورد و توی دلها  
ولوله برپا می کرد. دیروز و پریروز هم  
همین ساعتها بود که شلوغی لشکر  
خودش را توی خیابان کشانده بود  
و حتی عده‌ای دست به اسلحه شده  
بودند. انتظار، سربازان بیقرارش  
را توی نگاهها، گاه در عم و گاه در  
صف‌های موزون نکه داشته بود. هر  
صدایی، حتی صدای بوق بلند یک ماشین  
یا حرف زدن بلند بلند دو یا چند  
نفر باهم، نگاهها را به سوی خود می کشید.  
سرفتیله را جایی دورتر آتش  
زدند. آتش توی فتیله می دوید. فشرش  
می کرد و دود گمرنگش کم کم غلیظ و  
غلیظ تر می شد و توی چشمها می نشست.  
زمزمه‌ها از فاصله‌ای نهچندان دور  
برخاسته بود. نگاههای عابران یک  
لحظه در عم تلاقی کرد. فاصله آنقدرها  
زیاد نبود، شاید دو یا سه کوچه  
آنطرفتر از چهارراه سکوت کم کم  
رنگ می باخت. آتش خود را به خیابان  
می کشاند و می رفت تا عمه‌چیز را در  
خود بسوزاند. بی‌تابی سربازان انتظار  
شکسته شد. سکوتی که غوغای ماشین‌ها  
و زمزمه‌ی عابران را به بیخ می گرفت



عنان چند دقیقه‌ی اول، مغازه‌ها را بسته و دررفته بودند و بعضی دیگر اینک درصدد بودند تا از معرکه بگریزند و این بود که خود را در پناه دیوارها می‌گشاندند.

نگاه مغازه‌دارها، عابران و آنها که با صف می‌آمدند روی دختری افتاد و میخکوب شد. تنها بود. تنها می‌نمود. چنان می‌نمود که طول پیاده‌روی آن سوی خیابان را به‌خاطر او خالی کرده باشند و عمین هم نگاهها را به‌سوی او می‌گشاند. روپوش ارمک مدرسه برتن داشت و شلوارن به‌یا. چپیه‌ی سیاه و سفید بلندی دور سر و گردنش پیچیده بود، اما انتهای موهایش از چپیه بیرون ریخته بود و تا کمرش می‌رسید. با یک دست کلاسور سیاه ورم کرده‌ای را که شاخه‌ی کلی رویش نقاشی شده بود به سینه می‌فشرد و دست دیگرش را بی‌شتاب به جلو و عقب تکان می‌داد.

صورت زیبایش، که در حصار چپیه‌ی چهارخانه عیات زنان فلسطینی به‌خود گرفته بود، لحظه به‌لحظه از نگرانی پر می‌شد. در چشمهای سیاه و درشتش تشویش موج می‌زد و قدمهایش نیز با اضطراب عمکام بود.

سعی می‌کرد هر لحظه برسرعت قدمهایش بیافزاید، اما نمی‌خواست بدود و نظر کسی را به‌خود جلب کند. چند بار هم زیر چشمی و با زیرکی آنها را که غیه‌کش می‌آمدند نگاه کرد، اما این بار که نگاهها جذب او شده بود، دیگر به آنچه می‌گذشت آگاه نبود. فریادها هر لحظه بلندتر و بلندتر

می‌شد. نگاههای تظاهر کنندگان خشمگین‌تر از پیش و نگاه‌آنان که در پیاده‌رو و میان اتوبوس‌آن‌سوی خیابان گیر کرده بودند، نگران‌تر از قبل، روی دختر خیره مانده بود. حال‌همه‌ی حواسها جذب او شده بود.

تظاهر کنندگان حدود صدمتری با دختر فاصله داشتند. دو نفر از صف جدا شدند و به‌سوی او دویدند. معلوم نبود عمان لحظه به او مشکوک شدند یا از قبل دنبالش بوده‌اند. سردویشان فکر کردند که خیلی زود او را خواهند گرفت. اما شتاب دختر و سرعت قدمهایش این فکر را از سرشان پراند. با دویدن آن دونفر شعارها ته نشست و به‌دنبالش فریاد آنان بلند شد و سکوتی را که به‌یکباره برتن سول‌آور خیابان سایه گسترانده بود شکست:

بگریینش! بگریین!

دختر نگاههای به‌پشت سرش انداخت

لرزاند. چیزی که دختر از لای کلاسورش بیرون کشیده بود یک کلت کمری ارتشی بود. یکی از عمان دونفر، که جلوتر رسیده بود، یک لحظه در جایش میخکوب شد اما زود به خودش آمد. کتتش را به کناری زد و از کمرش اسلحه‌ای بیرون کشید. دختر دوباره نگاههای به‌طرف بالا انداخت، اما نگاهش در نگاههای شرر بار، که پورخندی فاتحانه در خود داشت، گره خورد. مردم انگار دل‌هایشان را توی دستها گرفته بودند و با تشویش می‌فتردند. هرکس در فکر آن بود که راعی بجوید و قدمی به کمکی بردارد؛ ترس، اما ترس گلوله‌های داغ‌پاسداران و کمیته‌چی‌ها و بسیجی‌ها، که در این دوسه روزه داغ‌تر از همیشه، دغان به دغان و گوش به گوش و خانه به

و به‌سرعت دوید، اما خیلی زود خشکش زد. یکی هم از بالا، از طرف چهارراه مصدق، به سوی او می‌دوید. دختر کلاسورش را باز کرد. خیلی سریع و در یک چشم به‌هم زدن چیزی از آن بیرون کشید و کلاسور را پرت کرد. چشمها از همه‌سو دو دو می‌زدند تا دست دختر را بنگزند. سول دلها را

خانه گشته بود و سعی می‌کرد همه را زیر عیای سیاه خود بگیرد، نه‌نشان را می‌انباشت، مثل بختک روی نشان می‌افتاد و درجا خشکشان می‌کرد.

دختر سرپرگرداند. نگاه زیبایش را، که اینک دریایی از خشم در آن موج می‌زد، به مرد مسلح دوخت. عزار سؤال



در نگاهش نقش بست. به سرعت نسیمی دست چپش را حایل دست راستش کرد و مچ آنرا چسبید. دستش را روی ماشه گذاشت و دردم شلیک کرد؛  
ترق!

مرد مسلح سم نشانه رفت اما دیر جنبید و خوشحالی، سیل گونه، در چشم عابرین موج زد. گلوله درست به وسط پیشانی مرد خورد. رشته‌ی باریک خونی، به اندازه‌ی یک انگشت، از جای گلوله که به شکل سوراخی کوبیده با قلم بر آهن داغ و سرخ نقش بسته بود، بیرون جهید و تانزدیکی ابرو عایش رفت و عمانجا ایستاد. سرش به یکباره فرو افتاد. پنجه‌اش بی‌اراده باز شد و اسلحه روی زمین ول شد. کمرش خم شده زانویش، انگار که به یکباره شکسته شده باشند، تاشد. سکندری کوتاهی خورد و به زمین غلتید.

نختر نکاشش را برگرداند. آنکه از بالا می‌دوید نیز اسلحه‌ای از کمر بیرون کشید و دستپاچه و ترسیده، با بهتی که در نگاهش شکسته بود دو تیر خالی کرد، اما عیجکدام به دختر اصابت نکرد. یک عده جیغ کشیدند و فرار کردند. عده‌ای روی زمین نشستند. همه چیز بادگونه می‌گذشت. دستهایی از توی صف تظاهرکنندگان به طرف اسلحه‌ها رفت. عده‌ای نیز چاقو‌ها و زنجیر عایشان را توی مشت‌های فشردند، اما ترس نمی‌گذاشت از جایشان جم بخورند. بعضی‌ها نیز، که دوران‌دیش بودند، آرام آرام خود را به وسط صف می‌کشاندند. دختر سه تیر پیاپی شلیک کرد. تیرها در سینه‌ی مردی که از بالا دویده بود نشست و خون از پیراهنش بیرون زد. تلوتلو خوران دوسه قدم جلو آمد، انگار که خیز ناگهانی برداشته باشد، به زمین غلتید و هماندم تیر

دیگری نیز شلیک کرد که به زمین خورد و کمانه کرد.

موجی از زمزمه، زمزمه‌ای که شادی در دل خود پرورانده بود آرام از گلوی مردم تراوید، لبخند شد و بر لبانشان نشست و توی فضا رها شد. اما یک دم بیش نپایید.

آن که همراه مرد اولی از صف جدا شده و به طرف دختر دویده بود، بعد از مکث کوتاهی که ترس مرگ در وجودش دوانده بود، به خود آمد و به طرف دختر خیز برداشت و، تنها چند ثانیه پس از شلیک گلوله‌ها و زمزمه‌ی مردم، او را از پشت بغل کرد. پای نختر از زمین برید و همراه مرد به زمین غلتید. ریش انبوه مرد با غیظ تکان می‌خورد. صورتش سرخ و کبود می‌شد و نره نره از خمی کور انباشته می‌شد. دختر دست و پا زد و تیری سم شلیک کرد اما قامتش همچون پلنگی در دام پیچ و تاب می‌خورد و راه به‌جایی نمی‌برد. مرد به گاوی وحشی و تتومند می‌مانست و دختر را همچنان در بغل داشت و شاید فشاری دیگر کافی بود تا استخوانهای او را خرد کند. تیر دیگری از اسلحه‌ی نختر شلیک شد، اما باز عم بی‌نتیجه بود.

خشم بند پاره کرد. غریبوی ترس شکن از مردم برخاست. صدایش شورا فکند و گوش خیابان را کر کرد و صف تظاهر کنندگان را که می‌رفت به دختر برسد در جایش می‌خکوب کرد. مرد تنها یک لحظه بهت زده و ناباور سر برگرداند و همین باعث شد که دستش شل شود. دختر سرش را چرخاند. اسلحه را توی دستش جابجا کرد و ماشه را فشرد. خشکش زد. رنگ از صورتش پرید. تیرها ته کشیده بود. معطل نکرد و اسلحه را با تمام نیرو توی صورت مرد کوبید. سگرمه‌های مرد از درد دردم پیچیده شد و خون از لای داندان‌ها روی ریش‌هایش ریخت. چشمانش را به هم فشرد. دستش ول شد و نختر روی زمین غلٹی

زد. هنوز درست برنخاسته بود که مرد چپیه و موسای او را در چنگال خویش گرفت و کشید. دختر سر برگرداند و با پاشنه‌ی پا توی صورت مرد کوبید و او را ذلیل کرد. درد توی تمام وجود مرد رخنه کرد و دستش وارفت. کیسوی دختر از زیر چپیه‌اش بیرون ریخت و برشانه‌اش رها شد. مردم وسط خیابان ماندند. دختر با سرعتی که از جثه‌اش بعید می‌نمود به طرف تئاتر شهر دوید و با عمان سرعتی که می‌دوید به یکباره جستی زد و از روی میله‌ها پرید. تحسین مردم رنگ شادی گرفت و دل‌هایشان را از شوق آکند. دختر دورو برش را نگریست. در سای مشیک حصار تئاتر از سر سو بسته بود. به طرف پله‌ها دوید. پایش بین پله‌ی اول و دوم ماند. صدای تیری توی خیابان پیچید. سر دختر تکانی خورد. نگاه‌ها رویش خشک شد. شلاق ترس توی نگاه‌ها فرود آمد. کل‌گونه‌ی خون از کرده‌ی دختر بیرون جهید و روپوشش را بخود آغشت. دست دختر بی‌اختیار پله را چسبید. تیر دیگری از توی صف شلیک شد و گلوله توی ران دختر نشست. دستش از پله کنده شد، اما باز عم تلاش می‌کرد به جایی چنگ بزند، انگار به مرگ دهن گچی می‌کرد. صدای تیر دیگری از توی پارک برخاست و سرب داغ توی کتف دختر نشست. سر دختر پایین افتاد. تمام نیرویش را جمع کرد و سرش را برگرداند. نکاشش را، که سمدی شادی‌ها و غم‌های دنیا را با خود داشت، روی مردم باراند. ته خنده‌ی رنج آلوده روی لبانش نشست. تیر دیگری از فاصله‌ای بسیار نزدیک، از پشت میله‌ها، شلیک شد. گلوله خود را توی گردن دختر نشاند. تنش تکان شدیدی خورد. سرش اول به جلو و بعد به عقب پرتاب شد. پایش یک آن رعشه گرفت و قامتش را، هر چند شکننده، برای دمی بر خود تحمل کرد و بعد با عمان سرعتی که تکان خورده بود توی حوض خالی جلوی پله‌ها غلتید.

معرفی ربعری جدید کوشید تا در فعالیت‌های خود، مرحله‌ی جدیدی را آغاز کند ولی بار دیگر دچار اختلافات و انتساب‌های درونی شد. به‌عین دلیل است که از مواضع سیاسی کنونی این جریان اطلاع دقیقی در دست نیست، و می‌توان گفت که، حالیا، این جریان پایگاه توده‌ای وسیعی ندارد. این جریان، تا قبل از حاد شدن اختلاف‌های درونی، اتحاد جماعیر شوروی را کشوری سوسیال امپریالیست می‌دانست.

### سازمان خلق آزانیا

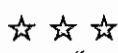
اگرچه این سازمان در سال ۱۹۷۸ تشکیل شد، اما مواضع و بینش آن ریشه در تفکرات " جنبش آگاهی سیاه پوستان " (Black Consciousness) سالهای ۱۹۵۰ دارد. این سازمان، که مبارزات آفریقای جنوبی را ویژه‌ی سیاه پوستان می‌داند، اگرچه در آغاز از درون جنبش دانشجویی رشد کرد، اما، با توجه به‌پیش از پیش به مبارزه‌ی طبقاتی، موفق شد پایگاه توده‌ای وسیع‌تری به‌دست آورد. مواضع سیاسی این سازمان، علی‌رغم تاکید بر نقش طبقه‌ی کارگر در انقلاب، در مواردی مخدوش است. برای نمونه، در برنامه‌ی این سازمان آمده است: " دست آوردن‌های کار جمعی در میان تمام مردم آزانیا بنا به احتیاجاتشان تقسیم خواهد شد." آشکار است که سازمان خلق آزانیا، مراحل تاریخی سوسیالیسم و کمونیسم را از یکدیگر به‌درستی بازنمی‌شناسد. برنامه‌ی این سازمان شامل مفاد زیر است:

- ۱ - افشای سیستم استثمار کننده و سرکوبگر آپارتاید.
  - ۲ - تلاش برای اتحاد سیاه پوستان و توزیع عادلانه‌ی ثروت.
- این سازمان، که در گذشته حملات شدیدی به کنگره‌ی ملی آفریقا می‌کرد، اخیرا نقش این کنگره در مبارزات آفریقای جنوبی را پذیرفته و حملات



### انقلاب در آفریقای جنوبی

خود به این جنبش را کاهش داده است. این سازمان نیز، از نظر مواضع جهانی، درخط ۳ قرار دارد.



با تشدید درگیری بین تیره‌پوستان آفریقای جنوبی و رژیم نژادپرست این کشور، مبارزه‌ی طبقاتی روزبه‌روز حادتر می‌شود و فعالیت‌های اعتراضی - سیاسی اتحادیه‌های کارگری چشم‌انداز نوینی از انقلاب در آفریقای جنوبی را پدید آورده است.

دولت‌های امپریالیست، نگران از آینده‌ی سیستم سرمایه‌داری در این مهم‌ترین پایگاه امپریالیسم در قاره‌ی آفریقا، در راستای تخفیف مبارزات نوده‌ها، خواهان اصلاح قوانین آپارتاید شده‌اند. اگرچه امپریالیسم هنوز در قالب دولت سفید پوستان بر آفریقای جنوبی حاکم است، اما لیبرالها و سازشکارانی چون "توتو" و "بوتلزی"، رئیس فبیله‌ی زولو، ازبم اکنون خود را آماده کرده‌اند، تا در شرایط حادتر شدن اوضاع، به‌عنوان آخرین مهره‌های امپریالیسم، دولتی سیاه‌پوست ولی مدافع منافع سرمایه‌داران سفیدپوست را برپا کنند. اما وقایع یکسال اخیر نشان داده است که، با رشد مبارزه‌ی توده‌ها، توهم آنها نسبت به چنین سازشکارانی روزبه‌روز کمتر و کمتر می‌شود. نیروی جاودانی کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی سیستم نژادپرست و سلطه‌ی انحصارهای سرمایه‌داری در آفریقای جنوبی را درعمر خواهد کوبید. نه اصلاح طلبی‌های دولت بوتو و نه سازشکارانی چون توتو قادر نخواهند بود در برابر سیل خروشان انقلاب زحمتکشان آفریقای جنوبی سدی ناشکستنی پدید آورند.

### سلسله . . .

غریب‌ی خفه از گلوی نظارکنندگان بیرون زد. ترسشان شکسته شد و فریادشان دوباره توی خیابان پیچید اما نتوانست طنین بیافکند و نگاهی را به‌خود بکشانند. چند جیب و کامیون که از پاسدارهای اونفورم پوش پر بود، خیابان و پیاده‌رو را بند آورد. بغض توی گلوی مردم چنبه زد، راه برآشک بست و به‌خشم نشست. قطره‌های خونی که روی پله‌ها خشک می‌شد، رفته رفته، تمام وجود مردم را تسخیر می‌کرد. حالا دردی خشم‌آلوده به جای ترس، بهت، انتظار و اضطراب توی نگاه‌ها نشسته بود و فریاد می‌کشید.

دختری از اتوبوس پیاده شد و همراه مردم به طرف پارک رفت. زیر چشمی کلاسور دختر را که کناری افتاده بود پایید. گل روی کلاسور زنده جلوه می‌کرد و تازه‌تر از همیشه به نظر می‌آمد. کسی متوجه‌ی کلاسور نبود. پاسدارها کنار نرده‌ها قطار شده بودند و با تفنگ‌هایشان مردم را غل می‌دادند و فریاد می‌زدند:

برین کنار! برادر!، خواعرا، برین کنار! محارب بود، باغی بود. برین کنار...

دختر نگاهش را به دور و بر چرخاند. عمه‌به‌طرف پارک سرك می‌کشیدند و کسی حواسش به‌او نبود. آغسته خم‌شد، کلاسور را برداشت و زیر کلاسور خودش مخفی کرد. برگشت و توی جمعیت گم‌شد. عمه نگاهشان را به پارک دوخته بودند و سركس سعی می‌کرد به نحوی خودش را جلوتر بکشانند تا سرو گردنی پیچیده شده در یک چپیه‌ی چهارخانه‌ی سیاه و سفید خون‌آلود را، که موغای بلندی از زیرش بیرون زده بود، ببینند. ■  
آذر ۶۱ - د.ک

مختلف این جوانان را از برخورداری از تمامی حقوق یک انسان از جمله حق کار، حق ازدواج و مانند اینها منع کرده است.

در ادامه‌ی چنین سیاستی اخیراً مجلس ارتجاع "جزئیات طرح مجازات مشمولان غایب نظام وظیفه" را تصویب کرد که بنابر آن مواد ارتجاعی دیگری نیز به قانون خدمت وظیفه‌ی عمومی اضافه خواهد شد. بر طبق ماده‌ی ۶ این طرح، کلیه‌ی افراد باید حداقل یک سال از دوره‌ی خدمت وظیفه‌ی خود را در "مناطق عملیاتی" یعنی جبهه‌های جنگ ارتجاعی با دولت عراق و یا در کردستان بگذرانند. و طبق ماده‌ی ۴ این طرح حتی کسانی که این افراد را در موسسات غیر دولتی (از قبیل کارگاه، بنگاه، مغازه و ...) استخدام کنند در زمان جنگ به یک تا سه سال حبس محکوم خواهند شد.

## خلخالی: باید جوری حرف زد که از آن سوء استفاده نشود!

حقوق است. آن زن حتما سهمیه خودش را می‌گیرد و این مسلم است که عمه ۴۳۰۰ تومان را به یک زن نمی‌دعند. لابد دوتا بچه دارد و پدر و مادر دارد تقسیم می‌شود. باید جوری حرف زد که از آن سوء استفاده نشود. شاید آن زن که گفته است ۶ ماه گوشت نخورده است گیاهخوار بوده باشد. یک آدم گیاه خوار ممکن ۴ یا ۵ سال هم گوشت نخورد. از قضا گوشت از خیلی چیزها ارزان‌تر است. اینها را باید در مد نظر داشت ۳۰۰۰" □

خلخالی جلاد، نماینده‌ی قم، در جواب شجاعی نماینده‌ی ساری که در سخنرانی پیش از دستور مجلس گفته بود: "۳۰۰۰ خانمی اخیراً به من شکایت آورد که ۸۰۰ تومان حق بازتشیستی شوهرم را دریافت می‌کنم، در حالیکه ۶ ماه است گوشت نخورده‌ایم ۳۰۰۰" چنین می‌گوید: "۳۰۰۰ ناطق قبل از دستور اینجا مطرح کردند که یک کسی ۸۰۰ تومان حقوق بازتشیستی می‌گیرد آقایان عمه می‌دانند که تصویب شده است که حدود ۴۳۰۰ تومان حداقل

## یاب سوم نمایندگان مجلس را تحریم می‌کنند

را تحریم کردند. به‌کارگیری چنین شیوه‌هایی نمایانگر شدت یابی بیش‌از حد تضادسای جناحهای درونی رژیم است. هر دو جناح رژیم که به خوبی از آشتی ناپذیری تضادهای خود آگاهند، دیگر حتی بحث و جدل در مجلس را نیز کنار گذاشته، دست به تحریم یکدیگر می‌زنند. لازم به یادآوری است که دو نفر مذکور سرانجام با اکثریت ناچیزی به وزارت انتخاب شدند. □

موسوی نخست‌وزیر رژیم سرانجام پس از ماهها تاخیر، برای تکمیل کابینه‌ی خود در ۱۲ دی ماه محمد جواد ایروانی را برای وزارت اقتصاد و دارایی و محمدرضا آیت‌اللهی را برای وزارت معادن و فلزات به مجلس معرفی کرد. در هنگام رای‌گیری بیش از یک سوم نمایندگان (۸۶ نفر)، که با دو نفر نامبرده مخالف بودند، از حضور در جلسه خودداری ورزیدند و رای‌گیری

## گزارشی از شرکت کاترپیلار

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به‌دلیل بحران مزمن اقتصادی حاکم بر آن می‌خواست شرکت کاترپیلار که حدود ۱۰۰۰ کارگر دارد را کلاً تعطیل کند که با مقاومت و مبارزه‌ی دسته‌جمعی کارگران روبرو می‌شود. کارگران ضمن کنترل کارخانه مانع از عمل ضد کارگری حاکمیت شدند. ماجرا از این قرار بوده است: حدود یک ماه قبل مدیریت کارخانه اعلام می‌کند به‌دلیل نبود مواد اولیه و قطعات یدکی و ... شرکت تعطیل می‌شود. کارگران با تشکیل مجمع عمومی، متحدانه به این مساله اعتراض کرده و مدیریت را از شرکت اخراج می‌کنند. مدیریت سه‌روز بعد همراه با نمایندگان وزارت کار به کارخانه می‌روند و به مذاکره با کارگران می‌پردازند. در همین اثنا کارگران متوجه می‌شوند که مدیریت قصد دارد پیرونده‌های موجود در دفتر

کارخانه را به بیرون انتقال دسد (ضمن مذاکره گروه دیگری این کار را انجام می‌دند). کارگران به محض اطلاع از موضوع، مذاکره را قطع کرده و پیرونده‌ها را گرفته و سر جای خود می‌گذارند و مدیریت و نمایندگان را از کارخانه اخراج می‌کنند.

روز یکشنبه ۱۱ آذر وقتی کارگران وارد کارخانه می‌شوند متوجه می‌شوند که مدیریت با کمک سیاه از تعطیلات

جمعه و روز شنبه ۱۰ آذر استفاده کرده و تعدادی از ماشین‌آلات را خسازن و پاره‌ای دیگر از وسایل را به بیرون برده‌اند. به دنبال این دزدی مدیریت کارگران خانواده‌های خود را به کارخانه آورده و عده‌ای جلوی در ورودی متحصن می‌شوند و عده‌ای دیگر به داخل کارخانه می‌روند. طبق آخرین خبر، یکی از کارگران بر اثر ناراحتی و فشارهای ناشی از سزینگی دست به خودکشی می‌زند. □

## آموختن از مرگ

- آید پیام مرگ ، که یعنی عبث مده
  - این نقدک وجود به هیچ مدام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی که مرد راه
  - جز بهر زندگی نکند التزام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی که گاه نیز
  - شمشیر زندگی ست نهان در نیام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی غمین مباش
  - که صبح زندگانی زاید ز شام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی نگر که چون
  - کم آید از تداوم هستی دوام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی که رستمی
  - از عشق در ره استیسی از زال سام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی خواص عشق
  - بازند نبرد کینه به جان با عوام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی زوده باد
  - از لوح جان خلق این نقش حرام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی که زندگی
  - هرگز به کام مرگ نگشته ست رام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی که دام چین
  - هم ، خود ، به دام مرگ بنوشد ز جام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی که زود باد
  - تا خود امام مرگ هم افتد به دام مرگ .
  - آید پیام مرگ ، که یعنی که ، با امام ،
  - افتد به دام مرگ سراپا نظام مرگ .
- ☆☆☆
- وینک پیام آخر: یا علم یا که دین :
- این سو تمام زندگی، آن سو تمام مرگ .

- زان دم که برنشت به مسند امام مرگ ،
- آید ز چار گوشه ایران پیام مرگ .
- آید پیام مرگ، که یعنی، به چارسوی ،
- فرمان دهند مرگ یرستان به نام مرگ .
- آید پیام مرگ، که یعنی، به دست دین ،
- کشته ست حالیا همه ایران کنام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی ز زندگی
- گیرند مردگان قرون انتقام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی که تنگ شد
- بهر زندگی مجال نفس ز ازدحام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی، زبس قتال ،
- شد پست تر ز خاک گذر که مقام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی، به جان صبح ،
- جان ها ستوه شد ز شب مرگ فام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی که دین جهل
- نارد پیام داد مگر یا کلام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی که دین مگر
- حانا که محتشم شود از احتتام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی سیاه کین
- اردوی عشق را بفرستد به کام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی شراب خون
- نوشند قوم باده نواران به جام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی که اهل جهل
- جوید بهشت خویش به دارالسلام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی، به راه دین ،
- تنها نه عزرائیل بود از عظام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی، نه عزرائیل ،
- کاینک امام در کف دارد زمام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی به خلق خویش
- هر دم دهد خلیفه، ما بارعام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی به هوش باش
- کز نردبام جهل برآیی به بام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی که زخم کین
- می یابد التیام ، نه لیک التیام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی نه انقلاب
- کانی که بود بود همانا قیام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی مگو ، مگو ،
- جز با کلام مرگ سخن با امام مرگ .
- آید پیام مرگ ، که یعنی ، به خون قسم
- که نیست هیچ دین که نباشد مرام مرگ .

اسماعیل خوبی - نهم تیر ۶۴ - لندن

پار

خون  
خون  
خون  
اینگونه شد سپری  
از آتش بهار  
تا زمستان خاکستری.  
امسال  
بهار امسال  
چو یک چشمه خون

که جوشیده از خاک

الف فاروق - فروردین ۶۵



برای این ترویج و تبلیغ می‌کرد تا به پیروزی طبقه کارگر یاری رساند - طبقه‌ای که ماموریت تاریخی آن، بی‌درنگ پس از به دست آوردن رهبری سیاسی و اقتصادی جامعه، همانا برپا کردن و استوار ساختن کمونیسم است ...

مارکس فعالیت خویش را به



شانزدهمین سالروز رستاخیز سیاهکل و ...

تشکلهای غیر حزبی چیزی جز یک خیال واهی نیست. همچنین، به تعویق انداختن کار در دید آوردن مقدمات لازم برای اتحاد وسیع طبقه کارگر و تشکیل حزب رزمنده‌ی پرولتاریا همانا تخطی از وظایف عاجل جنبش خواهد بود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مدنهاست با ایجاد کمیته‌های مخفی اعتصاب، بسته‌های سرخ کارگری و جوخه‌های رزمی از یک سو، و ارائه طرح برنامه و انتشار آن در سطح جنبش، از سوی دیگر، به سهم خود مقدمات عملی و نظری تشکیل ارگان رهبری کننده‌ی طبقه کارگر ایران را فراهم آورده است. برخورد نیروهای مارکسیست - لنینیست و ارائه نظریات و انتقادات خود نسبت به این برنامه گامی است در جهت دست یابی به یک برنامه واحد انقلابی.

طبقه کارگر ایران، که در برهه‌های کوناگون تاریخی و رشد مبارزاتی‌اش، به علت خیانتها و سازشهای پیاپی ضدانقلابیون توده‌ای و بعداً فمدهستان اکثریتی آنان، ضربات جبران ناپذیر و بسیاری را متحمل شده است، اجازه نخواهد داد تا گرایشهای اپورتونیست - رفرمیست بار دیگر صف مستقل آن را مورد نفوذ قرار دهد و استراتژی مبارزاتی‌اش را مخدوش کند. آنان که سعی در تطهیر ضدانقلابیون اکثریتی - توده‌ای و کرنش به سوی بورژوازی را دارند باید مطمئن باشند که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، با الهام از یانزده سال تجربه مبارزاتی‌اش، ریزینویس و دیگر گرایشهای غیر پرولتری را، در سر پوشش و در زیر سر پرچمی که باشند، افشا و رسوا خواهد کرد و با عمه‌ی توش و توان خود خواهد کوشید تا جنبش طبقه کارگر ایران را از این سموم مرک بار بیالاید.

کشوری که در آن زاده شده بود محدود نمی‌کرد. می‌گفت: " من یکی از شهروندان جهانم. هر جا که باشم، فعالیت می‌کنم." و پیشامدها و تعقیب و گریزهای سیاسی به هر کشوری که می‌کشاندش - فرانسه، بلژیک، انگلستان - او باز، در جنبشهایی انقلابی که در آن کشور در کار بود، نقشی برجسته برعهده می‌گرفت ...

و فروتنی نسبت به ستمکشان را پاس بدارد.

دانشجویان عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور با انتخاب نام جهان برای ارگان سراسری خود، یاد این کارگر فدایی را عموماً زنده نگاه خواهند داشت.

اسلام، این ویژگیهای "اسلام راستین" مجاهدین را در نظر داشته باشیم و نشان دهیم که چگونه این اسلام تنها کوششی است برای منطبق کردن اسلام با وضعیت سرمایه‌داری مدرن. این کوشش در حقیقت از شیخ احمد روحی و سید جمال الدین اسدآبادی شروع شد و سپس افرادی چون آیت‌اله نائینی، آیت‌اله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر شریعتی، دکتر پیمان و رهبران سازمان مجاهدین آن را دنبال گرفتند.

در پایان این بخش از مقاله جمع‌بندی کنیم: مبارزه بادیین در وضعیت کنونی ایران وظیفه‌ای مهم است. وجه عمده‌ی این مبارزه، تبلیغ و ترویج ضددینی و مبارزه‌ی ایدئولوژیک است. هدف ما در مبارزه‌ی ایدئولوژیک علیه دین، افشا کردن گوهر حقیقی دین، چگونگی پیدایش آن، نقش جنایت کارانه‌اش در طول تاریخ، رابطه‌ی دین و طبقات استثمارگر و جز اینها است. در بخش سوم مقاله در شماره‌ی بعدی جهان سعی خواهیم کرد تا مفهوم جدایی دین از دولت را بازکنیم.



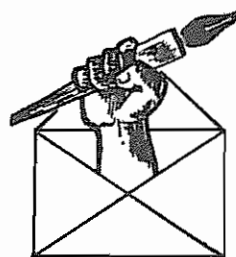
حماسه‌ی سیاهکل و قیام بهمین، به کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران تقدیم کرد تا اساس استوار کینه و نفرت عمیق به ستمگران و عشق

مبارزه‌ی قاطعانه بادیین ...

مسیحیت و بنیاد گذاری مذنب پروتستان در قرن شانزدهم، به نظریه‌پرداز بورژوازی جوان و انقلابی آلمان در مبارزه علیه فئودالیسم تبدیل شد. اما رجوی در شرایطی به رفرم بورژوایی در اسلام دست می‌زند و مذهب دروغین خود، یعنی "اسلام راستین"، را پایه گذاری می‌کند که بورژوازی دیگر نه تنها یک طبقه جوان و انقلابی نیست، بلکه به جای فئودالیسم با پرولتاریا دست به گریبان است. اگر لوتر با بورژوایی کردن مسیحیت در قرن شانزدهم، بورژوازی انقلابی را علیه فئودالیسم مسلح می‌کرد، رجوی با بورژوایی کردن اسلام در قرن بیستم بورژوازی ضد انقلابی را علیه پرولتاریا مسلح می‌کند. از این روست که به همان اندازه که لوتر انقلابی بود، رجوی ارتجاعی است.

ما باید در مبارزه‌ی خود علیه دین





★ آلمان - رفقای هوادار. خبرهای ارسالی شما به دست ما رسید و در صفحات اخبار ایران و جهان مورد استفاده قرار گرفت. طرحها و عکسهای ارسالی شما نیز در اختیار مسئولین آرشیو جهان قرار گرفت. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

★ نروژ - رفقای هوادار. با تشکر از ارسال نامه‌تان. نشریاتی را که خواسته بودید، برایتان ارسال شد. آدرس نشریه‌ی فیلیپینی نیز ارسال می‌شود. از این که قصد دارید روزنامه‌هایی را که در مورد ایران مقاله درج می‌کنند برای ما بفرسند، متشکریم. ★ سوئد - ج. نامه و شعر شما رسید. امیدواریم بتوانیم در شماره‌های بعدی جهان شعر شما را چاپ کنیم. به مطالبی که در نامه‌تان اشاره کردید، پاسخ داده خواهد شد.

★ ایتالیا - م. خ. شعر شما به دست ما رسید. امیدواریم شعرهای بعدی شما را در جهان چاپ کنیم. ضمناً قصد داریم در آینده با چاپ مقالاتی در جهان شاعران جوانی مثل شما را با اصول و فنون شعر و ادبیات بالنده و انقلابی آشنا کنیم.

★ کالیفرنیا - رفیق ن. از ارسال مطلب مربوط به فروغ فرخزاد تشکر می‌کنیم. از آن در بخش ادبی نشریه استفاده خواهیم کرد.

★ اویسلا - رفیق د. از همکاری‌تان با نشریه‌ی جهان تشکر می‌کنیم. داستانها، ترجمه‌ی شعر و طرح شما رسید.

★ یوگوسلاوی - رفیق س. ص. از نامه‌ی محبت آمیز شما متشکریم.

مطالبی که فرستادید در شماره‌های بعدی جهان چاپ خواهد شد.

★ ایتالیا - جنوا، رفیق ک. از طرحی که فرستاده بودید متشکریم.

★ اسپانیا - مادرید، الف. نامه‌ی شما رسید. امیدواریم همان طور که در نامه‌تان نوشتید، در مورد ترجمه‌ی مطالب خبری از زبان اسپانیولی با ما همکاری کنید.

★ آلمان - رفیق م. ع. نامه‌ی شما رسید. پیشنهادهای شما را بررسی خواهیم کرد.

★ سوئد - استکهلم، رفیق د. گزارش خبری و طرح شما رسید، متشکریم.

★ کالیفرنیا - رفیق جمال. نامه‌ی شما و البوم عکسهای همراه آن به دست ما رسید. متشکریم. در مورد سؤال شما با رفیق مسئول در آمریکا تماس خواهیم گرفت تا شما را در جریان بگذارد.

★ آمریکا - رفقای هوادار. گزارشهای خبری که فرستاده بودید در بخش خبری نشریه مورد استفاده قرار گرفت. این نوع همکاریها باعث می‌شود که کیفیت صفحات خبری نشریه ارتقا یابد.

★ انگلستان - آکسفورد، رفیق م. نامه‌ی مسئولانه و پرمحتوای شما رسید. در شماره‌ی بعدی جهان به آن پاسخ خواهیم داد. امیدواریم در آینده نیز ما را از نظریات خود درباره‌ی مطالب جهان آگاه کنید.

★ آمریکا - دالاس، ا. س. روابط بسیار دوستانه‌ی دولت نیکاراگوئه با رژیم جمهوری اسلامی آشکارتر از آن است که از دید نیروهای انقلابی پنهان بماند. این روابط ویژه به جایی رسید که دولت نیکاراگوئه اخیراً حتی حاضر نشد نقض ابتدایی ترین حقوق بشر را در ایران محکوم کند.

از نظر ما سیاست خارجی سیج دولتی جدا از سیاست داخلی آن نیست. از این رو درج خبر مربوط به نیکاراگوئه در جهان ۳۷ با توجه به انحرافات موجود در سیاستهای داخلی و خارجی

دولت نیکاراگوئه انجام گرفت. ما وظیفه‌ی خود می‌دانیم که برای تحکیم و تقویت انترناسیونالیسم پرولتری به انحرافات دولت نیکاراگوئه برخورد کنیم. بدیهی است چنین برخوردی به مفهوم نفی دستاوردعای انقلاب نیکاراگوئه نیست.

★ انگلستان - منچستر، رفیق ع. م. از علاقه‌ای که به مقاله‌ی برخورد

مارکسیستی با دین مندرج در جهان شماره ۲۸ نشان دادید خوشحالم. در زیر به بعضی از نکات انتقادی شما به این مقاله اشاره می‌کنیم.

شما در نامه‌تان متذکر شدید که چرا در مقاله به برخوردی سازمان ییکار به دین اشاره نشده است. در پاسخ به شما باید بگوییم که اولاً مقاله‌ی فوق ناتمام است و در چند شماره‌ی بعدی جهان نیز این مساله را دنبال خواهیم کرد. ثانیاً، همانطور که شما نیز متذکر شدید، برخورد جریان‌هایی مثل ییکار به دین برخوردی آنارشستی بوده است. ما تلاش خواهیم کرد یکی از مقالات آینده‌ی این سلسله مقالات را به برخورد انحرافی چپ به دین اختصاص دهیم. در آنجا که نوشتیم مقاله‌ی مندرج در کار یک استثنا بوده است، طبیعی است که منظور ما از لحاظ برخورد اصولی این سلسله مقالات به دین بوده است.

در مورد نکته‌ی دوم شما، باید تاکید کنیم که سازمان از همان ابتدای پیدایش با حزب ضدانقلابی توده مرزبندی داشته است و تنها در سالهای اخیر نیست که این مرزبندی ایجاد شده است. گرچه خیانت‌های حزب توده در چند سال گذشته و دفاع بی‌قید و شرط آن از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی باعث شده است براین مرزبندی پیش از گذشته تاکید شود. البته این حرف به مفهوم نفی وجود برخی نظریات انحرافی در سازمان در گذشته نیست.

شما در نکته‌ی سوم خود در مورد جزوه‌ی رفیق جزئی در مورد اسلام اظهار

داشتید: " از آنجا که بنا به سردلیلی از پخش بیرونی آن جلوگیری شده به سیاست سازمانی تبدیل نشد، بنابراین نا آنجا که مربوط به آن مقطع از تاریخ است، نوشتن یا ننوشتن آن عملاً بی تفاوت بود." تا آنجا که ما می دانیم این جزوه در سطح نیروهای سیاسی پخش شد و حتماً تأثیراتی نیز داشته است. البته ما هم معتقدیم که اگر این جزوه انتشار بیرونی می یافت، در شناخت ماهیت حقیقی نیروهای مثل سازمان مجامع دین بسیار موثر واقع می شد.

در مورد نکته چهارم شما، ما هم موافقیم که بین رعبری و بدنه یك سازمان سیاسی نمی توان تفاوت چندانی قایل شد. اگر بدنه و یا هواداران سازمان مجامع دین سیاستهای رعبری کنونی سازمان خود را نمی پذیرند، باید تکلیف خود را روشن کنند.

★ انگلستان - منچستر، رفیق د. صمد. تبریک سال نو میلادی از جانب غیث تحریریه ی جهان به هموطنان مسیحی به منیچوجه تقویت دین مسیحیت محسوب

نمی شود. ما فکر نمی کنیم تبریک گفتن سال نو میلادی هم اکنون ربطی به مسیحیت داشته باشد. ما نیز با شما موافقیم که باید با دین قاطعانه مبارزه شود و در این راه تا حد توان خود تلاش خواهیم کرد.

★ انگلستان - لندن، رفیق سیامک. دو نامه ی شما رسید. از آنجا که نامه های شما دارای نکات مهمی است، ما تصمیم گرفتیم بخشهایی از آنها را در جهان چاپ کنیم. ولی به علت تراکم مطالب این شماره، این کار را در شماره ی بعد خواهیم کرد.

★ هند - رفیق ع. ش. ما با پیشنهادهای شما در مورد متنوع کردن صفحات خبری جهان موافقیم و همانطور که مشاهده می کنید در همین شماره ی جهان تا حدودی به این کار دست زدیم. اگر شما نیز گزارشهایی در اختیار دارید، برای ما ارسال کنید. در مورد گزارشهای دانشجویی، باید توضیح دهیم که ما به محض دریافت آنها را چاپ می کنیم. شاید جهان دیر به دست شما می رسد که تصور می کنید این گزارشها با تاخیر

چاپ می شوند. در مورد اشتباه در جهان شماره ی ۳۵، صفحه ی ۴۰، ستون اول، پاراگراف آخر، حق با شماست. صحیح آن جمله چنین است: " ماتریالیسم تاریخی معتقد است که جامعه ی بشری از يك صورت طبقاتی که آن را کمون اولیه می نامد به صورت جامعه ی طبقاتی تکامل یافته و ... " از گزارش کوتاهتان در مورد وضع نیروهای ایرانی در سند تشکر می کنیم، تماس خود را با ما حفظ کنید.

★ پاریس - رفیق الف. ک. نامه ی شما را دریافت داشتیم. در مورد هر دو سؤال شما ما توضیحاتی در جهان ۳۸ درج کرده ایم، که نظرتان را به آن معطوف می داریم. از ترجمه سایی که فرستاده اید سپاسگزاریم. سعی می کنیم در آینده از آنها استفاده کنیم.

★ ترکیه - رفیق ک. یولداش، مطلبی که با عنوان " تحلیلی از فیلم " فرستاده بودید، به دستمان رسید. در شماره های بعدی جهان از آن استفاده خواهیم کرد. باز هم مطالبی از این گونه برای ما بفرستید.



## انگلستان پوند

۲۰	مدای فدایی
۴۰	رفیق صمدحسین زهی
۵۰	با یک ۱۰۰
۴۰	ت - ۳
۵۰	جهان کمونیست
۴۲	ت - ۱
۲۰	ت - ۴
۲۰	الف ۲
۱۴	ت - ۱
۱۰	الف - ۳
۴۰	ک
۱۰	ر
۳۰	الف
۲۰	گ
۲۰	ن
۱۵	الف
۱۵	ر
۳۰	ط
۱۶	ل
۱۰	ق
۶۰	ب
۱۰	ی
۱۰	ت
۱۰	الف
۲۲	ل
۱۷	ق
۵	ت
۱۴	الف
۱۰	س
۲۵	الف
۵۰	د

## ترکیه

۱۰۰۰	آرمان - محمد دلار
	رفقا آرمان و محمد -
	امانتی که بیستی شماست
	به رابط انجمن تحویل
	دهید .
	<u>فرانسه</u>
	<u>فرانک</u>
۲۰۰	لیل - مسعود رحمتی
۳۰۰	رفقای تولوز

## با گمکهای مالی خود سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را در امر انقلاب یاری رسانید

۱۵۰	ح - ۹۱۴
	جزوهی " انتقاد و
۲۸۴	انتقاد از خود "
۳۰	منصور اسکندری
۱۰۰	آزادی
۱۰	ح - نیویورک
۱۰	آزادی - برکلی
۱۰	طهمورت اکبری
۷۵	ب - احمد
۳۰	شوراهای کارگری ۱۸
۱۰	م - دیالکتیک
۵۰	کار - سرکلی
۱۰	راه بیژن
۱۰	دموکراسی - ج
۲۰	شاهین سخن
۴۰	کیارسی
۱۰	بدون کد
۲۰	ک - برکلی
۷۵	رفقای مازندران
۲۵	مارکس
۶۰	رفقای M16
۷۰	ک. س. سن خوزه
۱۵	و - ۶
۵۰	هیات تحریریه کار
۳۰	راوی - اورلئان
۱۹۰	رفیق فدایی
۵۰	رفیق سعید
۴۰	رفیق مسعود ف
۲۰	داس و جکس
۵۰	بیژن حزنی
۳۰	رادیو فدایی
۲۰	رفیق منصور اسکندری
۷۰	شلویک وار
۵۰	رادیو فدایی
۲۵	کمیته‌ی خارج از کشور
۲۰	سهم ۶۴
۲۰	مرضیه اسکویی
۳۰	آهنگر
۲۵	رفقا
۵۰	کنفرانس ژنو
۵۰	گویک
۱۰	مبارزه
۲۰	رفیق سعید
۲۱۰	سمنار غرب

۱۰۰	رفیق خسرو	۱۰۰	الف ۱۳۵۷
۵۰	رادیو فدایی	۲۰۰	بندر - جوخه‌های رزمی ۲
	فدایی شهید	۱۰۰	کمونیست
۴۸	کمال سهمی	۱۰۰	لیل (ن)
۶۰	فدایی شهید توماج	۵۰۰	رنس
۱۵۰	نشریه کار		رفیق نابدل
۶۷	جوخه‌های رزمی		امانتی شما رسید
۹۱	کردستان	۱۰۰	رنس - اسکندر
۳۵	سولماز	۱۰۰	الف ۱۳۵۷
	رفیق شهید	۵۰	تولوز - بدون کد
۱۹۲	عبدالرضا غوری	۱۵۰	تولوز - بدون کد
۱۰۵	جنس خارجیها		لیل ۵۹ -
۲۱۰	رفیق بی‌آشار	۳۰۰	مسعود رحمتی
	رفیق شهید سیگوری ۶۳		ن. م. لیل
	فرانکفورت		کادوی شما رسید
۱۰۰	رفقا بویان و بایان	۲۰۰	بندر - جوخه‌های رزمی ۲
	آمریکا	۱۰۰	الف ۱۳۵۷
	دولار		مارک
۲۴	ستن روز		آلمان
۳۵۰	دالاس ۳۵۰		دارمشتات
	به‌باد هواداران		S-K-Kurdistan
۵۰	سچنفا - فیلیپین	۹۲۰	
۲۰	به‌یاد رفیق مهدی علوی	۱۰	جلسه‌ی بحث عمومی
۲۳/۵۰	فدایی	۱۰۰	برگشتی از فیلیپین
۲۵	آستین - بویا		

**گمکهای مالی خود را به حساب**  
**AAH 739066 F**  
**Credit Lyonnais**  
**134 Bd. Voltaire**  
**75011 Paris**  
**France**

**واریز نمایید و رسید بانکی را به همراه کد دلخواه خود**  
**به نشانی زیر بفرستید**

**ACP**  
**BP 54**  
**75261 Paris, cedex 06**  
**France**

اطلاعه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ...

میتوانید نشریات "کار، زندگی، گه"، "بامی استار" و "جهان" را از نشانی های زیر درخواست کنید

را به بیرون از کارخانه پرتاب میکنند. اگر کارگران به مبارزه ای متحد و یکپارچه و متشکل علیه این سیاستهای ارتجاعی برنخیزند، آینده ای سولناک تر از امروز در انتظار آنهاست. برای جلوگیری از موج اخراجهای دسته جمعی که هر روز بر تعداد آن افزوده میشود، کارگران ایران باید در برابر سیاست اخراجهای دسته جمعی بمقابله ای جدی و قطعی برخیزند و این سیاست رژیم را با شکست روبرو سازند. در کارخانه ها و موسساتی که رژیم دست به اخراج تعدادی از کارگران میزند، عمه کارگران باید متحد و متشکل به مبارزه برخیزند و مانع از اخراج سم زنجیران خود شوند و بدانند که اگر امروز رژیم، گروهی از کارگران را اخراج میکند، فردا سرنوشت سماتندی در انتظار آنهاست. در کارخانه ها و موسساتی که رژیم دست به اخراج عمه کارگران و تعطیل کارخانه میزند، کارگران باید این موسسات و کارخانه ها را به اشغال خود درآورند، برای پیشبرد مبارزات سازمان یافته و متشکل خود، کمیته های کارخانه را تشکیل دهند، و تا زمانیکه رژیم به خواسته های کارگران تن نداده است دست از اشغال کارخانه برندارند. اگر این اقدام انقلابی کارگران در تمام کارخانه ها و موسساتی که رژیم دست به تعطیل آنها میزند، باجرا گذاشته شود، رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی در برابر اراده متحد و یکپارچه کارگران ناچار به عقب نشینی خوانده شد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق زنده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران آذرماه یک هزار و سیصد و شصت و چهار

اتریش	I.S.W. Postfach 122 Post AMT 1061 Wien, Austria	۶ شماره - ۱۵۰ شلینگ ۱۲ شماره - ۲۹۰ شلینگ
آلمان غربی	Postfach 110834 6100 Darmstadt West Germany	۶ شماره - ۲۰ ماری ۱۲ شماره - ۳۵ ماریک
آمریکا	Hadi P.O. Box 419 N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.	۶ شماره - ۸ دلار ۱۲ شماره - ۱۵ دلار
انگلستان	O.I.S BM Kar London WC1N 3XX England	۶ شماره - ۶ پوند ۱۲ شماره - ۱۱ پوند
ایتالیا	Masoud-M C.P. 6329 Roma Prati Italia	۶ شماره - ۱۲۰۰۰ لیر ۱۲ شماره - ۲۲۰۰۰ لیر
بلژیک	E.I. B.P. 8 1050 Bruxelles 5 Belgique	۶ شماره - ۵۰۰ فرانک ۱۲ شماره - ۹۰۰ فرانک
دانمارک	I.S.F. P.B. 398 1500 Copenhagen . V Danmark	۶ شماره - ۹۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۸۰ کرون
سوئد	I.S.S Box 50057 10405 Stockholm Sweden	۶ شماره - ۸۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۲۰ کرون
فرانسه	A.C.P B.P. 54 75261 Paris Cedex 06 France	۶ شماره - ۷۰ فرانک ۱۲ شماره - ۱۲۰ فرانک
کانادا	ISS P.O. Box 372 Ahuntsic Station Montreal, P.Q. H3L 3N9 / Canada	۶ شماره - ۱۰ دلار ۱۲ شماره - ۱۸ دلار
هلند	P.B. 11491 1001 G.L. Amsterdam Netherlands	۶ شماره - ۲۲ فلورن ۱۲ شماره - ۴۰ فلورن
هند	P.O. Box 7051 New Delhi 65 India	۶ شماره - ۲۰ روبیه ۱۲ شماره - ۵۰ روبیه

رفیق بهزاد شهبانی -	۱۷۰	پیروز یاد جنبش
آریزونا	۱۷۰	دانشجویی
لنین - برکلی	۱۰	افشا و لغو قراردادهای
		اسارتبار بازرگانی

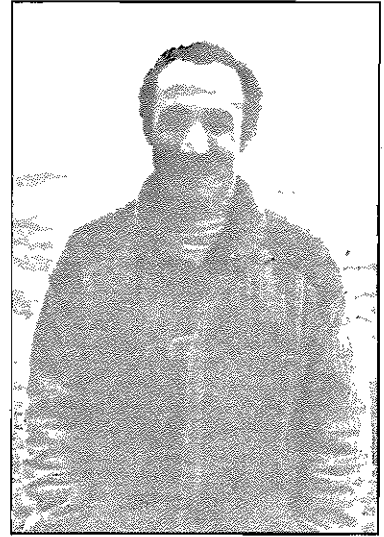
اتریش	شیلینگ	۲۰۰	رفقای شالیماز	۳۰	فدایی خلق جلال	۲۰	یونا
کانادا	دلار	۱۲۰	رفقای شالیماز	۴۰	معراجی	۴۰	احمد زیبرم
شیلینگ		۵۰۰	بدون کد	۶۰	چه گوارا وار	۳۰	ثریا
شیلینگ		۲۰۰	کمیته ی تاریخ - تورنتو	۱۲۰	رفیق روزبه	۱۳	کمون دهلی
شیلینگ		۲۰۰	کمیته ی مطالعاتی (۱)	۴۰	رادپو فدایی		کمیته ی مطالعاتی تاریخ
شیلینگ		۲۰۰	رفقای شالیماز	۳۰	رامین		(رفیق کبیر اسکندر)
شیلینگ		۱۰۵	سرمایه داری ایران				
شیلینگ		۱۰۵	سرمایه داری ایران				
شیلینگ		۱۰۵	سرمایه داری ایران				
شیلینگ		۱۰۵	سرمایه داری ایران				



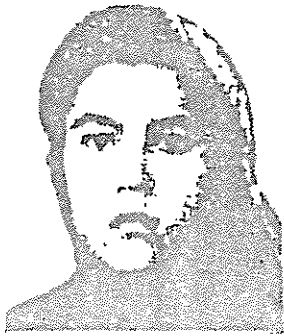
برخی از  
به خون تپیدگان فدایی  
بهمن ماه



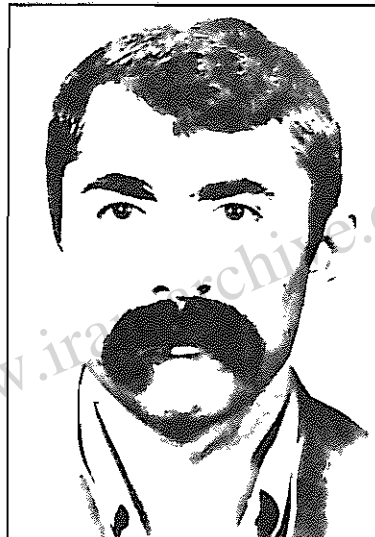
فدایی خلق اسکندر



فدایی خلق حسن



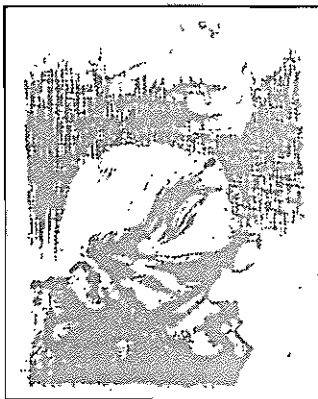
فدایی خلق فاطمه محمدی



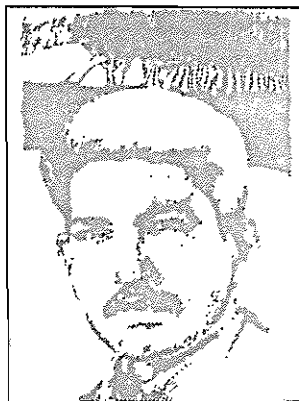
فدایی خلق مسعود رحمتی



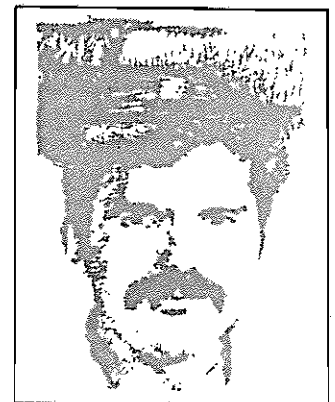
فدایی خلق توماج



فدایی خلق جلیل انفرادی



فدایی خلق صفایی قراہانی



فدایی خلق هوشنگ نیری

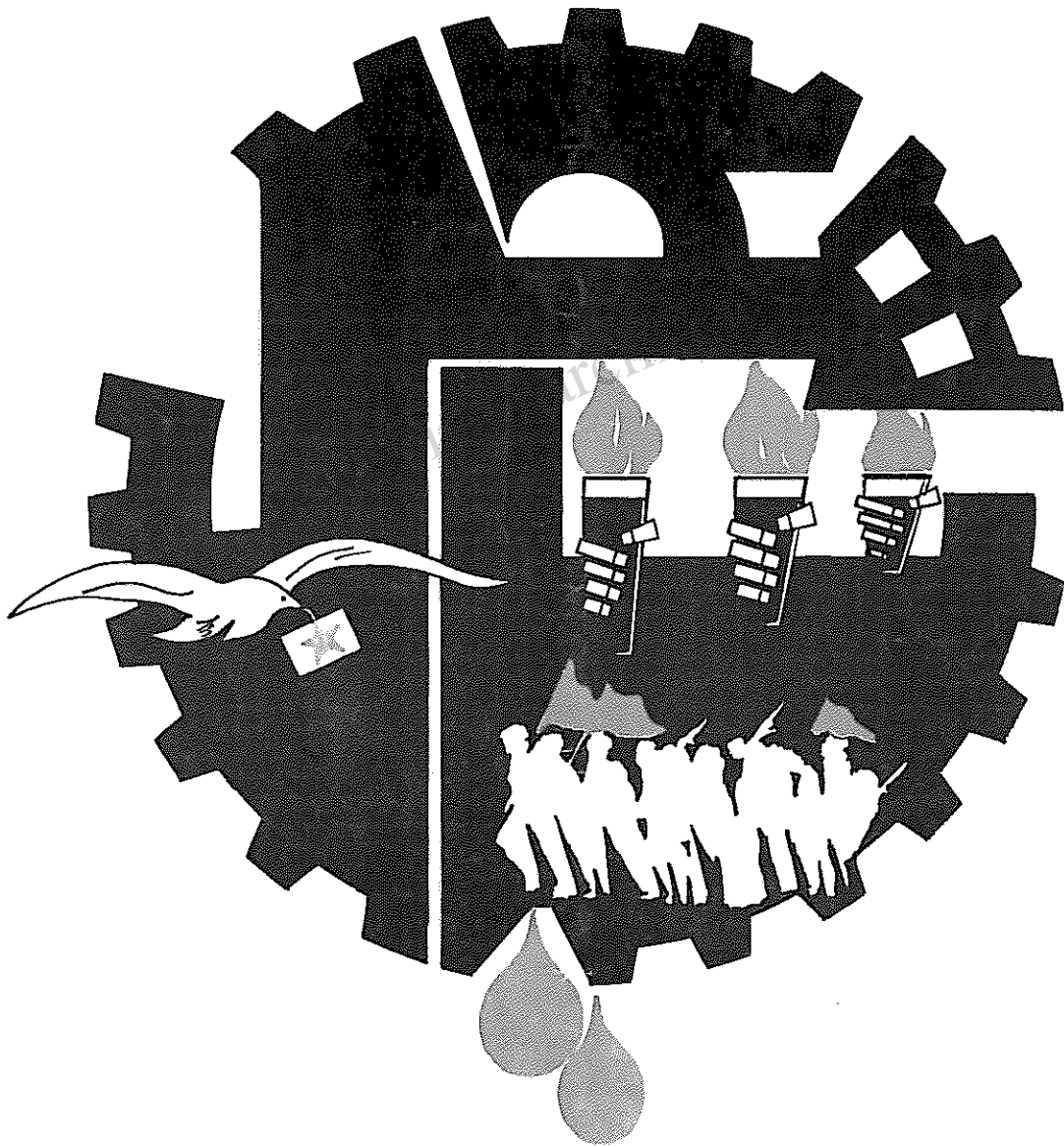
# JAHAN

Organ of the student supporters of the Organisation  
of Iranian Peoples' Fedaii Guerrillas --abroad

*VOL. V*

*FEB. '86*

*NO:39*



**برای تماس با جهان با نشانی زیر مکاتبه کنید:**

JAHAN, P.O. BOX 274, GLASGOW G41 3XX, UNITED KINGDOM.